

نابینان گفت که جزء این هیئت مؤلفه است چون آن شروط و نظامات هنوز طبق منتشر نشده خوب است اگر ممکن باشد آن شروط و نظامات را هم بدهند بفرقه دموکرات که آنها را هم ببینند اگر نظریاتی داشته باشند خواهند گفت و اگر نظریاتی نداشته باشند آن را هم خواهند گفت در این مواد عموماً اتفاق دارند و هیچ اختلاف نظر سیاسی در آنها نیست و اگر چه دیگری است که باعث اقلیت و اکثریتی باشد آن یک مطلب دیگری است و الا عرض کردم اینها کلیات است و در اینها اتفاق تمام است لکن چون راه عملی در اینجا معنوم نشده شاید اختلاف نظری در عملیات در اینجا پیدا شود و این اختلاف نظر هم اختصاص ندارد بفرقه دموکرات و فرقه مؤلفه ممکن است اختلاف نظر در موع عمل از برای فرقی که جزء فرقه مؤلفه هستند هم پیدا شود و اینهم جزئی از هیئت نیست اختلاف نظر در همه جا برای هر فرقه حاصل شده است فعلاً چون کلی است اختلافی نیست و لکن و نتیجه داخلی نیست شاید آن اختلاف نظر خواهد آمد شاید حزب دموکرات هم نظری در عملیات داشته باشند شاید نداشته باشند مطالب دیگر آنکه از آرزوی که خواستیم دموکرات را معرفی بکنیم یک طبق متصلی اظهار بکنیم یک (پراکسیون) از صرف شبیه پارلمانی دموکرات نوشته شده بود و خواسته بودند که اینجا خوانده شود و از پیش اجازه خواسته بودیم که بخوانم. در اینجا ولی بملاحظه اینکه وقت مجلس تلف نشود اینجا عرض نمیکنم و بعد میهمم باندازه اند نویسی که بعد طبع کند و در جرایم درج خواهد شد و در آنجا که ملاقات مناسبت و تا کنیک فرقه افن را شرح داده اند و مقدماتی از مواد در اینجا شرح داده شده است هر کسی در آن بعد از مطالعه اشکالی دید ممکن است اطلاع بدهد و رفع اشکال شود مجدداً عرض میکنم که در این مواد نیست که هیچ اقلیت و اکثریتی نیست و همه اتفاق داریم و هیچ نمی توانیم بگوئیم که در این کلیات ماها که سهل است هیچکس نمی تواند اختلاف داشته باشد و تفرار امنیت اعزاز شاگرد با زبیا و از این قبیل مطالب اینجا چیزهایی است که همه اتفاق دارند همه در محل عمل وقتیکه خواستیم در جزئیات داخل شویم شاید بعضی نظریات مختلف باشد و این هم عرض کردم اختصاص دموکرات ندارد شاید برای خود آقایان اکثریت هم این اختلاف نظر حاصل شود.

باشد که آراء آنها در تحت آن کلی جمع شود و یک نظام و ترتیبی باشد که این آراء مختلف تحت آن نظامات در بیاید همین طور بلکه مجلس شورای ملی باید اکثریت را تصدیق بکند بواسطه رفع اختلاف همانطور ما خواستیم این فرقه که ائتلاف کرده اند و این مراسم را نوشته اند بآن نظام مخصوص داخل شوند تا آن اکثریت را نگاهدارند و این اکثریت ثابت باشد بطوریکه در این دوره تقنینی متنازل نشود پس با کمال امتنان و تشکر از آقایان استدعا میکنم که هر یک از آقایان میل دارند که داخل در آن نظامات شوند این نظامات طبع و توزیع میشود و همه داده می شود هر کدام آنرا صحیح میدانند و قبول کردند با کمال امتنان پذیرفته خواهد شد.

رئیس - محسنتات اکثریتی که در مجلس پیدا شده و محسنتات تعیین احزاب فقط آنهاست که در این مجلس مذاکره شده است یکی از محسنتات تعیین احزاب و سایرین آنها است که دیگر در تمام جزئیات تمام افراد یک حزب اجازه نمیخواهند همینکه ناطق یک حزب یک اظهاری کرد دیگر سایر افراد لازم نیست که مطلق بکنند مثلاً یک نفر از یک حزب قبلاً آمده است بهیئت رئیس و اجازه خواسته است که من یک نظری دارم در اینجا و آمده است عنوان کرده است و یک نفر هم از آن حزب آمده است که من هم یک نظری دارم میخواهم اظهار امتنان بکنم آنوقت همینکه این اظهار شده بنده می بینم که سی نفر اجازه نطق خواسته اند پس اگر بنا شود در این جزئیات آنقدر مذاکره کنیم که قوا اینها را بگذرد باین جهت عرض میکنم که دیگر داخل این مسائل نمیشویم و مسائل جزئی را در میان خودشان بگذرد بکنند و مسائلی که لازم است گفتگو شود از طرف نماینده آنها بطور خلاصه در مجلس اظهار میشود.

وکیل الرعایا - اجازه میفرمایند عرضی دارم **رئیس** - دیگر در این موضوع داخل مذاکره نمی شویم.

وکیل الرعایا - داخل این موضوع نخواهم شد.

رئیس پس برایت بدانم در چه غرض است میبایست که قبلاً اجازه خواسته باشید که از موضوع مطلع باشیم.

وکیل الرعایا - بنده اجازه چهارم نفرم نه جزء نوزده نفر لکن از آدم های این مملکت هستم میخواهم بدانم چکاره هستم.

رئیس - همانطوریکه شاهزادگان سلیمان میرزا و میرزا مرتضی قلیخان آمده بودند در هیئت رئیس و گفته بودند ما در این خصوص نظریاتی داریم و اجازه خواسته بودند ممکن بود شاهام تشریف بیاورید و بنده را مسجون نماید و اجازه بخواهد.

وکیل الرعایا - چشم من همین کار نخواهم کرد و بگروم مجلس را مشغول میکنم برای اینکه چکاره هستم.

رئیس - نبل از اینکه داخل بشویم در دستوری که از برای امروز معین شده است میخوانم تقاضا بکنم که داخل بشویم در همه مستخدمین خارج چون چند روز قبل آقای وزیر امور خارجه شفاهاً

بیانی فرمودند و آن لایحه را فرستادیم بکمیسیون نظام و کمیسیون نظام هم عیناً نظرش نظر وزارت خارجه است و چون از طرف وزارت خارجه تقاضا شده است که امروز مذاکره شود و فوریت اینهم تقاضا شده است اینست که داخل مذاکره آن مشوریه (لایحه) وزارت امور خارجه در باب مستخدمین ژاندارمری سوندرابورت کمیسیون نظام بعباری که قبلاً نوشته شده است قرائت شد.

مجلس مقدس شورای ملی راجع به مستخدمین سوندری موافق رایورتنی که از جناب ممتاز السلطنه وزیر مختار دولت علیه نوابریس بوزارت امور خارجه رسیده است و وزیر مختار دولت سوندرابورت بآقای ممتاز السلطنه اظهار نمود که چون صاحب تعیین سوندری که دارای منصب سرهنگی هستند سن آنها غالباً نزدیک شصت سال است صاحب منصب باین سن بالغی و ص در خدمت ژاندارمری و آنهم اوضاع ایران که مشکلتراست قدری محل نامل است بهتر این است بجای سرهنگ سلطان و بجای سلطان نایب اول برای خدمت دولت علیه استخدام نماید و در ایران هم بآنها درجه بالایی مرحمت شود که با فعالیت بتوانند بوظایف خدمتگذاری خود قیام نمایند اینست شرحی که وزیر مختار پاریس بوزارت خارجه تلگراف نموده است چنانچه مجلس مقدس هم این رای و عقیده را تصویب میفرمایند سرتوم خواهند فرمود که تلگرافاً بوزیر مختار پاریس اطلاع داده شود.

(محسنت السلطنه)
کمیسیون نظام شب چهارشنبه ۲۲ صفر یکساعت از شب گذشته بطور فوق العاده در تحت ریاست آقای دکتر امیر خان منعقد گردید در باب پیشنهاد وزارت خارجه دائر به مستخدمین سوندری که برای ژاندارمری جلب خواهند شد مذاکره کرده عین پیشنهاد وزارت و موافق اظهار تصویب می نماید.

(از طرف مخبر کمیسیون دکتر اسمعیل)
ارباب کیخسرو - بنده نیتانم جهت اینکه این رایورتن بجمع آمده است چیست بجهت اینکه هرچوقت از برای استخدام مستخدمین صحبت سن آنها در مجلس نشده است وضعیت اینکه چه مقایسه بایند دارا باشد فقط مجلس اجازه داده است که اشخاصی که فقط از آنها استفاده کرد در مملکت استخدام شوند دیگر بسته بنظر خود او بجای دولت است که هر کس را صلاحیت میدانند استخدام کنند.

معزز الملک - گویا اینجا بکفتری آقای ارباب دقت نکرده باشند و گویا اینطور نباشد در موقعی که لایحه مستخدمین پیشنهاد شده منجمله برای ژاندارمری مخصوصاً بنا داشت شده بود که سه نفر مستخدم ژاندارمری که بکنند رتبه سرهنگی و دو نفر رتبه سلطانی داشته باشند و بآن لایحه رای داده باشد و در واقع مجلس رای داده است بجلب سه نفر صاحب منصب که فلان رتبه را داشته باشند و در این موقع که در آن لایحه مذاکره میشد بکنند از نمایندگان مخصوصاً اظهار کرد که باید آنها را از مرتبه علمی مرتبه علمی هم داشته باشد و این خیلی وقت صحیح بود بجهت اینکه وقتی که داخل عملیات خدمت می تواند خوب اداره بکند و چنانچه همه شما بجوی مسجون هستید بواسطه ما بعضی بیش آمده از آنجا بکنم میخواستیم جلب کنیم موفق نشدیم و مجبور شدیم که از سوندری جلب

کنیم و چون ممکن است که قوانین و قواعد نظامی هر یک از املاک با هم اختلاف داشته باشد ممکن است رسیدن بمرتبه سرهنگی در بعضی املاک زودتر حاصل شود و در بعضی املاک خیلی دیرتر دروسند اتفاقاً همانطور است بطوریکه تلگراف کرده اند این رتبه طوری است که کمتر حاصل میشود و باینجهت سرهنگ های آنها سنشان زیاد است و شاید برای ایران که یک اداره مستخدم میفرماید شاید محتاج بجایی مسافرت باشد و آن کبر سن شاید اجازه ندهد که او آتقدر حرکت و مسافرت کند و آن طوریکه لازم است از عهده وظایف خودش بر آید علی الخصوص که آن مناسبتی که در باب سرهنگ حاصل میشود در باب سلطان هم منظور می شود بجهت اینکه یک سلطان که از عرش چهل سال یا چهل و چهار سال گذشته باشد بمرتبه سرهنگی میرسد و آن مدت فقط برای تکمیل عملیات است و چون این مسئله جلب مستخدمین خیلی اهمیت و شدت لزوم داشت و چندان اهمیتی ندارد که دودرجه بالاتر یا پایین تر باشد و نباید یک چنین کاری را برای آن تأخیر انداخت باینجهت ما نخواستیم به واسطه یک مسئله که در اساس کار تغییر نمی دهد یک اساس را بهم بزنیم و تأخیر بینه ازیم و از طرف دیگر چون مجلس بآن لایحه رای داده بود ازین جهت لازم بود که اینهم بجمع بیاید و بطول اعلام نمایندگان برسد که یک چنین منظوری هست.

رئیس - گمان نمیکنم مخالفی باشد **ارباب کیخسرو** - بنده عرض کردم که در آنجاری داده شده است برای سلطانی و سرهنگی عرض میکنم برای سن در اینجا مذاکره نشده است آن با خود اولیای دولت است که چه قبیل اشخاص را مستخدم نمایند و حالا اگر اجازه بدهیم یک سلطان عوض یک سرهنگ استخدام شود و یک نایب عوض یک سلطان احتمال دارد که در اینجا رای داده شود و فردا یک محظور دیگری برای سلطان و نایب حاصل شود و محتاج بتجدید رای شویم بهتر اینست که رای بدهیم سه نفر مستخدم برای این مقامات بخواهند دیگر بسته براری خود اولیای دولت است.

معزز الملک - چون در تلگراف وزیر مختار اظهار شده است که پس از آنکه در خدمت ایران داخل شدند بکدرجه ترفیع رتبه بایند بآنها داده شود و این مطرح در مقام کرات کمیسیون نظام نبوده است و جزء رای نیست بسته است بمیل وزیر اگر خواست می دهد.

رئیس - رای گرفته می شود و رایورتن کمیسیون تقریباً در آن قسمتی که آقای معزز الملک بیان فرمودند کسانیکه موافقت قیام نمایند [باقتان تصویب شد]

وزیر امور خارجه - مطابق تلگرافی که از واشنگتن رسیده است اکثرات مستخدمین آنجا هم امضاء شده عنقریب اعزام خواهد شد **رئیس** - رایورتن کمیسیون نظام در باب اخذ سوار از ایلات قرائت می شود

(رایورتن مزبور بطوریکه در نمرات سابقه درج شده است قرائت شد)
افتخار الواعظین - البته این شکلی که بنده این رایورتن را ملاحظه کرده ام سایر نمایندگان محترم هم ملاحظه فرموده اند و فقط اینجا یاد آوری می کنم خاطر مبارک آقایان را که شاید این یاد آوری بنده اسباب تقلیل در مذاکرات شود وقتی که این مواد هشت گانه را ملاحظه کنیم خواهیم دید که در دو مسأله او شاید برای بعضی از نمایندگان محترم بعضی نظریات پیدا شود یکی در ماده هشت یکی در ماده دوم وقتی که خوب ملاحظه بکنیم از اول تا آخر قیام آن دو ماده در سایر مواد ابتدا مذاکره نخواهد داشت و امیدواریم که نمایندگان محترم نظریات خودشان را در آن دو ماده که قدری محل ندر است بفرمایند.

آقا محمد پروچردی - بنده خودم را مکلف و موظف میدانم که آن عرایض سابقه خودم را تکرار میکنم و تأکید می نمایم و عرض میکنم که آنچه بی را که خیلی لازم است رای آخری او معین شود این است که این سوار افرادی گرفته شود نه اجباری چون حضرت برای این بفرموده بنده قدر متیقن است چون بنده از آن طوایف ایلات خودمان خوب اطلاع دارم بنده عرض میکنم اگر آن سوار باین ترتیب گرفته شود و افرادی گرفته شود در تحت نفوذ دولت نخواهد ماند و در تحت نفوذ آن خان رئیس خودشان خواهد رفت و بهیچوجه آن عالم مر کزیت را او پیدا نخواهد کرد و دیگر اینکه آن موجب آنها بآنها نخواهد رسید چون غالباً دور از مرکزند مگر وقتی که در مرکز باشد و آنهم بطوری که معمول است در ایران باز مقداریش را سر کرده می خورد و آنوقت سوازی که حقوقش فرسید معلوم است حال او چه خواهد بود دیگر آنکه چنانچه معمول است در بعضی ایلات وقتی که سوار میگردند تمام را رؤسای ایلات از کسان خودشان معین میکنند و این هم نباید باشد هر سی خانوار خودشان یک سوار بدهند بمیل خودشان یکی دیگر که از همه بالاتر است این است که این یک ماده است مدادی می شود از برای آن رؤساء که اگر حرکتی در سابق میخواستند بکنند استعداد نداشتند حالا استعداد پیدا میکنند و علاوه چند حضرات دیگر هم دارد که بفرموده بنده از هر سی خانوار یک سوار بخواهند که آنها با اختیار با بطریق فرقه انتخاب کنند و بفرستند خیلی بهتر است که رئیس طایفه ابتدا مختار نباشد که از سوارهای خودش انتخاب بکند

بهبخت - بعضی از عرایض بنده را آقایان فرمودند این ماده دو که می نویسد (بمیزان گرفتن سوار هر سی خانوار یک نفر سوار است) اینجا دو مطالب است که بطریق اجمال ذکر شده است یکی نوشته است از هر سی خانوار یک سوار - خانوار عبارت است از یک چادر در این چادر ممکن است سی نفر مرد باشد ممکن است یک نفر باشد پس خوبست یک میزبان معین کنند که از هر چند نفر مرد یک سوار بدهند یکی دیگر اینست که طریق گرفتن بفرمایند معین بکنیم که بدخواه رئیس آن ایلات یا بانتخاب

بهبخت - خواهش دارم آقای معزز الملک یک قدری متوجه عرایض بنده باشد بنده از روی دقت آن عرایض را عرض کردم ایلیات ما علیاتش معلوم است امروز خانوار را هم نمیدانیم عده اش چقدر است چنانچه از خود بنده هم ایلات سرستان را سؤال کردند و من نمیدانم و ما احمای خانوار هم نمی دانیم اگر احدای خانوار در دست مان بود اشخاص را هم معین کنیم و این قانون ما یک مدت مدیدی طول میکشد که اجرا شود و در این مدت ممکن است آن قانون احصایات هم معلوم شود خانوار یک کلمه است که ممکن است خیلی توهمات داشته باشد قابل احتمالات است برای اینکه مستند که دو

بباطور فرقه باید معین شود.
معزز الملک - چون مخبر کمیسیون گویا مریض هستند از اینجهت بنده خودم را مکلف میدانم که وظایف مخبری را ادا کنم و چون ایراد آقایان را شنیدم باینجهت جواب آقای بهجت را عرض میکنم یکی آنکه فرمودند در وقت خانوار ممکن است سی نفر مرد در یک چادر که عبارت از یک خانوار است یک نفر مرد باشد اگر قدری توجه بفرمایند می بینید که قبلاً تا کز هر هشتیم از اینکه بمان ترتیب خانواری رفتار نمائیم بجهت اینکه اگر بخواهم ترتیب نفری رفتار بکنیم آنوقت باید اول تمام نفقات ایل را احصا بکنیم پس در اول قسم ما محتاج بیک احصایه خواهیم شد برای اینکه بدیهی است وقتیکه ما بخواهیم بآن اهل و آرزوی نظامی خودمان موفق شویم یعنی خدمت نظامی را اجباری کنیم برای اهالی مملکت البته آنوقت محتاج داشتن عده آن اشخاصی که لایق خدمت نظامی هستند خواهیم بود که عده آنها را معین بکنیم و این محتاج است بجایی از مقدمات و نمی شود بفراد ایلات که لایق خدمت نظامی هم نیستند گفت که از نفقات شما باید سوار گرفت و برای تسهیل کار است که خانوار نوشته شده است همانطور که فرمودند ممکن است عده مردها در خانواده ها مختلف باشد ولی چون ماسی خانوار نوشتیم که یک سوار بدهند این یک اختیاری است که بآنها داده شده است که خود آن سی خانوار یک نفر سوار را بکند بنده از بین خودشان انتخاب نمایند و خود آنها ببینند کدام خانوار جایز بیشتر است تمولش بیشتر است خود آنها انتخاب بکنند و من تصور نمیکنم که این یک اشکالی برای آنها تولید کند.

حاج سید ابراهیم مدرس - بنده موافقت زلی میخواهم عرض کنم که خوب بود یک تعین احصایه باندازه که بر آورد کرده اند در این رایورتن باشد نارفع بعضی اشکالات بشود و فرمایش آقای آقا محمد هم مرفوع شود این عبارت نیرساند که در تحت ریاست ایلیاتی است خانواری است در وجه است **لسان الحکماء** - چیزی که در این ماده ذکر نشده بود که اهمیت تمام داشت آن مسئله سن سوار است که در همه جای عالم مخالفت دارد و نظر به کمیسیون باین بود که مناسله در لایحه وزیر نکند و باینجهت چیزی برای افزودن باینجهت بنده یک چند مواد را که خیلی اهمیت داشت ترشته و تقدیم کرده ام در مسئله سن از ۲۱ تا ۲۶ معین کرده ام.

بهبخت - خواهش دارم آقای معزز الملک یک قدری متوجه عرایض بنده باشد بنده از روی دقت آن عرایض را عرض کردم ایلیات ما علیاتش معلوم است امروز خانوار را هم نمیدانیم عده اش چقدر است چنانچه از خود بنده هم ایلات سرستان را سؤال کردند و من نمیدانم و ما احمای خانوار هم نمی دانیم اگر احدای خانوار در دست مان بود اشخاص را هم معین کنیم و این قانون ما یک مدت مدیدی طول میکشد که اجرا شود و در این مدت ممکن است آن قانون احصایات هم معلوم شود خانوار یک کلمه است که ممکن است خیلی توهمات داشته باشد قابل احتمالات است برای اینکه مستند که دو

برآوردند یا اینکه پس و پند که هر دو زن و بچه دارند ممکن است اینها را دو خانوارا ممکن است که یک خانوار محسوب کرد لکن در اشخاص که هیچ ممکن نیست که تغلف کرد بملاوه میگویم اینکه میفرمایید يك اخصایه صحیحی نداریم عرض میکنم همین ترتیب در خانوارها هم يك اخصایه صحیحه نداشته اند فقط همچون بود آن تخمین را در نفقات میآورند فرقی چندین تنبیه و سایر نظریات ایشان را تصدیق میکنم ولی شرطی که در نظرشان باشد که در شور دوم قید بکنند بطور اختیار از بین خودشان بتوانند انتخاب کنند که یک نفر متفقد چهار نفر را انتخاب بکنند از سه تن که آن خودشان

ارباب کیخسرو - بنده چنان تصور می کنم اینکه قرار گذاشته اند نمایندگان از همه جا جمع شوند اینجا و از ابلات هم جمع شوند برای این است که نظرات خودشان را در این قبیل مسائل بگویند و بنده تقاضا می کنم از آقایانیکه بیشتر در این باب اطلاعات دارند از قبیل آقای سردار اسعد آدینه محمد خان .

حاج محمد کریمخان - آقای مرضی فلی خان اطلاعات خودشان را بفرمایند آنوقت مجلس شورای ملی هم ملاحظاتی خودش را می کند اگر می بایست که برای هر سی خانوار يك سوار بگیرد سی خانوار می کند اگر مثلا از ۶ خانوار بگذرد آنرا تصویب میکنند

بهجت - ما امتحاناً مأمورین خودمان را در گرفتن سرباز امتحان کرده ایم دیده ام چطور رفتار کرده اند و در برادر بابک پدر ملا و تازان چندتا در يك جا در زندگانی می کنند اینها را يك خانوار می گویند یا دور اند در يك چادر زندگانی می کنند يك خانوار را با اینکه میزانش يك چادر نشین است بنده نمی دانم میزان يك خانوار چیست اگر از يك چادر نشین يك خانوار حساب می شوند میزان اینکه این چند نفریکه در اینجا هستند اینها يك خانوارند دو خانوارند هیچ معلوم نمی شود و بنده عرض می کنم که باین ترتیب ممکن است که رئیس ایل آنرا دست آورند بکنند و بآنها تعین بکنند و اسباب زحمت بشود بلی بنده خودم ابتداء عرض کردم ممکن است در يك خانوار سر نفر مرد هم يك مثل عرض کردم ممکن است در يك خانوار هم يك نفر مرد باشد عرض نکردم از هر سی نفر يك سوار بگیرند شما در این میزانیکه تصور فرموده اید پیش خودتان که در خانواری پنج مرد است آنوقت سی خانوار يك سوار تعیین کرده اند معلوم می شود از هر صد و پنجاه نفر مرد يك سوار تعیین کرده اند حالا هم بفرمایید از هر صد و پنجاه نفر مرد يك مرد گرفته شود یا بقرعه یا بانخاب و این را مثل يك ماده قانونی در اینجا قرار بدهید عرض کردم وقتیکه بنای اخصایه را گذاشتیم آنوقت بطور تحقیق معلوم می شود فلان ایل نفوسش چند است و مادام که اخصایه نیست همان تخمینی کمی گویند چند خانوار است فلان ایل و هر خانواری پنج نفر مرد لااقل دارد همان تخمین می توانند بگویند که از هر صد و پنجاه نفر مرد يك سوار بگیرند چون قانون نباید مجمل باشد باید معلوم باشد تا اینکه نتوانند دست آورند خود بکنند در مقام عمل و اسباب زحمت دیگران بشوند و در مقام اجرا هم بدیهی است در مرتبه اولی بطور اكمل این قانون اجرا نخواهد شد و هیچ ضرری هم ندارد که ما يك قانونی را کاملاً بسیم لکن در مقام عمل بتدریج عمل شود.

وزیر جنگ - در موضوع اینکه فرمودند خانوار لازم است عرض میکنم حضرت سردار اسعد هستند حاج محمد کریم خان هستند خانوار را در ایلات آنستستی را می گویند که با هم شریکند

دوسال سه سال یکی پدرش میبرد یکی برادرش هر دو می کنند دفتر دفتر در بعضی از مواقع بآنها مرخصی می دهند میروند خانه شان و بر می گردند در صورتی که این ها را برای سه سال مدت خدمت گرفته اند همین طور سوار ممکن است فلان سوار که از فلان ایل می آید مثلا سوار ایلات و سوار می خواهد برود خانه خودش آنوقت ممکن است در مدت متنتی میدانند در يك معرجه در يك رمضان وقتی که این ها بترتیب افتادند اجازه می دهد يك ماهه دو ماهه سه ماهه یا نوزده روز بمناسبت موقع حرب و بعد مرخصی میدهد میروند و مراجعت می کنند مقصود از اینکه گفته می شود سه سال در زیر اسلحه است یعنی دولت وزارت جنگ او را سه سال مستخدم و سوار می شناسد و تا وقتی که او هست دیگری را نمی شناسند .

حاج محمد کریم خان - آقای وزیر جنگ میفرمایند که بعضی ها منازلشان نزدیک است ممکن است زود بروند و مراجعت کنند اما بعضی منازلشان دور است پنجاه منزل است سی منزل است باید بیایند و بروند این خیلی اسباب زحمت است بهتر این است که همان دو سال قرار بدهند که مردم هم از روی رضایت و شوق بیایند و مشغول خدمت شوند .

معزز الملک - تصور میکنم آقای حاج محمد کریم خان تصور فرمودند که تمام این سوار در طهران خواهد بود آنوقت بفرمایند که پنجاه منزل باید بیایند و بروند اینطور نیست ممکن است آن سوار که در طهران است تعانه گانی که منزل دارد فاصله اش دو منزل بیشتر نباشد علاوه بر اینکه در این جا نمی خواهیم داخل این مسائل علمیه اش بشویم که در گرفتن قشون از مدت زیاد باید شروع شود نه اینکه بکسر از مدت کم شروع شود بعد از آن باید برود و هر جا که شروع کرده اند بگرفتن نظر از مدت زیاد شروع کرده اند این يك (پرسش) خواهد بود .

وزیر جنگ - علاوه بر این اگر صلاح میدانید بکمیسیون نظام برود اگر صلاح دانستند دو سال بنویسند بنده در این باب اصراری ندارم مربوط بکمیسیون نظام است .

معزز الملک - کمیسیون نظام نظر تازه نخواهد داشت .

حاج سید ابراهیم - عرض می کنم این قبل از شور دوم بکمیسیون نظام میروید دیگر از این حیث اشکالی نخواهد داشت ولی فرمایند که آقای وزیر جنگ فرمودند که مدرسه را سه سال قرار بدهند و در ضمن مرخصی بکنیم این اسباب اشکال بنده شد باید اینها تا سه سال در تحت نظام باشند و در زیر لباس و اسلحه باشند و اینکه بعضی اشکال دارند که این ایلات در سه سال در زیر اسلحه نخواهند ماند این طور نیست فقط باید دو سال در تحت اطاعت دولت وزارت جنگ باشند شاید وزارت جنگ آنها را بنقاط نزدیکتری بمنالشان مأموریت بدهد خود ایلات هم حاضر برای خدمت هستند و حالا عرض

نمی کنم که سه سال یادو سال کم زیاد است لکن در اینکه بآنها مرخصی داده شود بآن مخالفم و لهذا در کمیسیون شور ثنائی لازم دارد .

ارباب کیخسرو - بلی بنده در اینجا عرضی ندارم که در دو سال باشد یا سه سال باشد ولی آقای وزیر جنگ اظهاری کردند که خیلی اسباب اشکال شد برای اینکه ما از ترتیبات گذشته می بینیم که صاحب منصبان جزء وقتی بخواهند يك دخل بزرگی از طرف آنها بکنند يك چیزی از آنها می گیرند و يك مرخصی بآنها می دهند و بدینست اشخاصی که نظارت دارند بنده نمی توانم مضمّن باشم که سه سال مدت باشد و در ضمن هر وقتی مرخصی بخواهند اجازه بدهند این تجدید می کند امور گذشته را بنده نمیتوانم عرض کنم که اصلاحات جدید بکفایتی تغییر در اوضاع نبوده ولی اینکه راهم میدانم که این مملکت ما به این اصلاحات بگرفته مملکت صحیح نشده است که ما مضن شویم بگوئیم مملکت مملکت قانونی است پس در این صورت که آقا دو سال آقا سه سال هر چه معین کردند باید در آن مدت زیر سلاح باشند و این مسئله که فرمودند در جزه نیاورند که حتماً اسباب اشکال خواهد شد .

معزز الملک - طوریکه در کمیسیون نظام مذاکره شد همانست که آقای ارباب اظهار کردند تشریحی که برای يك مدتی معین گرفته می شود برای سه سال است و غیر از آنهم نخواهد بود والا باز يك بی ترتیبی تازه در نظام خواهد افتاد لکن این راهم اشتباه نکنند که تمام این اشکالات برای سال اول و دوم خواهد بود همینکه سال اول گذشت بنده گمان میکنم دیگر در دو سال باشد سه سال باشد چندان سخت نباشد و از برای سوار که سر خدمت هست چندان تفاوتی ندارد .

وکیل التجار - بنده تمام این اظهارات آقایان را شنیدم و همچنین بیانات آقای وزیر جنگ را که اینجا فرمودند و همچنین بیانات آقای معبر را ولی فرمودند که این مدتی است که سوار در سر خدمت است فقط برای حضور است با مشق هم خواهد داشت بنده مشق بدهم اما من گمان میکنم که عهده مدت که در دوره اول تعلیمات نظامی خودش را بکنند که اگر در دوره های بعد لازم شد تعصیلات نظامی خودش را کرده باشد و عام بقوانین نظامی باشد و در تحت قانون نظامی سر بردن برای ارباب سوارانی خواهد بود در آنچه زیرا که ممکن است اگر مشق نکنند در آنچه اسباب زحمت بشود سوار نمیتواند بی مشق و نظام باشد البته باید تعصیل بکنند و تعصیل سوار بیشتر از سرباز است اگر وقتاً سوار نظام لازم داشته باشیم باید در دو سه سال تعصیل نظام بکنند .

شیبانی - این تحقیقاتی که آقای وزیر جنگ فرمودند بنده گمان میکنم که همان دوسال باشد و يك سال هم تخفیف داده شود سهلتر نمیشود بطوری که حاج محمد کریمخان اظهار کردند همان دوسال را بر آنها بگیرند .

رئیس - مذاکره در این باب بتدریج کفایت شده است حالا برای میگیریم يك پیشنهادی هم از طرف آقای حاج محمد کریمخان شده است حالا خوانده میشود .

پیشنهادی از طرف حاج محمد کریمخان قرائت شد که خدمت در زیر اسلحه دوسال باشد .

دکتر امیرخان - بنده این پیشنهاد را قابل توجه میدانم چنانکه غیر محترم فرمودند این چندماه لازم است که در تحت اسلحه باشند تا قانون نظامی فی الجمله آشنا بشود و يك مدتی لازم دارد که قوانین سواره نظام را درست یاد بگیرد ، بملاوه ممکن است در این مدت بعضی چیزها به او بیاموزند که نشیده باشد بملاوه تعلیمات نظامی که حس وطن پرستی او را زیاد بکنند و این ها خودش يك مدت زیادی لازم دارد بملاوه ممکن است در ظرف این مدت گاهی مریض شوند که نتوانند مشق بکنند یا آنکه سر خدمتی بروند پس در هر صورت وقتی هم که مدت سه سال باشد مدتی است که دولت از آن ها استفاده بکند چندان زیاد نخواهد بود منتهی یکسال خواهد بود بملاوه بطوریکه آقای معزز الملک فرمودند همیشه در جا نظامی را از برای يك مدت زیادی میگیرند و کم کم از مدت میکاهند نه اینکه مدت را کسر کنند و بعد زیاد نمایند و اگر اینطور کنیم به اشکالات زیادی بر خواهیم خورد .

رئیس - حالا پیشنهادی است شده است باید باورای گرفت حالا این پیشنهاد را میگیریم کسانی که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند (روشد) .

يك پیشنهادی هم از انتظام الحکماء همین مضمون شده است .

انتظام الحکماء - بنده پیشنهاد خودم را پس میگیرم .

رئیس - چون آقایان وزراء جلسه خصوصی تقاضا کرده اند جلسه عمومی را ختم میکنم ولی چون روز سه شنبه روز عزاداری است مجلس تعطیل خواهد بود باین جهت فردا بطور فوق العاده جلسه تشکیل خواهد شد .

دستور جلسه فردا - شور در قانون ثبت استاد انتخاب کمیسیونها بقیه شور در قانون اخذ مواد از ایلات هست حالا ده دقیقه نفس است . بعد جلسه خصوصی خواهد شد . رئیس حرکت کرد مجلس علنی مغرب ختم شد .

جلسه ۲۱۷
صورت مشروح روز یکشنبه
۲۶ صفر ۱۳۲۵

مجلس در ساعت و ربع قبل از غروب بریاست آقای متین السلطنه نایب رئیس تشکیل شد صورت مجلس روز شنبه را آقای معاضد الملک قرائت نمودند . غائبین جلسه قبل، مشیرالدوله باناجازه غائب . مرضی تلخخان بختیاری . سیددار اعظم - سردار اسعد - آقا سعید حسین مدرس بوقت قرعه حاضر نشدند . لواء الدوله مریض بودند .

نایب رئیس - در صورت مجلس اگر ملاحظاتی هست بفرمایید .
(اظهاری نشد نایب رئیس صورت مجلس را امضاء نمود) .

وکیل التجار - بختصر آعرض داشتیم که اجازه میفرمایید عرض کنم .
نایب رئیس - ممکن است موضوع فرمایش خودتان را بفرمایید .

وکیل التجار - اگر موضوع را بگویم که
تماماً را گفته ام.

نایب رئیس - ممکن است کتاب بنویسند که در چه
موضوع میخواهد صحبت بنمایند.

وکیل التجار - در روز یکشنبه و شنبه اجازه
از آقای رئیس خواستم موافق نشد از آن جهت
اجازه ندادند.

نایب رئیس - در هر صورت چون بنده مسبوق
نیستم لطف فرمایید مجدداً.

وکیل التجار - بنده دیگر مدور خواهم بود
و مطالب خود را در روزهای مجاز خواهم نوشت
و مورد اعتراض هم نخواهد بود (گفته شد
راجع بجهت)

وکیل التجار - می خواستم اظهار عقیده نمودم
را بنمایم.

نایب رئیس - جناب آقای آیت الله در تشریح
آزاد خواهد بود ولی ممکن است گفته بطور
خلاصه فرمایند.

وکیل التجار - بنده برای اینکه سوه
تفاهمی نشود مقدماً یک چند کلامی را میخواهم
عرض کنم در روز بنده کتباً در این خصوص که
حالا می خواهم عرض کنم اجازه خواستم ولی چون
آقای وزیر امور خارجه شرحی خواستند اظهار فرمایند
باین ملاحظه آقای رئیس فرمودند بماند برای جلسه
آتی - البته همه آقایان میدانند و گمان نمی کنم
که کسی تصور بکند که کسی میل داشته باشد

از هیئت اکثریت جدا بشود بنده اساساً مسلک را
همیشه عملی میدانم نه اسمی چون مسلک بر دو
قسمت عملی و اسمی است و مسلک عملی بنده را هم
همه مردم میدانند که چه بوده و چه هست برای
اینکه این یک چیز است که راجع به پروردگار و امر
نیست و آرزویم که بنده عنوان مسلک در مجلس
شورای ملی بشود بعضی از آقایان شامند که از
اول اشخاصیکه داخل این مذاکره شد بوم بنده
آنرا آئینت مسلک اعتبار را قبول کردم منی این
یک عبارت و عنوان است که بنده هیچوقت نمیتوانم
از آن صرف نظر کنم و نخواهم کرد و خودم هم
میخواهم و امیدوارم هم هستم که از این مسلک
خارج نشوم و گوی خودم از رسمیت این مسلک
خارج نشوم و باسم تفاهات نکنم یعنی آنچه چیزی
که از منی اعتدال مفهوم می شود بنده باشم و اینکه
اسم بنده در جزء اسمی اعضاء هیئت بنده اول نوشته
شده بود امضاء کرده بودم حالا هم امضاء دارم و خارج
نیستم و رسم هستم و بآن پروگرام کاملاً موافقم ولی
متأسفانه بنده چون نمیتوانم آن انتظامات داخلی را
قبول بکنم بواسطه نظامی که دارم و بواسطه زحمات
مجلس و اشکال آن انتظامات داخلی و علاوه بجهت
کارهایی که در اداره می آید ما در این جهت این
هیئت نخواستند که اسم من داخل آنها باشد بنده هم رضای
نقدم که باسم تنها قناعت بکنم و در روز هم از طرف
آقای آنا میرزا مرتضی قلیخان بنده ابلاغ شد
که اسم بنده خارج است این است که بنده هم مجبور
شدم مختصراً در اینجا عرض میکنم که بنده اساساً

مایلم و امیدوارم که اسم همیشه در تحت عنوان اعتدال
باشد و همچنین امیدوارم که در تحت این عنوان موفق
باشتم این مسلک باشم ولی چون نتوانستم که آن
نظامات داخلی که برای این هیئت مین شده است
در عهده بگیرم و قبول بکنم این است که آن
مسئولیت هیئتی را که در عهده آن هیئت است بنده
آن مسئولیت را ندارم و این را هم تکرار خواستم
عرض کنم که آقایان هم بدانند والا مسلک بنده را
تمام آقایان از قدیم میدانستند و محتاج ب تکرار نبود
برای اینکه مسلک بنده را تمام آقایان از قدیم
میدانستند و محتاج ب تکرار نبود برای آنکه مسلک
بنده همانست که از اول بوده است و امیدوارم که
بمدایز این هم همان باشد.

نایب رئیس - راپورتی از وزارت جنگ
راجع بنایب حسین رسیده است برای استحضار نمایندگان
محترم خوانده میشود. لایحه وزارت جنگ بضمیمه
راپورت قشون شاهرود و سپاه مبارز ذیل خوانده
شده تمام منبع مجلس مقدس شورای ملی شیداده
ارکانه.

تکراری از شرکت الممالک رئیس قشون
شاهرود و سپاه راجع بانامانی که خود در جلو گیری
و دفع اشرار و تعاقب نایب حسین کاشانی و محمد علی
گون آبادی نموده وزارت جنگ رسیده مواد آنرا
برای استحضار مجلس مقدس املاً بقدمداشت و ملاحظه
خواهند فرموده از طرف وزیر جنگ.
تکرار از شاهرود.
مقام منبع وزارت جنگ مدخله.

راهپایان این شد سوار سرباز بقوشه فرستادم
و نوشتم بحکومت دامغان که قهقن کند دست حرکت
کند اسدالله خان سر کرده سوار را مأمور کردم به
تعاقب اشرار بقصد اشرار راه طهران فراری شدند
سوار سربازیکه بطور در برای دفع عده ای کن آبادی
فرستاده بودم چهل نفر از شهرهای آذوقه او را کمال
مردم بود گرفتند شهر فرستادند بکنفران اشرار را
گرفتار نموده حبس کردند محمد علی در محاصره است
منتظر سرباز هستم که با وار و توپ برسد که با اردو بچشم
بروم و بکنی دفع شر نایب حسین و اتباع او را بکنم
هنوز سوار اسد آبادی نه توپ و تفنگ و فشنگ
نرسیده منتظرم (شرکت الممالک).

از باب کیخسرو - بنده هیچ نمی فهمم که این
راپورت بجهت چه اینجا آمده است ما آروز نمیتوانیم
بگوئیم وزارت جنگ بر طبقه خودش عمل کرده است
و تشکر بکنیم که ببینیم عمل نایب حسین را تمام کرده
است والا از این راپورتها خیلی آمده است و ما هم
خیلی خوانده ایم هیچ نمیتوانیم باینها قناعت شویم.

حاج وکیل الیاریا - بنده هم یکی از آن اشخاص
هستم که عرض میکنم اینجا راپورت نوشته شده است
یک جالب است که مردمان آنجا در صورتیکه از افراد
این ممالک هستند از خیلی از نعمت ها محروم هستند
و علاوه دچار یک زحمت های فوق العاده هم شده اند
و گمان میکنم که نایب حسین اگر بچشم رفتن است
در دقه نتواند بیاید و در صورتیکه اقدامات آنها این
باشد که در ضمن این راپورت ب مجلس داده شده
است کسی را که بنده سراغ دارم که در این خصوص
خدمتی کرده است و گمان میکنم که برای تشویق

سایر ماموزین ضروری ندارد که اسم او را بگویم
او بیبری خاست که در تعاقب این اشرار خیلی زحمت
کشیده و خیلی آنها را عقب کرده است و گمان می
کنم که مجلس از وزارت جنگ همیشه خواهان این
مسئله باشد که پیش از وقت همیشه تهیه خود را
ببندد و در تیر چاو یک مقصد بزرگی را بگیرند
خصوصاً جو گیری این شخص شریرا که ابتدا عینک
زحمتی رساند فغان کردند زحمت دومی متوجه شد
دومی را غفلت کردند و جو گیری نکردند تا اینکه
این زحمت سومی متوجه شد و حالا امیدوارم که این
مراتبه وزارت جنگ در این خصوص اقدامی بکنند که
دیگر دچار زحمت نشویم و هر اقدامی را که لازم است
نقضا بکنیم و مردم جناب را هم متلماً حساب کنند.

نایب رئیس - این فقط یک راپورتی بود که
راجع بنایب حسین رسیده است برای استحضار نمایندگان
محترم خوانده میشود. لایحه وزارت جنگ بضمیمه
راپورت قشون شاهرود و سپاه مبارز ذیل خوانده
شده تمام منبع مجلس مقدس شورای ملی شیداده
ارکانه.

تکراری از شرکت الممالک رئیس قشون
شاهرود و سپاه راجع بانامانی که خود در جلو گیری
و دفع اشرار و تعاقب نایب حسین کاشانی و محمد علی
گون آبادی نموده وزارت جنگ رسیده مواد آنرا
برای استحضار مجلس مقدس املاً بقدمداشت و ملاحظه
خواهند فرموده از طرف وزیر جنگ.
تکرار از شاهرود.
مقام منبع وزارت جنگ مدخله.

راهپایان این شد سوار سرباز بقوشه فرستادم
و نوشتم بحکومت دامغان که قهقن کند دست حرکت
کند اسدالله خان سر کرده سوار را مأمور کردم به
تعاقب اشرار بقصد اشرار راه طهران فراری شدند
سوار سربازیکه بطور در برای دفع عده ای کن آبادی
فرستاده بودم چهل نفر از شهرهای آذوقه او را کمال
مردم بود گرفتند شهر فرستادند بکنفران اشرار را
گرفتار نموده حبس کردند محمد علی در محاصره است
منتظر سرباز هستم که با وار و توپ برسد که با اردو بچشم
بروم و بکنی دفع شر نایب حسین و اتباع او را بکنم
هنوز سوار اسد آبادی نه توپ و تفنگ و فشنگ
نرسیده منتظرم (شرکت الممالک).

از باب کیخسرو - بنده هیچ نمی فهمم که این
راپورت بجهت چه اینجا آمده است ما آروز نمیتوانیم
بگوئیم وزارت جنگ بر طبقه خودش عمل کرده است
و تشکر بکنیم که ببینیم عمل نایب حسین را تمام کرده
است والا از این راپورتها خیلی آمده است و ما هم
خیلی خوانده ایم هیچ نمیتوانیم باینها قناعت شویم.

حاج وکیل الیاریا - بنده هم یکی از آن اشخاص
هستم که عرض میکنم اینجا راپورت نوشته شده است
یک جالب است که مردمان آنجا در صورتیکه از افراد
این ممالک هستند از خیلی از نعمت ها محروم هستند
و علاوه دچار یک زحمت های فوق العاده هم شده اند
و گمان میکنم که نایب حسین اگر بچشم رفتن است
در دقه نتواند بیاید و در صورتیکه اقدامات آنها این
باشد که در ضمن این راپورت ب مجلس داده شده
است کسی را که بنده سراغ دارم که در این خصوص
خدمتی کرده است و گمان میکنم که برای تشویق

اعزام سی نفر شاگرد برای تحصیلات متفرقه از نظام
ومعلی علوم و فلاح و مهندسی بارویا قرائت گردید
وزارت معارف نقاضا کرده بودند ۱۶ هزار
پانصد تومان برای مصارف سالانه ۳ نفر شاگرد که
۱۵ نفر برای مملی و هشت نفر برای علوم نظامی و
هفت نفر برای مهندسی و حرف و صنایع و فلاح
باشد و دوهزار تومان برای مخارج بکنفر سزیرت
آنها تصویب شود.

کمیسیون بودجه با کثرت تصویب می نمایند
که مبلغ ۶۵۰ تومان علاوه بر ده هزار تومان که سابقاً
تصویب شده اعتبار وزارت معارف داده شود که
چهلتنان برای اعزام ۳۰ نفر شاگرد ۱۶۵۰ تومان
شده است ولی پروگرام تحصیلات شاگردان را
کمیسیون معارف تعیین کرده راپورت خود را ب مجلس
خواهد داد در خصوص دوهزار تومان برای مخارج
سزیرت کمیسیون با کثرت این نقاضا را رد کرد
و سزیرت را لازم نمیدانند سفارتخانه های دولت علیه
برای سزیرت کافی است.

نایب رئیس - در واقع چیزی که باید ب مجلس
رای بدهد همین سه ماده راپورت کمیسیون معارف
است و بعد هم راپورت بودجه در باب مخارج معصلین
حاج سید ابراهیم - بنده گمان میکنم که
۱۵ نفر برای مملی و هشت نفر کفایت می کند
برای اینکه مملی فرق دارد ب تحصیل علم و آن
نفر دیگر را برای تحصیل علوم سیاسی تعیین بکنند

دکتر علیخان - در شورای معارف خیلی در
این خصوص مذاکره شد و در خصوص این شاگردان
عقیده غالب بلکه تمام اعضای شورای معارف بر
این بود که تمام این ۱۵ نفر برای فن مملی روند
برای اینکه امروز چیزی که برای ما لازم است همان
داشتن مدارس ابتدائی و متوسطه است و امروز چیزی
که از نواص اساسی این مدارس شمرده میشود داشتن
معلمین است برای اینکه همین پروگرامها تکیه حالا
نوشته اند برای آنها هم معلمین سازماندار که چه عقیده
بعضی از آنها این بود که تمام این ۳۰ نفر برای
تعلیم فن مملی بروند ولی غالب اعضاء عقیده شان
همین بود که عیناً این ۱۵ نفر کافی است در سال
بعد هر سالی ۲۰ نفر مسلمین اعزام خواهد شد هر
سالی یک عده از آنها را برای فن مملی بفرستند و
اینکه میفرمایند برای سیاست یک عده از آنها را
معین بکنند آنها هیچوجه من ارجوه لازم نمیدانند
بجهت اینکه بعضی از شاگردان ایرانی در اروپا
هستند که خودشان مشغول این تحصیلات شده اند و
بلازه حقوق و قانون هم خودشان بیک چیز است که مردم
خودشان بصرافت افتادند و حاصلین برای تحصیل
این علوم فرستادند.

نایب رئیس - حالا در کلیات این راپورت
مذاکره میشود آقایانی که در کلیات آن فرمایش
دارند بفرمایند.

افتخار الواعظین - و تکیه یک لایحه
در مجلس مطرح مذاکره میشود و از مقام ریاست
احتظار میشود که باید در کتب آن مذاکره لازم بشود
اگر منای آن این دو کلمه باشد که آیا ما هم چه

قانونی امروزه لازم داریم یا لزوم نداریم که بنده
عرض می کنم البته وضع این قانون امروزه برای این
مملکت لازم است و گمان نمیکنم که تمام نمایندگان
که در اینجا هستند تصویب بفرمایند که این ۳۰ نفر
شاگرد باید فرستاده بشود از برای تحصیل بارویا
و علاوه بنده عرض میکنم که از جمله اولیایی که
بمنزله حیات مملکت و روح زندگانی مملکت خواهد
بود راپورتیست که امروزه از طرف کمیسیون معارف
و اوقاف ب مجلس پیشنهاد شده است بجهت این که
ما میدانیم که امروزه ما از هر چیزی بوجود جوانها
عالم تجربه آموخته محتاج تربیم برای این که
هر چیز را بیاد بگیریم و بیاد بیاوریم و تا آنکه بآن
چیز دست که باین زودیها نمیتوانیم آنرا بدست
بیاد بیاوریم بلکه باید بفرستیم بارویا تا آنکه بآن
وسیله بتوانیم آنرا بدست بیاد بیاوریم ولی در ذیل کلیات
این راپورت بنده دو کلمه عرض دارم اول اینکه
برای تحصیلات علم نظام هشت نفر معین شده است بنده
عقیده ام این است که هر چه قدر بر این عده افزوده
شود بهتر خواهد بود یعنی اگر ممکن باشد از این
۳۰ نفر شاگردانی که اعزام می شود ۱۲ نفر ۱۵
نفر لاقول ۱۰ نفر را معین و منحصر بکنیم برای
تحصیلات علوم نظام از برای ما بهتر خواهد بود بجهت
اینکه امروزه در نظام می بینیم خیلی کم جوانهای
عالم بلوغ نظامی داریم و چیزی که از همه خیلی بآن
محتاج تربیم همان داشتن جوانهای عالم نظامی است
برای تعلیمات نظامی تا اینکه بتوانند در این مملکت
نظام صحیح از برای ما ترتیب بدهند پس بنده ۸ نفر
را برای تحصیلات نظام کم میدانم و عرض می کنم
اگر ممکن است بر عده آن افزوده شود و بعد هم
موافقم در این که از برای این شاگردان فرستادن
یک سرپرست مخصوص لازم خواهد بود و امروز هم
در نظر من است که آقای سلیمان میرزا فرمودند که اینها
که میروند دره ارس رسمی تحصیل می کنند و در
مدارس دولتی مخصوصاً وقتیکه در تحت نظارت و
مراتب سفارتها زمانیکه در دولت باشند هیچوجه
محتاج برسرپرست خارجی نخواهند بود.

وکیل التجار - بنده استدعا می کنم که
برای این اسباب زحمت نشوند آقایان عرایض بنده
را درست التفات بفرمایند که سوء تفاهمی نشود در
جلسات قبل راجع بشاگرد های فرستاده با اغتیا چند
دفعه در اینجا ایراد شده که بلکه در میان قراء آنقدرها
شاگرد های قابل پیدا بشود برای این که این
اشتباه نشود بنده عرض میکنم که کلیه این مبلغی
که تصویب می شود که داده شود برای اشخاص است
که خودشان فوه تحصیل یعنی دادن پول و رفتن
بغایره و تحصیل مخارج آنرا ندارند و این پول از طرف
ملت و مملکت داده میشود از برای اینکه آن اشخاص
بروند و تحصیلات خودشان را بکنند و برگردند و
اشخاصیکه خودشان دارائی دارند و میخواهند
اولادشان تربیت بشوند آنها خودشان باید تحصیل
مخارج اولاد خودشان را بنمایند این است که بنده
باز تکرار میکنم که اشتباه نشود که اساساً این
پول که تصویب می شود برای اشخاص است که فوه
ندارند و آنها ای که فوه دارند باید خودشان تحمل

نمایند. ثانیاً این مسئله را اگر چه میدانم وزارت علوم
و کمیسیون معارف هم وقت آن شده اند و لازمت
حکمه یاد آوری بکنم که این شاگرد ها را تقسیم
کرده اند بصنایع مختلفه و علوم متنوعه باید این
این بکنند را ملتفت بود که این در مورد عملیات و
در مورد علم بخصوص اجباری نیست کسانیکه درک
علمی تحصیل میکنند باید اشخاصی باشند که میل
بآنهم داشته باشند این است که بنده نمی دانم که حالا
مایک چنین عده را داریم که مایل بدین علوم
مختلف باشند یا نداریم و آقایان البته می دانند که
در صورتیکه ما در نظر راپورت برای تحصیل نظام معین بکنیم
و بفرستیم در صورتیکه خودشان میل بآن نداشته باشند
این هیچ فایده برای ما نخواهد داشت و اینرا هم
من باب مدل عرض کردم و الا سایرین هم همین حکم
را دادند پس باید ملتفت این نکته هم بود و بیک ترتیبی
داد که اشخاصی که برای تحصیل یک علم از این و
چیزهایی که در این راپورت معین شده است مخصوص
و معین می شوند کسانی باشند که یک شوق و ذوق
مخصوصی بآن علم داشته باشند و بتوانند تحصیلات
خودشان یک نتیجه بگیرند و مملکت هم بتواند از
وجود آنها استفاده بکند و یکی هم برای اینکه
عقیده شخصی خود بنده معلوم شود در آخر عرض
خودم عرض میکنم که عقیده شخصی بنده در این خصوص
این است که باید بعضی را بایران خواست و شاگرد
بارویا نباید فرستاد.

دکتر علیخان - البته در خصوص اطفال
قراء اظهار فرمودند که شاگردان قراء باید
فرستاده شود در یک صورت صحیح بوده که این
شاگردهاییکه فرستاده میشوند بفرستادن آن تحصیلات
خودشان را تمام کردند و برگشتند مختار باشند که
هر جا میخواهند بروند و خدمت هر کس را می خواهند
قبول بکنند ولی فرستادن این شاگردها برای این است
که بعد از آنی که رفتند و تحصیلات خودشان را
تکمیل کردند برودند و بخدمت هر کس را می خواهند
دوات باشند و دولت از مامورات آنها استفاده بکنند
در این صورت بنده گمان می کنم که نباید این
شرط را کرد که باید از اطفال قراء باشند بلکه
اگر از اولاد اغتیا هم مطابق آن شرایطی که
در نظامنامه شورای معارف معین بشود معصلین
با استعداد پیدا شد دولت باید آنها را بفرستد و هیچ
این ملاحظه را نباید بکنند که اینها از اغتیا هستند و
اینکه فرمودند که باید میل و استعداد هر کدام از
اینها را بآن علمی که معین میشوند برای آن تحصیل
ملاحظه کرد این یک چیزی است که امروزه ممکن
نیست برای اینکه این شاگردان که فرستاده
میشوند اول باید بروند در دبستان یعنی در مدارس
مقدمه ای و مدارس متوسطه و در آنجا تحصیلات
مقدمه ای خودشان را تحصیل بکنند آنوقت از آنجا
بروند بآن مدارسی که برای این علوم معین کرده ایم
و وقتی که اینها در مدارس ابتدائی و متوسطه
تحصیلات خودشان را تمام کردند البته خواهند دید که
کدام یک از اینها استعدادش برای یک علمی
بیشتر است و مایل بآن هست و البته هر کدام که
بیک تحصیلی مایلند از برای آنکار معین خواهند کرد

نایب رئیس - آقایان توجه خواهند فرمود که سابقاً این لایحه‌ای که از وزارت علوم رسیده بود چون منتهی به یک خرج بود وقت بکمیسیون بودجه و بعد از اینکه از آنجا برگشت در مجلس رای در آن گرفته نشد برای اینکه گفتند شرایط آن مبهم است و بایستی بکمیسیون معارف برود که شرایط آنرا تعیین نماید این بود که بکمیسیون معارف رجوع شد و کمیسیون این مطلب را در تحت موادی در آورده است و حالاً اگر بخواهیم بترتیب نظامنامه داخلی در آشور و مذاکره بکنیم باید که اول در کلیات آن مذاکره کنیم و بعد از آن داخل مواد آن بشویم دو مورد در آن بشود ولی از یک طرف وزارت علوم فرودت این لایحه را تقاضا کرده است حالاً اگر مخالفی در این تقاضا باشد رای می‌گیریم که اگر چنانچه مجلس فرودت آنرا تصویب کرد بعد از آنی که مذاکرات در کلیات تمام شد و داخل در مورد مواد شدیم یک شور آن را از مجلس بگذرانیم

مشور حضور - بنده اساساً موافق بارابوردت کمیسیون ولی تعجب می‌کنم که چرا این عده را فقط از مرکز می‌خواهند بفرستند و حال آنکه از سایر ولایات هم ممکن است که شاگردان با استعداد فرستاده شود و عقیده بنده اینست که ده نفره و نفر از آنها از ولایات فرستاده شود مثلاً در تبریز شاگردان با استعداد خیلی است و ممکن است یک عده هم از آنها فرستاده شود بکمیسیون هم در باب سرپرست می‌خواستم عرض کنم که تعجب می‌کنم از اینکه کمیسیون بودجه آنرا رد کرده است حال آنکه اگر ما بخواهیم از وجود اینها که می‌خواهیم بفرستیم استفاده بکنیم باید یک نفر سرپرست باینها بفرستیم که مرافق باشد که اینها تحصیل خودشان را بخوبی تکمیل کرده موافقت بکنند و تقاضا بکنیم که زودتر داخل شود مواد بشویم که این لایحه امروز بگذرد

نایب رئیس - این هم یکی از موادی است که در راپورت کمیسیون معارف نوشته شده است و حالاً اگر مذاکره در کلیات را کافی می‌دانند ممکن است که رای بگیریم و داخل شود و در این مورد

دکتر علیخان - در خصوص سرپرست همانطور که فرمودند کمیسیون معارف تصویب کرده است و اسرار هم دارد که فرستاده شود فقط کمیسیون بودجه آنرا رد کرده است و در خصوص اینکه فرمودند که چرا منحصراً در مرکز اولاً اینها نباید تصور کرد که همه این شاگردانی که در اینجا تحصیل میکنند طهران هستند خیلی‌ها شان هستند که از ولایات آمده اند که یک شرایط دیگری هم برای اینکار است که تعیین شده است وزارت علوم شاید در نظر دارد که از تمام مدارس جزئی که در اینجا هستند از قبیل آلبانسی - سیاسی - سن لوی - آلمانی و سایر مدارس جزئی که در طهران است و شاگردانی را که در اینجا تحصیل کرده و تصدیق گرفته اند که امتحان دیگری که آنرا کنکور میگویند بنمایند و بعد از آنجا که صحیح و خوب بیرون آمدند آنها را همین بکنند و اینها را نمی‌شود فرار گذاشت که از ولایات همین

شود برای اینکه خیلی اشکال خواهد داشت .
فهم الملک - چون اصل لایحه که از وزارت معارف پیشنهاد شده بود بارابوردت کمیسیون بودجه بجلس آمده بود بنده پیشنهاد کرده بودم که بروم بکمیسیون معارف و دلایل را لازم است عرض کنم که آن مذاکره ای که آنروز شد بجهت تکرار نشود در راپورتی که از کمیسیون بودجه بجلس آمد ذکر کرده بودند ۱۵ یا ۲۰ نفر از اولاد فقراء باید که شرایط خیلی مهمی فرستاده شود در صورتیکه در لایحه وزارت علوم نوشته بود که ۲۰ نفر برای مهندسی و حرف و صنایع این بود که وقتیکه مطرح شود از اطراف در آن خصوص پیشنهاد باشد بعضی پیشنهاد کردند که ۱۰ نفر برای تحصیل نظام مین شود و طوری شد که بکلی نزدیک بود مقصود وزارت علوم از این پیشنهاد ها از میان برود باینجهت بنده پیشنهاد کردم که این راپورت برگردد بکمیسیون معارف که در آنجا ببینند که برای چه کار و تحصیل کدام یک از علوم لازم است شاگرد فرستاداً کار طرز دیگری نظرشان برسد یک پیشنهاد دیگری بکنند که مانع مقصود وزارت علوم از این لایحه نشود اینست که در کمیسیون معارف اینطور تصویب کرده که این عده برای این تحصیلات فرستاده شود حالاً اگر ما بخواهیم بازرهان مذاکرات آنروز را تکرار بکنیم پیشنهاد بکنیم که چند نفر هم برای معارف فرستاده شود . اینک برای این عده کم است هیچ نتیجه نخواهد داشت و بجهت وقت مجلس را تلف بخواهیم کرد برای اینکه اینها چیزهایی است که ابتدا ربطی به موضوع این لایحه ندارد و اگر بخواهیم که برای تحصیلات دیگری شاگرد بفرستیم آنرا ممکن است یک پیشنهاد علیحدت بکنیم دیگر اینست که این راپورت که بشکل مواد پیشنهاد شده است در واقع شور در کلیات آن بعمل آمده است باینجهت بنده تقاضا می‌کنم که داخل در مواد شده باقی مذاکرات را در مواد بکنیم بنده یکی از اشخاصی هستم که فرودت این مسئله را تقاضا میکنم که زودتر بگذرد

کاشف - نظر باینکه گفته شد که مرکز چه ترجیحی دارد بر سایر جاها بنده لازم می‌دانم چند کلمه عرض کنم که ماهیسه ترجیح می‌دهیم مرکز را بر سایر ولایات در صورتی که ممکن است اشخاص تحصیل کرده و با استعداد در خیلی از ولایات باشند و ما خیلی از وجود آنها بهتر بنویسیم انتفاع ببریم آقای مغرب فرمودند که این مسئله بکلی ترتیب انتخابی خواهد داشت و اگر در خارج از مرکز باشد اسباب زحمت خواهد شد بنده عرض میکنم که این هیچ منافاتی ندارد بجهت این که وقتیکه قرار شد از سایر ولایات هم فرستاده شود هر وقت در مرکز شروع بانتخاب شد در آنجا هم انتخاب خودشان را میکنند و امتحان و تصدیق که باید بشوند می‌شوند آنوقت فرستاده میشوند از این گذشته بخواستم عرض کنم که خیلی از اشخاص هستند که تحصیل کرده هستند و برای اینکار حاضرند و نمی‌دانم چه شده که وزارت معارف در این خصوص توجهی ننکرده است در صورتی

که مکرر بنده عرض کردم که آن اشخاصی که در آنجا تحصیل کرده و حاضر در واقع داوطلب هستند آنها را چرا نباید قبول بکنیم و دومت به یک عده را از اینجا بفرستیم که بیبیم می‌توانند از همدان این کار برآیند باینکه در این مسئله هم از هر چه می‌توانیم بکنیم بکنیم و ترتیب مدارس آنها هم از هر چه می‌توانیم بکنیم بکنیم و ترتیب مدارس آنها هم از هر چه می‌توانیم بکنیم بکنیم

که مکرر بنده عرض کردم که آن اشخاصی که در آنجا تحصیل کرده و حاضر در واقع داوطلب هستند آنها را چرا نباید قبول بکنیم و دومت به یک عده را از اینجا بفرستیم که بیبیم می‌توانند از همدان این کار برآیند باینکه در این مسئله هم از هر چه می‌توانیم بکنیم بکنیم و ترتیب مدارس آنها هم از هر چه می‌توانیم بکنیم بکنیم

معاون وزارت علوم - در این مسئله اعزام معالین عاجالتاً نکته که واجب است همین است که این مسئله را مجلس قبول می‌کند باینکه که قبول نمیکند که این عده شاگردان می‌روند این مسائل جزئی هم مذاکره می‌شود به نظر بنده خارج از موضوع لایحه است که این عده از مرکز می‌روند یا از خارج می‌روند زیرا که این جا همین قدر نوشته شده است که ۳۰ نفر شاگرد باین تفصیل اعزام بشود بعد از آنی که این تصویب شد . ترتیب فرستادن تعیین آنها یک چیزی است که بعد نوشته میشود و فرستاده می‌شود و البته با ملاحظه تمام نکات و وقت تمام در خصوص انتخاب اینها تهیه لوازمات دیگر این مسئله اقدام خواهد شد البته اشخاصی که در سایر ولایات هستند و قابلیت استعداد اینکار را دارند آنها را هم ممکن است داخل این موضوع بکنیم ولی عاجالتاً چیزی که مقصود است اینست که این پیشنهاد قبول بشود یا اینکه رد بشود و بعد از آنی که تصویب شد سایر جزئیات آن البته در وقتش رعایت خواهد شد

محمد هاشم میرزا - بنده می‌خواستم عرض بکنم که در کلیات این مسئله آنروز مذاکره با اندازه کفایت شد و بعد که وقت بکمیسیون و حالاً دومت به آمده است فرقی با چیزی که مرتبه اول پیشنهاد شد پیدا نکرده است فقط تغییری که در آن داده اند اینست که ۲۰ نفر راه ۳ نفر کرده اند این است که بنده تصور میکنم که تمام این مذاکرات که میشود مکرر است و خوب است رای بگیریم که زودتر این مسئله بگذرد

دکتر حاج رضا خان - دومت به است که این لایحه بجلس آمده است و خیلی مختصر بود بعضی پیشنهادها شد برای اینکه توسعه پیدا بکنند و اینده هم که مجلس آمده است گذشته از این که ناقص است یک عیب بسیار بزرگ پیدا کرده است و آن اینست که آن پیشنهادی را که وزارت علوم کرده بود می‌توانست آن شاگرد ها را یک نقطه بفرستند که در یک (لیسه) برون تحصیل بکنند و برگردند ولی حالاً که اینها اضافه شده است که مثلاً بکنند برای نظام و بکنند را برای مهندسی و بنظر من برای تحصیل فن ابرشم اینها که نمی‌توانند در یک نقطه برون تحصیل بکنند و باید نقاط مختلف برون و اینهم چیزی نیست که بشورت و نظر وزراء و اکتدار بشود این چیز است که باید بدانیم برای اینکه برای نظام مسام است که شاگردان باید با تمام برون ولی برای سایر تحصیلات سایر نقاط باید برون و در اینصورت بکنند سرپرست برای آنها کافی نخواهد بود در این خصوص خوب است آقای معاون توضیح بدهند که بدانیم چه ترتیبی را در نظر گرفته اند

این مسئله هم جزء فروع است و باید بعد مذاکره شود ولی چون مذاکره شده لازم است عرض بکنم که تصور وزارت معارف این است که تمام اینها را بیکجا بفرستند و تصور میکنند که همه را بفرارانه بفرستند بجهت اینکه در آنجا تمام تحصیلات ممکن است و ترتیب مدارس آنها هم از هر جهت برای ابر اینها و اشخاصی که از خارج میروند خیلی خوب است و همه نوع تحصیلات را هم در آنجا خوب میشود کرد و علاوه بر آنکه در آنجا هم که میروند زبان فرانسه را لابد میدانند و دیگر در آنجا معطل یاد گرفتن یک زبان دیگری نمی‌شوند و خود را میتوانند مشغول یک تحصیل دیگری بنمایند و تا یک اندازه کلیت خودشان را زودتر از آب بیرون بیاورند در صورتی که اگر بجایهای مختلف بخواهیم بفرستیم بخیلی اشکالات بر میخوریم و باید مدتی زحمت بکنند معطل تحصیل زبان آنها بشوند در خصوص سرپرست هم یک نفر کافی است که برود در مرکز و رسیدگی بکند و تحصیل اینها بکنند و دیگر محتاج باین نخواهیم بود که برای هر سه نفر یک نفر سرپرست بفرستیم

دکتر علی خان - چون اینجا یک اشتباهی شده است لازم است عرض کنم که در ابتدائی که وزارت علوم این لایحه را داد و در آن یک جمله بود که همین مطلب را می‌رساند ولی چون خود وزیر علوم تشریف آوردند و اظهار کردند که در آن خصوص هنوز مصمم نیستند و معقول نشده است که تمام را بفرارانه بفرستند در دلیلتن هم این بود که بعضی شاگرد ها در مدرسه امریکائی و جاهای دیگر هستند که زبان امریکائی تحصیل کرده اند و تحصیلاتشان هم خیلی خوب است و دولت هم نمیتواند بگوید که حکماً آنها را که زبان فرانسه را تحصیل کرده اند برون باینجهت فرار شد که تمام این نظر بنده که در اینجا میشود بگذارند از برای اینکه بعد از آنکه رای در اصول این مسئله گرفته شد آنوقت یک نظامنامه صحیحی در شورای معارف تهیه میشود و تمام این نظریات در آنجا ملاحظه شود و تمام این نظریات آقایان را رعایت خواهند نمود

حاج آقا - من تصور میکنم که همیشه در این اوابی که از طرف وزراء پیشنهاد میشود مادر کارهایی که مخصوص آن وزارتخانه است و راجع بجلس نیست دخالت میکنیم و یک مدتی وقت خودمان را بجهت صرف میکنیم و وزارتخانه تکلیفی دارد اینست که بیبیم چه لازم دارد و چه لازم ندارد و آنرا پیشنهاد مجلس کند و اگر معارفی لازم داشته باشد از مجلس تقاضا بکنند که تصویب شود و چیزی که راجع است که باید تصویب بکنند همان تصویب مخارج و مصارف او است و سایر چیزهای دیگر راجع به این نیست و البته اگر بخواهیم نظر خود را عرض کنیم شاید ۳۰ نفر شاگرد را کم میدانم و بیشتر اینها را لازم میدانم که فرستاده شود ولی وزارت علوم امروزه نظرش اینست که این عده برون و تحصیل بکنند و برگردند و یک مخارجی را از ما میطلبند و ما هم باید آن مخارجی را که از ما خواسته است تصویب بکنیم البته برای سایر رشته ها هم شاگرد بفرستیم ولی این ربطی باین موضوع ندارد و امروز ما داخل این جزئیات نباید بشویم که از سر کن باشد یا از ولایات برای نظام باشد بغیر آن از فقراء باشد یا افتخار آنچه را بکنی از وظیفه ما خارج است یک مبلغ بویار را وزارت معارف تقاضا کرده است که ببار اعتبار داده بشود و بودجه هم تصویب کرده است و وظیفه

ما اینست که ما اینرا تصویب بکنیم یارد نکنیم و زیاد از این بنده تصور نمی‌کنم که حق داشته باشیم .
آقای سید حسن مدرس قمشه - عرض میکنم که اولاً این عرض را که می‌خواهم بکنم شیهه نشود که از حیث حکم شرع آن باشد اگر ده هزار نفر شاگرد هم از ایران باروا برود هیچ مانعی ندارد بلکه این عرض بنده از حیث امر سیاسی است و آن اینست که اولاً مملکت خودمان را تجربه کرده ایم و در این مدت عمری که داشته ایم خیلی شاگرد ها فرستادیم باروا و خیلی از پولهای این مملکت را در آنجا خرج کرده اند لکن نقص مملکت ما کم نشده است باید جوی کرد که امروز که محتاج به علوم اروپا هستیم علمای مملکت خودمان بیادوریم تجربیاتی که حکمای قدیم کرده اند اینست که هر مطلبی که محتاج بتحصیلات است عشرت نتیجه می‌بخشد چنانچه از اخبار اهل بیت هم همین مطلب در میآید یعنی در یک از شاگرد های که برای یک تحصیلی میروند عالم بر میگردند و آنچه تجربیاتی را هم که آنها کرده اند از روی حکمت و فلسفه است و از این جهت اینجا گفته اند عشره راعده کامل گرفته اند پس این فایده برای این مملکت نخواهد داشت خصوص باینجهت است که خودمان کرده ایم دیده ایم لغای بنده هم موافق است برای آقای حاج سید ابراهیم که اولاً باید معلم از خارج بیاوریم و لو اینکه سالی یک نفر بفرستیم او باشد البته اگر ممکن نشود که معلم بیاوریم باید شاگرد برای معلمی فرستاد و الا مدتی شا بفرستند بفرستند برای تحصیلات نظام از اینها چند نفرشان میبرند چند نفرشان منع برای ایشان پیدا میشود و بالاخره آبا یک نتیجه از آنها حاصل شود یا نشود و فایده از آنها ببریم یا ببریم پس در اینصورت آنچه پول از مملکت بیرون برود و مملکت را خراب کرده پس است حالاً ما معلم از خارج بیاوریم یا بیاوریم شما تمام در مملکت خودتان خرج بشود و منحصراً هم نباشد معلم ابتدائی یا غیر ابتدائی و گمان اینست که به تقاضای صلاح امروزه اینطور بهتر باشد اگر چه اینها بیکه این را پیشنهاد کرده اند نمی‌دانم چه کسانی هستند و نمیتوانم نقطه بکنم وزارتخانه ما مان را البته اشخاص صحیح هستند ولی این را هم تجربه کرده ایم که این وزارتخانه هر چه را تصویب کرد در وزارتخانه بعد از آنرا تکذیب کرد و مجلس دارالشورا که نمیداند بگوید که این ۳۰ نفر را برون برای تحصیل مجلس دارالشورا هم تصدیق میکند بعد میگویند که اینها رفته اند برای عیش کردن اگر معلم بیاوریم و اولیاء امروز هم مطالب باشند سالی ده هزار ۲۰ هزار که سالی یک نفر در هر خرج آن معلمین بشود نافع و بهتر است از برای مملکت از اینک شاگرد بخواهد بفرستند

کاشف - بطوریکه آقای مدرس اشاره فرمودند مقصود وزارت معارف هم این بوده است که یک جمعی برون تحصیل علوم مسلمی را بکنند و برگردند که از وجود آنها بتوان استفاده کرد باینکه وقتیکه این پیشنهاد بجلس آمد در مجلس بعضی پیشنهادها شد راجع بترتیب نظام و غیره این بود که رجوع شد بکمیسیون معارف در صورتیکه آن رجوع بشود حالاً اگر بنای اظهار نظریات باشد بنده عقیده ام اینست که این عده را که معین کرده اند خیلی کم است و خیلی بیشتر از این برای ادارات لازم

است فرستاده بشود ولیکن نظر وزارت معارف نظر کابینه وزراء بوده است که فکر کلی برای ادارات کرده باشند فرض آوزارخانه این بوده است که برای مدارس ابتدائی و سایر مدارس که باید تأسیس بشود یک تدارکی دیده باشند و یک عده معلمین تهیه کرده باشند نظر وزارت معارف این بوده است حالاً این مغلوب شده است و هر کسی از یک دری سخن میگوید بنده عقیده ام اینست که در آن پیشنهاد اولی وزیر اگر مذاکره میکنیم خیلی زودتر از این نتیجه می‌گیریم و بعد هم ممکن نبود که هر وزیر - ری راجع به وزارتخانه خودش یک پیشنهادی بکنند حالاً ما اینها را با هم دیگر مغلوب کرده ایم بطوریکه تولید اشکال کرده است مثلاً راجع به معصیان نظام ما رجوع کرده ایم بکمیسیون معارف و بارابوردت داده است در صورتیکه باید بکمیسیون نظام رجوع کرده باشیم که این عده لازم است بالازم باید یک نظری را که آقا اینجا فرمودند بنده تردید میکنم برای اینکه این مطلب اشکال دارد و امکان ندارد چون معلمی که از آنجا می آید اسان ما را درست بلد نیست معلمینی که اینجا می آید باید زبان ما را بدانند تا اینکه بتوانند معلمین ما را تعلیم نمایند و اگر فقط زبان آنها باشد درست نمی‌توانیم از آنها استفاده کنیم

دکتر علیخان - این مطالب خارج از موضوع است اینها تمام جزئیاتی است که راجع بجلس نیست و تمام مربوط وزارتخانه و وظیفه وزیر است و وظیفه مجلس فقط اینست که وقتیکه وزیر یک تقاضائی میکند مجلس آنرا قبول بکند یا رد کند و اینکه میفرمایند راجع بکمیسیون نظام بشود آنچه راجع باین معصیان است راجع بمعارف است و در آن باب کمیسیون معارف و در باب مخارجش هم کمیسیون بودجه وظیفه خودش را بجا آورده است و حالاً وظیفه مجلس همین است که در رد و قبول آن رای بدهد و تمام این حرفها بیکه اظهار میکنند تکلیف وزارتخانه و وزیر است و لذا ربطی بجلس ندارد

است فرستاده بشود ولیکن نظر وزارت معارف نظر کابینه وزراء بوده است که فکر کلی برای ادارات کرده باشند فرض آوزارخانه این بوده است که برای مدارس ابتدائی و سایر مدارس که باید تأسیس بشود یک تدارکی دیده باشند و یک عده معلمین تهیه کرده باشند نظر وزارت معارف این بوده است حالاً این مغلوب شده است و هر کسی از یک دری سخن میگوید بنده عقیده ام اینست که در آن پیشنهاد اولی وزیر اگر مذاکره میکنیم خیلی زودتر از این نتیجه می‌گیریم و بعد هم ممکن نبود که هر وزیر - ری راجع به معصیان نظام ما رجوع کرده ایم بکمیسیون معارف و بارابوردت داده است در صورتیکه باید بکمیسیون نظام رجوع کرده باشیم که این عده لازم است بالازم باید یک نظری را که آقا اینجا فرمودند بنده تردید میکنم برای اینکه این مطلب اشکال دارد و امکان ندارد چون معلمی که از آنجا می آید اسان ما را درست بلد نیست معلمینی که اینجا می آید باید زبان ما را بدانند تا اینکه بتوانند معلمین ما را تعلیم نمایند و اگر فقط زبان آنها باشد درست نمی‌توانیم از آنها استفاده کنیم

دکتر علیخان - این مطالب خارج از موضوع است اینها تمام جزئیاتی است که راجع بجلس نیست و تمام مربوط وزارتخانه و وظیفه وزیر است و وظیفه مجلس فقط اینست که وقتیکه وزیر یک تقاضائی میکند مجلس آنرا قبول بکند یا رد کند و اینکه میفرمایند راجع بکمیسیون نظام بشود آنچه راجع باین معصیان است راجع بمعارف است و در آن باب کمیسیون معارف و در باب مخارجش هم کمیسیون بودجه وظیفه خودش را بجا آورده است و حالاً وظیفه مجلس همین است که در رد و قبول آن رای بدهد و تمام این حرفها بیکه اظهار میکنند تکلیف وزارتخانه و وزیر است و لذا ربطی بجلس ندارد

آقای سید حسن مدرس - فرمایشی را که فرمودند از جهت زبان بنده اینرا نمی‌دانم اینها را که میفرمایند آبا زبان آنها را میدانند یا نمیدانند اگر میدانند که چه فرق میکنند که اینها آنجا برون یا اینکه معلمین را بیاورند اینجا

دکتر علیخان - اینکه میفرمایند اینها زبان آنها را میدانند این اشتباه است اینها باید برون چهار پنج سال در آنجا باشند تا اینکه زبان آنها را بتوانند بفهمند علاوه بر این زبان علمی غیر از زبان حرف زدن است باید شاگرد با اندازه حرف بزند که معلم که حرف میزند زبان تعلیمی او را بتواند بفهمد و برای تحصیل همان اندازه هم ما اینجا معلم نداریم که شاگرد را با آنچه می‌رساند که برای داخل شدن بمدارس عالی زبان علمی معلم را بفهمد پس ما مجبوریم تا یک مدتی معطل بمانیم که سایر دل مجبور بودند همانطور که معصیان و زبان مجبور بودند که شاگرد بفرستیم تا اینکه برای مدارس عالی خودمان بتوانیم معلم بیاوریم

دکتر اسمعیل خان - بنده استدعا میکنم که خودمان قدری بر وظائف خودمان رفتار بکنیم و چیزهایی که راجع به وزارتخانه ما است بگذاریم خودشان رفتار بکنند و اگر غیر از این باشد ممکن نیست کاری از پیش برود مثل اینکه این لایحه تا بحال در مجلس معطل مانده است و بنده تعجب میکنم از کمیسیون فواید عامه و علوم که چطور شده است که اینصورت را بیرون داده است وزارت علوم پیشنهاد میکند که من آنقدر اعتبار میخواهم از برای اعزام دانشمندان به اروپا و مجلس شورای اذکار لازم میدانم تصویب میکند دیگر داخل درجریات شدن از وظیفه مجلس خارج است او وظیفه وزیرخانه است و همانطور که مجرب اظهار کردند لابد این کار را امتحان میکنند و ملاحظه این را میکنند که کدام یک از آنها تروتنی کمتر است که او را بفرستند و بر سایرین مقدم بدارند اینها تمام چیزها نیست که راجع به وزارت علوم است پس باین جهت بنده عرض میکنم که اسامی ماده اول راجع به مجلس نیست و فقط در ماده دو آنهم برای اینکه بر بودجه آتی تحمیل نشود میتواند مذاکره بکند.

نایب رئیس - در کلیات مذاکره با اداره کفایت بعمل آمده است حال آرای می گیریم - کسانی که مذاکره در کلیات این رایور را کافی میدانند و تصویب میکنند که داخل شور مواد شویم قیام نمایند (اغلب قیام کردند و با اکثریت تصویب شد)

نایب رئیس - حالا چون فوریت اینهم تقاضا شده است رای می گیریم کسانی که این تقاضا را تصویب میکنند قیام نمایند (با اکثریت تصویب شد) ماده اول قرائت گردید.

دکتر حاج رضا خان - با عرضم ترانسکرار می کنم که اینجا نوشته شده است که چند نفر برای نظام چند نفر برای شیمیست و چند نفر برای چیزهای دیگر که نوشته شده است در صورتی که مانده در تأسیس اولیه هستیم و حالا ترتیب معین شده است که بدانیم نظام ما نظام آلمان است نظام فرانسه است یا نظام اطریش است نظام کجاست تا اینکه برای تحصیل همان رشته شاگرد بفرستیم این را باید وزارت جنگ بداند اطلاع داشته باشد و نظامنامه را ببیند بنده آنچه اطلاع دارم اینست که در مدارس نظام نظام اطریش است و هر چه شاگردان فارغ التحصیل امروز پیدا میشود قبول نمی کند و بنده میدانم این چه نظامی است از برای بلک دولتی که پنج نفر محصل نظام او بود در اطریش بیچتا برود در اسلامبول یک دولتی که میخواهد یا بجاده ترقی بگذارد باید نظامش بیک شکلی باشد نه اینکه بطور مختلف باشد و باز ترانسکرار میکنم که خوبست در اینخصوص دقت نظری بشود.

دکتر علیخان - بنده تأسف میخورم از اینکه باز این ترانسکرار کنم عرض خود را که در اینجا ذکر نشده است که حکم بچه شرایط آنها باید برود آنجائی که باید ملاحظه شود که در وزارت خانه است این نکات مراعات خواهد شد عرض کردم که در پیشنهاد اول وزیر یک همچو جمله بود که اینجا

بفرانسه بروند ولی بدخود وزیر آمدند در کمیسیون و آنچه را پس گرفتند و حالا بعد از آنی که این تصویب شد در باب جزئیات و ترتیب آن مذاکره خواهند کرد و هر چه رای شورای معارف شد مجری خواهند داشت و آنوقت آقای دکتر حاج رضا خان هم تشریف بیاروند در شورای معارف و نظریات خودشان را بگویند که بفرانسه فرستاده شود یا آلمان اگر قابل توجه شد البته پذیرفته میشود.

حاج شیخ الرئیس - بنده معلوم است اساساً در تمام معارف و آموختن علوم جدیده عقیده نمیتوانم مخالفت کنم زیرا که فولیت که چنانگی برآند و لیکن یک نظری و یک ستوایی دارم یعنی یک توضیحی میخواهم از آقای مخبر کمیسیون بخواهم و از آن نظری که دارم اجالا تصدیق می کنم آقای مدرس را در آن تجربه هائی که با خیلی چیزها را نموده است و دیده ایم آن نمره و فوایدی را که از فرستادن شاگرد ها و تحمل مخارج آنها در نظر داشته ایم و متأسفانه فایده حاصل نکرده ایم و آن توضیحی که میخواهم بگویم اینست که اینکه برای سایر علوم همین کرده اند که قرضاً برای فلان علم فلان عده فرستاده شود صحیح است ولی اینکه معین شده است که یک عده برای معین فرستاده شود این را بنده میدانم چطور تصور نمایند که این چه علمی است بملت اینکه البته علوم متنوعه است و غیر متنوعی و هر کس که در یک علم تخصص پیدا کرد بقول شما دیلم گرفت و بقول ما اجازة تحصیل کرد حق تعلیم و تدریس باو میدهد و اختلاف سلیق مدرسین هم معلوم است بسیاری از مدرسین را ما خدمتشان درس خوانده ایم و استفاده کرده ایم و خودمان گفته ایم که سابقه تدریس فلان آقا خوبست و بهتر است از فلان آقا اگر چه معاونت آن آقا ازاد بیشتر است پس اینها یک مطلبی است ذوقی و بنده هیچ معترض نیستم یعنی تا بحال که باور نکرده ام که در فرنگستان یک همچو علمی هم باشد و اگر معنی آن علم اداری است که ترتیب مدارس و طبقات شاگردان و تقسیم اطرافیا تا ستمین و زمستان و غیره باشد که این از برای هر محصلی وقتی که بدرجه فارغ التحصیلی رسید فورا این علم برای او حاصل میشود و این دیگر برای او بعقیده بنده تحصیل حاصل است و ایصال داصل .

دکتر علیخان - اولاً اینکه فرمودند که گویا در اروپا هم چه چیزی نباشد که آنرا اصول علم مملی بگویند بنده عرض میکنم که هست و مخصوصاً او را () میگویند که علم درس دادن است به چه شکل درس باید داد و این خودش یک تحصیل لازم دارد و اینها میروند بری اینکه معلم شوند برای مدارس مقدماتی و برای مدارس متوسطه یعنی آن علوم میرزا که لازمست برای درس دادن در آن مدارس تحصیل نمایند که بتوانند از بعد تدریس برآیند.

حاج شیخ الرئیس - از بیان مخبر محترم بنده هیچ فایده ای که نتیجه عرض بنده خواهد بود که این برای تحصیل علمست و معلوم نکرده تحصیل علم است .

دکتر حیدر میرزا - این مسئله را میخواهم عرض کنم که این ۱۰ نفری که میروند برای تحصیل علم معامی لابد بزبان فرانسه تحصیل می کنند ولی می خواهم بدانم که بعد از اینکه اینجا آمدند بزبان ایرانی درس خواهند گفت یا بزبان فرانسه این را خوبست بفرمایند که باید بدانیم که میخواهم ترویج زبان خودمان بکنیم یا ترویج زبان فرانسه .

معاون وزارت علوم - این تردید آقای دکتر حیدر میرزا بنظر بنده خیلی قریب می آید البته این زحمات را برای این تحصیل می کنیم که علوم را بزبان خودمان بیادیم و راه اینکار هم این بود که از خارج معلمینی بیادیم و این آموختن زبان فرانسه هم برای همین است که از خود ایرانیها تربیت بشوند که بعد از این در مدارس معرفتی بشویم از آموختن زبان خارجه .

حاج شیخ اسدالله - بنده عرض می کنم که مذاکره در اینصورت میدانم از چه راهست و ما چطور مذاکره کنیم در اینکه ۲۰ نفر نه ۱۰۰ نفر قطع نظر از حیث بودجه اش برود یا نرود عرض می کنم ۱۰۰ نفر ۱۰۰۰ نفر وزارت معارف اگر بخواهد بفرستد حق دارد و راجع به اینست که در عده آنها مذاکره کنیم آنچه راجع به ما و از وظیفه ما است چیست بودجه و تصویب مخارج آنها است دیگر این موادی را که ما در آن مذاکره می کنیم زیادی است برای اینکه چه ربطی به عالم ما دارد که مذاکره در این بکنیم که ۱۰ نفر برای مملی بروند و فلان عده برای فلان تحصیلات پس بکلی باید این مواد را کنار گذاشت و در ضمن بودجه مذاکره کرد .

نایب رئیس - باز لازم است توضیحاً عرض کنم که در اینصورت باید مذاکره شود حالا آقایانی که این عقیده را دارند که نباید در این خصوص مذاکره بشود خوبست لطف بفرمایند کمتر مذاکره بفرمایند .

حاج وکیل الرعایا - عرض می کنم اساساً زندگی کانی مملکت ما بر آن چیزی است که فرمودند و تا ما معلمین طلب نکنیم نتیجه از این اقدامات نخواهیم برد .

ارباب کبیر خور - اینجا کلامه اردو را نوشته و حال آنکه ممکن است یک وقتی لازم بشود که یکی یا دوتای از اینها را بر مریکا یا مصر بفرستند یا سایر جاهای دیگر پس در اینصورت خوبست بجای اروپا خارجه بنویسند که در این اشکال بشود .

حاج سید ابراهیم - عرض می کنم این لایحه وقتیکه مجلس آمد از جهت احتیاج ما شاگردان نظامی بود برگشت بکمیسیون و حالا که برگشته است بیک شکل است که نظر کمیسیون در آنخصوص معلوم شده است و نه نظر وزارت جنگ و فقط در این ماده نظر برای نظام معین کرده است در صورتیکه کمیسیون معارف هیچ مناسبت ندارد با اینکه شاگرد برای تحصیلات نظامی معین بکند خوبست بقیه بنده این یک مسئله را بگذاریم که در تحت نظر وزارت جنگ باشد و آلا اینطوریکه در اینجا

این مسئله را در تحت نظر وزارت معارف تعیین کرده است این هیچ مناسبتی نخواهد داشت اینجا همینقدر باید نوشت که ۸ نفر برای نظام دیگر تعیین مراتب و درجات آنها باید و کنار شود بنظر وزارت جنگ .

دکتر علیخان - با عرض میکنم که این مذاکرات هیچ فایده ندارد و برای اینکه اینجا باید در نظر داشت که این شاگرد ها برای مملی میروند و برای خدمت و اگر متصودشان اینست که نظر کمیسیون نظام را در اینخصوص دانسته باشند آقای دکتر امیر خان رئیس کمیسیون نظام در کمیسیون حاضر بودند و ایشان این پیشنهاد را کردند در اینموقع سه نفره پیشنهاد به وزارت ذیل قرائت شد :

- ۱- از طرف میرزا یانس - بنده پیشنهاد میکنم که در ماده اول چنین نوشته شود ۳۰ نفر شاگرد از اشخاصیکه بضاعت تحصیل در فرنگستان را ندارند از طرف دولت علیه برای تحصیلات ذیل با اروپا فرستاده شود .
- ۲- از طرف مشیر حضور - بنده پیشنهاد میکنم از این شاگردانیکه میخواهند با اروپا بفرستند ۱۰ نفر از مرکز و ۱۰ نفر از ولایات باشد .
- ۳- از طرف آقا شیخ ابراهیم زنجانی فریب کمیسیون پیشنهاد میرزا یانس .

نایب رئیس - حالا این پیشنهاد ها هر کدام که قابل توجه شد رجوع میشود بکمیسیون ابتداء باید رای بگیریم به پیشنهاد میرزا یانس .

معاون وزارت علوم - این پیشنهاد های مخالف که میشود تمام اینها را که نمیشود در این لایحه گنجانید ممکنست این ملاحظاتی را آقایان بفرستند در وقتیکه شرایط اینها را بنویسند منظور خواهد شد والا اینکه آنها را که ام که قابل توجه شد برود بکمیسیون و باز برگردد این ترتیب خیلی طول خواهد کشید .

دکتر علیخان - وقتیکه در کلیات مذاکره میشد عرض شد که این پیشنهاد وقتی صحیح است که دولت بتواند یک پولی بدهد بیک اشخاصی که بروند تحصیل بکنند برای خودشان استفاده بکنند ولی اینطور نیست دولت می خواهد مخارج تحصیل بکند راهبند که بعد از برگشتن مجبور باشند که در خدمت دولت باشند و وقتیکه می خواهد آنها را مجبور بکند و بقیه بنده فرق نمیکند که این عده از اغنیاء باشد یا از فقرا .

میرزا یانس - بنده گمان میکنم که اظهارات آقای مخبر هیچ وجه در نمیکنند پیشنهاد بنده راجع به اینست که بفرمایند ۱۰ نفر در صورتی است که این اشخاص بروند تحصیل بکنند و برگردند اینجا و برای خودشان باشند ولی دولت باینها شرط می کند که بروند با مخارج دولت تحصیل بکنند و بعد که آمدند مجبور باشند کدر خدمت او باشند بنده با همین ترتیب هم هیچ مائی نمیتوانم از اینکه همین ملاحظه در حق اشخاص بی بضاعت شود که آنها را بفرستند و این

عبارت آخری دو حیث دارد یکی اینکه ملاحظه از اشخاص فقیر شده است و یکی اینکه بیول کم اشخاص زیادی رفته اند و تحصیل کرده اند و یک (اکنونی) برای دولت شده است مجدداً پیشنهاد آقای میرزا یانس قرائت گردید .

نایب رئیس - رای می گیریم کسانی که این پیشنهاد را قابل توجه می دانند قیام نمایند اغلب قیام کردند و با اکثریت قابل توجه شد - پیشنهاد آقای آقا شیخ ابراهیم خوانده شد .

نایب رئیس - با قابل توجه شدن پیشنهاد میرزا یانس دیگر رای گرفتن در این پیشنهاد لازم نیست برای اینکه مضمون این دو پیشنهاد یکپست (گفته شد صحیح است) پیشنهاد آقای مشیر حضور قرائت شد .

مشیر حضور - آقای مخبر در ضمن فرمایشات خودشان فرمودند که در سایر ولایات ممکن است اشخاص با استعداد پیدا بشوند ولی این تولید اشکال می کند بنده عرض می کنم که در بعضی جا ها از قبیل تبریز و رشت اشخاص با استعداد که تحصیل کرده هستند می توانند با اروپا بروند و ابتدا تولید اشکال نخواهد شد .

دکتر علیخان - بنده تکذیب می کنم این فرمایشی را که آقای مشیر حضور کردند بنده عرض نکردم که در ولایات اشخاص تحصیل کرده و با استعداد هستند بلکه عرض کردم که این شاگرد ها بیکه که را اینجا تحصیل میکنند تمام کاهرازی نیستند از تمام ولایات هستند و در اینصورت دیگر لازم نیست که از ولایات هم بخواهیم و یک اسباب زحمتی برای وزارت معارف تهیه بکنیم

نایب رئیس - در پیشنهاد آقای مشیر حضور رأی میگیریم - کسانی که پیشنهاد ایشان را قابل توجه میدانند قیام نمایند (اغلب قیام کردند و در شد)

نایب رئیس - ماده اول بواسطه قابل توجه شدن آن پیشنهاد باید برود بکمیسیون ماده دوم خوانده شد .

دکتر علیخان - اینجا یکی دو کلمه نوشته شده است که اشتباه است و باید اصلاح شود اینکه نوشته است که هر چند از شاگردان مزبور که فارغ التحصیل شده باید نوشت - هر قدر که جا خالی باشد - که هر کس که فوت بشود یا درست تحصیل نکند و بطور تنبیه او را برگرداند این عبارت شامل آنها هم بشود و جزی آنها فرستاده شود .

حاج سید ابراهیم - بنده عرض میکنم که چون بودجه سال آتی هنوز نیامده است و میزان آنرا ما نمیدانیم خوبست بهمن ۳۰ نفری که اسامی فرستاده میشود قناعت بکنیم اینکار برای سال آتی بیک ترتیبی داده شود و الا حالا بقیه بنده این تقاضا هیچ لازم نیست .

نایب رئیس - در این ماده پیشنهادی از آقای افتخار الواعظین شده است خوانده میشود به عبارت ذیل خوانده شد بنده پیشنهاد میکنم که عوض ۲۰ نفر ۳۰ نفر نوشته شود .

نایب رئیس - آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند (اغلب قیام نکردند و در شد)

ارباب کبیر خور - بنده در ماده فوق عرض

کردم که کلمه اروپا را تبهیل کنند بخارجه و در ضمن اصلاحی هم پیشنهاد کردم التفات فرمودید حالا هم در اینجا عرض میکنم که این کلمه را تغییر بدهند برای اینکه شاید وقتی وزیر علوم بخواهد بعضی از این شاگرد ها را بجای دیگر بفرستند .

نایب رئیس - حالا رای میگیریم در اینصورت دوم با اصلاح تبهیل کلمه اروپا بخارجه .

دکتر علیخان - بنده عرض میکنم که در ماده اول هم لازمست رای بگیرند برای اینکه کمیسیون نظردیگری ندارد که برگردد اینجا .

فهریم الملک - بنده لازم میدانم که این پیشنهاد با ماده اول مجدداً برود بکمیسیون زیرا که نظر کمیسیون معارف در اینصورت ترجم ضمه افه قناعت نبود بلکه یک اساس دیگر بهم داده است که آن اشخاص را که میفرستند باید بشکریا تحصیلاتی داشته باشند و یک فوایدی را تحصیل کرده باشند و شاید در میان اشخاص بی بضاعت یک چنین اشخاص پیدا نشد و حلا که مجلس رأی داد که از ضمه این رعایت بشود باید برگردد بکمیسیون که کمیسیون با وزیر در اینخصوص بیک مذاکره بکنند و این جمله را اقل بر آن بفرمایند که با شرطی که از طرف وزارت معارف معین میشود که اگر از میان ققرا فیک چنین اشخاص پیدا نشود وزارت معارف بتواند از طبقه دیگر بفرستد پس بکمیسیون مطلق لازمست که از طرف کمیسیون در اینجا قیام شود .

حاج وکیل الرعایا - بنده در جواب آقای فهریم الملک میخواهم عرض بکنم که ققرا فیک مملکت خیلی بیشترند و تحصیلات آنها هم خیلی بهتر است و دارای شرایط هم هستند .

نایب رئیس - آن ماده گذشت و این فرمایش شما خارج از موضوع است .

حاج وکیل الرعایا - پس چرا او گفت جلو گیری نکنید .

وکیل التجار - بنده تقاضا میکنم که مجلس اگر میل دارد این مطلب بکمیسیون برگردد در همین جا مذاکره شود و رای گرفته شود .

نایب رئیس - بنده از آقایان نمایندگان تقاضا می کنم که ماده ۷۹ نظامنامه داخلی را بخوانند و بعد از این هیئت رئیس را از برای نظامات داخلی بخودشان وا بگذارند .

وحید الملک - اگر اجازه می فرمایید بنده ماده ۷۹ را می خوانم ماده ۷۹ - هر اصلاح یا ماده الحاقیه که در ضمن مباحثات اظهار می شود باید دلایل آن بطور اختصار بیان بشود و در صورتی که وزیر یا مخبر کمیسیون تقاضا نماید باید آن اصلاح یا ماده الحاقیه بکمیسیون رجوع شود - هر گاه ارجاع بکمیسیون تقاضا نشود در باب قبول توجه از مجلس رأی خواسته می شود مجلس پس از استماع اظهارات مخبر کمیسیون در این باب برای مبدعه اصلاح یا ماده الحاقیه در صورت قبول توجه بکمیسیون ارجاع میشود .

وزیر و مخبر که این تقاضا را نکرده اند که بکمیسیون رجوع شود پس می توان در همین مجلس آنرا مطرح مذاکره کرده و گذارند .

نایب رئیس - عرض کردم اگر هیئت رئیس را بخودشان وا بگذارید شاید بهتر رعایت نظامنامه

داخلی را نمایند آن ماده رجوع شد بکمیسیون و دیگر در آن خصوص مذاکره نمیکنیم حالا رأی می گیریم ماده دوم با اصلاحاتی که شده است کسانی که تصویب میکنند قیام نمایند اغلب قیام نمودند و با اکثریت تصویب شد ماده ۳ تراش گردید

افتخار الواعظین - اواخر ماده ۳ را که آقایان بخوانند خواهند فهمید که در اینجا نباید مذاکره کنیم بجهت اینکه خود کمیسیون معارف در آخرین ماده می گوید که تصویب معارف تحصیل و اعزام شاگردان سرپرست آنها با کمیسیون بودجه است و کمیسیون مزبور وظیفه خود را در این باب بجا آورده است و کمیسیون بودجه تقاضای دوازده تومن را برای معارف یک نفر سرپرست رد کرده است و پس از آن که کمیسیون بودجه و معارف این سرپرست را رد کرده است نمایانم چطور نمایانم در این خصوص مذاکره بکنیم که تصویب راپورت کمیسیون بودجه رد شود و مجلس تصویب بکنند که مالی دو هزار تومن برای معارف یک نفر سرپرست داده شود آنوقت این ماده ۳ راپورت کمیسیون معارف را در تحت مذاکره بیاوریم والا تا زمانیکه راپورت کمیسیون بودجه رأی گرفته نشده است نمیشود در این ماده مذاکره کرد .

دکتر علیخان - اینجا اشتباه فرمودند اول باید مجلس در این لایحه قانونی رأی دهد و بعد حق دارد همان مجلس که وقتیکه مصارف آرامی خواهد تصویب بکنند رجوع بکند بکمیسیون بودجه در کمیسیون معارف عقیده اغلب اعضایش این بود که فرستادن این معصلین بدون یک نفر سرپرست کلی بی حاصل و بی فایده است و تمام اعضاء کمیسیون بخیرای یک نفر همین عقیده را داشتند و این دوازده تومن را هم بهیچوجه زیاد نمیدانند بجهت اینکه منحصر باین عده که نیست شما هر سال میخواهید سالی بیست نفر شاگرد بفرستید و این در مدت شش سال تقریباً ۱۲۰ نفر شاگرد میشود که همیشه در خارجه خواهند بود اینها باید یک نفر داشته باشند که افلا اگر مواظب هیچ چیز نباشد افلا مواظب اخلاق آنها باشد که اخلاشان فاسد نشود و اینکه تاجران شاگردها رفته اند بی حاصل و بی ثمر شده است فقط برای این بوده است که آنها آزاد بوده اند و سرپرست نداشته اند مثلا روزهای یکشنبه برود در تهران نگاه بکنند ببینند که شاگرد های ایرانی در آنها هستند یا نیستند و شما اگر بخواهید سرپرستی آنها را بسفرا و گذار کنید نباید نخواهد داشت برای اینکه هرگز سفیری که شما دارید در خارجه نمیتواند بمتی کارش این نیست که مواظب اخلاق صد و بیست نفر شاگرد باشد و این شاگردها که میروند همیشه در آن مدارس نیستند تاستان دو ماه تعطیل دارند و همچنین برای عید های مختلفه تعطیل دارند و در این تعطیلی ها مدارس بسته میشود و دیگر شاگردها را نگاه نمی دارند پس باید یک نفری باشد که در این مدت تعطیل از آن شاگردها مواظب و مراقبت بنماید که اخلاق آنها فاسد نشود و با اخلاق ایرانی باقی بماند و کمیسیون یک جدی دارد در اینکه اگر شما این شاگرد ها را بفرستید و یک سرپرست برای آنها

معین نکنید و نفرستید تمام این بولهای دولت بهدر خواهد رفت .

حاج سید ابراهیم - در این ماده در کمیسیون بودجه قدری مذاکره شد و شهادت سلیمان میرزا که در آنجا بودند اظهار داشتند که ترتیب آنجا طور است که محتاج سرپرست نیست و اگر مواظب بود فرمودید صحیح است دیگر اصرار نمیخواهد و همانطوری که کمیسیون بودجه رأی داده است دیگر محتاج بدانکار نخواهد بود و اگر اینطور نیست و همانطوری است که آقای مغیر میفرمایند که خوب است درست شرح بفرمایند که ما بدانیم مثلا خوب است بفرمایند که اینجائی که میروند یک نقطه میروند یا نقاط دیگر و در اینصورت آیا یک نفر سرپرست برای تمام آنها کافی خواهد بود یا باید بیشتر تعیین کرد و در اینصورت سه ماه که میفرمایند اینها تعطیل دارند چطور این یک نفر تمام اینها را در یک نقطه جمع خواهد کرد ماها که باید برای بدیم باید بدانیم که ترتیب اینکار چیست و آنچه خود بنده تعقیبات کرده ام و اطلاعات دارم اینست که هیچکدام از اینها محتاج سرپرست نیستند و حالا ایشان میگویند که حکما سرپرست میخواهند بنده در اینصورت نمایانم بهیچ شکل رأی بدیم .

دکتر علیخان - اینکه میفرمایند محتاج سرپرست نیستند لابد این نکته را در نظر دارند که بتوسط دولت این شاگردها بدوات دیگر سریده میشود تل فرانسه یا دول دیگر و آنوقت دیگر احتیاجی نخواهد داشت برای اینکه خود آن دولت مراقب افعال و اعمال آنها خواهد بود بنده عرض میکنم که با وجود این هم کافی نخواهد بود بواسطه اینکه دولت فرانسه یا دولت دیگر که نمیتواند ضمانت اخلاق شاگردها را هم بنماید و اینکه فرمودند که اینها به نقاط مختلفه خواهند رفت و همچو تصور کرده اند که این نقاط مختلف مثل کرلا و کلا و سایر نقاط هست که ایشان دیده اند که از یک شهری یا شهر دیگر چندین روز راه است فرض بفرمایند که اینها را بفرستید بیکه در فرانسه و بیکه در انگلیس آنوقت فاصله بین اینها دو ساعت راه است و بیک نفر سرپرست هم فرض بفرمایند که مرکز او در پاریس باشد در اینصورت در کمال خوبی میتواند از شاگرد ها سرپرستی بکند .

حاج وکیل الرعایا بنده تصور میکنم که در ضمن آن زانی که داده ایم این شاگردها از فقرا باشند دیگر این زحمت اخلاقی را که می فرمایند برای ما پیدا نشود چرا بجهت اینکه این بیچارهها بولشان همین زولی است که از دولت داده میشود و بتوسط آن اداره صرف آنها میشود و دیگر بولی در جیب آنها نیست که کسب اخلاق زشت بشود و کمان میکنم که لازم نباشد باینکه یک نفر آدم که در معنی الله اینها باشد همراه اینها بفرستیم و یک نتیجه خوبی هم از این کار نمی توانیم بگیریم

آریاب کیخسرو - بنده چنان تصور میکنم که در باب یک نفر هیچ موافقتی از برای اینکه مادر آن مذاکره کنیم تا وقتیکه وزارت معارف ملاحظه کنند و ببینند که اینها تمام را بیک جا میفرستند یا

بجاهای مختلف اگر بیک جا جاهای مختلف نزدیک بهم بفرستند که آنوقت ممکنست در آنوقت بیک پیشتهادی بکنند و اینکه آقای مغیر فرمودند که در صورتیکه در نقاط مختلفه هم بروند باز یک نفر برای سرپرستی آنها کافی است بنده نمایانم چطور یک نفری می تواند از آنها سرپرستی بکند زیرا که ایام تعطیل آنها مختلف است اینست که بنده تصور میکنم که این مسئله بماند تا وقتیکه رای وزارت معارف درباره کیه اینها معلوم شود آنوقت در اینخصوص مذاکره بشود و رأی بگیریم .

دکتر علیخان - چون کمیسیون در اینخصوص خیلی اصرار کرده است بنده مجبور هستم که خیلی دفاع بکنم چون معلوم میشود که ایشان فقط آمریکا را در نظر گرفته اند بنده عرض می کنم که ما مجبور نیستیم که شاگرد بآمریکا بفرستیم و از این گذشته بهمان دلیلی که عرض کرده ام نقطه ای که آنها را بفرستیم یک نفر سرپرست در کمال خوبی می تواند آنها را نگاهداری بکند برای اینکه عرض کردم دو ماه و نیم تعطیل تاستان و آن سرپرست می تواند در این مدت آنها را خودش جمع بکند بعد برود کنار دریا یا به بیلابی که زندگی کنند تا اینکه موع زمستان بشود و این هیچ اشکالی ندارد و خیلی هم لازمست .

حاج شیخعلی - چون آقای دکتر علیخان یک اصرار فوق العاده دارند از این جهت بنده هم لازم دانستم چند کلمه عرض کنم مسئله اخلاق سلیمان میرزا خیلی اشخاص هستند که بدر بالای آنها است و خیلی هم مواظب دارند با وجود این آن اخلاق و ذلیله را که باید کسب نکنند می کنند حالا فرض می کنیم که اینها در نقاط مختلف نباشند و در خود پاریس باشند در پاریس هم در یک جا خواهند بود فرض بفرمایند مثل طهران یکی در محله دروازه قزوین خواهد بود و یکی در محله شاه آباد یا سایر محله های دیگر آنوقت یک نفر سرپرست چطور می تواند که دنبال اینها بیفتد تا اینکه ببیند که اینها چه میکنند بعقیده بنده بهترین مواظبی که از برای اینها خواهد بود نظر ملت است برای این که البته این اشخاص اعمال آنها و افعال آنها را لابد در روزنامه می نویسند و گذشته از این اشخاص تاجرو نمایندگان دولت در آنجا خواهند بود و البته اگر خلائی از آنها سرزند انشاء خواهند کرد و پولو گیری میشود و هیچ لازم فرستادن یک نفر سرپرست نخواهد بود .

معاون وزارت معارف - دوماه سرپرست چون خیلی مذاکره شد بنده سمجه فهمیدم که آقایان شاید موضوع این مسئله را درست ملتفت نشده اند که مقصود از این سرپرست چیست هیچ مقصود از سرپرست در این جا لیه نیست که برود این ها را برساند بخانه شان یا اینکه مواظب از آنها نماید سرپرستی را که می گویند باید فرستاده نشود مقصود اینست که یک نفری مشول این ها باشد که در آن نقطه ای که هستند تحصیل بکنند یعنی واسطه باشد

بین اینها و دولت همیشه راپورت های مدارس را راجع باینها باو بدهند تا اینکه اگر اتفاقی بیفتد او برود ببیند یا آنکه اگر گاهی بمضی مؤاخذة ما از مدارس در باب آنها بشود این سرپرست بتواند از طرف دولت از آنها مؤاخذة بکند یا غیر اینها فرماید این یک نفر از برای رسیدگی باینطور کارها خیلی زیاد است برای اینکه همانطور که عرض شد این یک نفر راه است بین این شاگردان و دولت و بعد از گاه هم می تواند خود او مدیران مدارس را ملاقات کند و از تحصیلات و کارهای اینها استفسار نماید یا اینکه سفارش را اگر رسماً از طرف دولت به آن مدارس شده باشد برساند و از مرکز همه جور دستور بتوسط او بشاگردها داده شود و همچنین نقاط بولهای که فرستاده می شود و او بمدارس و نقطه ای که باید برساند برساند و از برای خیلی مسائل دیگر فایده خواهد داشت علاوه بر این یک معصلی هم بر اینها افزوده خواهد شد بجهت اینکه خود این یک نفر هم که در آنجا بیکار نخواهد ماند لابد یک نوع تحصیلات دیگر خواهد کرد و از برای ما فایده خواهد داشت .

مفتی السلطان - در باب سرپرست اینکه آقای معاون اظهار کردند که واسطه بین دولت و آنها می شود بنده می توانم عرض بکنم که در صورتی که اینها بتوسط مختلفه فرستاده می شوند و مادامه نقطه که در آنرا قوسول و سفیر و همچنین آتاشه و نمایان اول دوم داریم آنها کاملاً می توانند رسیدگی بکنند و راپورت بدهند و واسطه بین دولت و آنها باشند و بنده این را یک خرج زیادی می دانم و اینکه میفرمایند که این یک نفر هم که می رود خودش در آنجا تحصیل خواهد کرد ما لازم نیست که آنقدر در اینخصوص نظر داشت داشته باشیم آنقدر از سفراء و وزراء ها که داریم می توانند کار یک نفر سرپرست را بکنند که دیگر خرج دیگری برای دولت پیدا نشود .

دکتر علیخان - بنده همین قدر می خواستم عرض کنم که آقایان این فرمایشات را کردند یک نفر جواب بنده را نداد که در مدت تعطیل تکلیف اینها چیست آیا تمام اینها می روند در سفارت ایران نزل میکنند و او هم سرپرستی از آنها میکند علاوه بر این اگر در آن مدارس که اینها هستند یک اتفاقی نسبت باینها بیفتد نمی توانند که ۱۲-۱۳ روز تعطیل نمایند و با دولت مذاکره بکنند پس یک نفری لازم است که طرف مرسلات طرف شماستانی باشد و از طرف دولت نمایانم باشد که مدیر های مدارس بتوانند اظهارات خودشان را باو بکنند از اینها گذشته تکلیف ایام تعطیل چیست عرض کردم که دوماه و نیم در تاستان این مدارس تعطیل دارند و در این مدت تمام اینها بسته میشوند و نمی توانند شاگرد قبول بکنند و همچنین در سایر ایام سال هم در روز یا زود روز اتفاق می افتد که تعطیل می شود پس باید یک نفری باشد که در این ایام تاستان اینها را جمع بکند و مواظب باشد تا اینکه بعد از ایام تعطیل آنها را بمدارس بفرستد یا اینکه می فرماید که اینها در مدت تعطیل بیایند

بایران و دوباره یک مغارچی داده شود که بروند آنها هم یک مطلبی است .

مشیر حضور - بنده اعزام یک نفر سرپرست را خیلی لازم می دانم ولی در صورتیکه این ۲۰ نفر شاگردان تمام بیک نقطه فرستاده بشود مثلا اگر بخواهید همه اینها را بفرانسه بفرستید لابد یک نفر سرپرست هم لازم خواهد بود لیکن اگر بخواهید یک عده را بآلمان و یک عده را بانگلیس و یک عده را بروس بفرستید آنوقت یک نفر سرپرست هیچ نمیتواند اینکار را بکند و این که آقای دکتر فرمودند که تمام مسافت بین اینها ساعات زحمت صحیح است اینها مخارج لازم دارد و دوهزار تومن بقیه بنده برای این قسم مخارج کافی نخواهد بود ولی اگر بیک نقطه میخواهند بفرستند همانطور که عرض کردم خیلی لازم است که یک نفر سرپرست هم باینها فرستاده شود .

دکتر علیخان - عرض کردم که هنوز معین نشده است که یک جا خواهند فرستاد یا چند جا ولی فرقی نمیکند که شما تمام اینها را به یک جا بفرستید یا این که یک عده را بانگلیس بفرستید و یک عده را بفرانسه و یک عده را بآلمان بجهت اینکه چند زمانی که می دانید که در هر جا یک مدت تعطیلی دارند و یک نفر لازم است که در آن مدت اینها را در یک جا جمع بکنند و بعد از گذشتن آن مدت هر یک را بنقطه خودش بفرستد .

حاج شیخ اسدالله - بنده عرض می کنم که در این ماده ابتدا نمی توانیم رأی بگیریم برای اینکه اختلاف است میان راپورت کمیسیون بودجه و راپورت کمیسیون معارف و ما باید اول مجزی کنیم که این رأی را که کمیسیون بودجه داده است مجلس آنرا تصویب میکند یا تصویب نمی کند و قتیکه تکلیف آن راپورت معین شد آنوقت ما می توانیم در اینخصوص رأی بگیریم والا اگر حالا ما بخواهیم رأی بدیم درجه رأی بدیم .

مهاضد الملک - بنده تأیید می کنم اظهار آقای حاج شیخ اسدالله را و این بواسطه تصور است که از طرف کمیسیون بودجه شده است و یا بواسطه تصور کمیسیون معارف است ولی تصور می کنم که از طرف کمیسیون بودجه شده است که نیم ساعت وقت مجلس را ضایع کرده اند بجهت اینکه این ماده ۳ با طرخی است که از طرف کمیسیون معارف پیشنهاد شده است یا لایحه است از طرف وزیر در حال رفته است بکمیسیون بودجه میبایستی کمیسیون بودجه آنجا عقیده خودش را در باب خرج بگوید یعنی اول خرج را تعیین بکند بعد عقیده خودش را اظهار بکند که اکثریت کمیسیون این مسئله را تصویب میکند یا اینکه تصویب نمیکند آنوقت رای مجلس هم در اینخصوص معلوم می شد و حالا نیم ساعت است که مارتق مجلس را صرف این کار می کنیم و مذاکرات میکنیم در اینکه یک نفر سرپرست بفرستیم یا بفرستیم در صورتی که بموجب ماده ۶۵ نظامنامه داخلی بالاخره مجلس نمیتواند در این خصوص رأی بدیم بجهت اینکه آن ماده می نویسد : در قانون بودجه هیچ طرخی را که

مستلزم ازدیاد مقرری یا مدد معاش یا وظیفه باشد بعنوان ماده الحاقیه یا بعنوان اصلاح نمی توان پیشنهاد کرد همچنین است طرخی که خواه مستلزم احداث تأسیسات باشند یا وظائف بوده و خواه باهت توسعه هر یک از این سه فقره که خارج از حدود قوانین موضوعه باشد .

(گفتند این ماده راجع باین مطلب نیست)

سلیمان میرزا - اشتباه فرمودند آقای معاضد الملک برای اینکه این ماده همین طور که گفته شد راجع باین مطلب نیست و هیچ راپورت کمیسیون بودجه و کمیسیون معارف را مطالعه نفرمودند و وقتیکه باهم آنها را مطالعه بفرمایند خواهند دید که کمیسیون معارف این دوهزار تومن خرج را برای سرپرست تصویب کرده است ولی کمیسیون بودجه با اکثریت آزارد کردند و دلایل هم نوشته شده که کمیسیون این دوهزار تومن را تصویب نمیکند زیرا که سفارتخانه های دولت علیه برای سرپرست کافی است حالا دلایل نشان است یا اینکه اکثریت مجلس لازم می دانند و این خرج را تصویب میکنند آن یک مطلبی است علیحده ولی کمیسیون بودجه از طرف خودش تصور نکرده است

ذکاء الملک - همیشه اینطور معمول بوده است که اول یک تأسیس را مجلس رأی می دهد که اینکار باید بشود پس اینکه نباید بشود آنوقت برای سایر مطالب و جزئیات آن رجوع به یکی از کمیسیونها می شود حالا این لایحه هم همین طور است اگر مجلس اساساً رأی میدهد که شاگرد بفرستند بخارجه آنوقت برای خرجش برود بکمیسیون بودجه و در صورتیکه کمیسیون بودجه یک یا دوجزه از مخارج آنرا رد بکند با هم مجلس حق دارد که آن خرج را تصویب کند حالا در این خصوص رأی کمیسیون بودجه اینست که یک نفر سرپرست لازم نیست رأی کمیسیون معارف اینست که لازم است و اینحق را هم کمیسیون معارف دارد که با تصویب نکردن کمیسیون بودجه بگوید که لازم است یا لازم نیست ولی اگر مجلس رأی داد که این سرپرست لازم است درجه خرجش هم مختار است و مختارند تصویب بکنند و اگر لازم ندانند که تصویب کرده است رأی اولی کمیسیون بودجه را بپشهادی از طرف آقای آریاب کیخسرو بجات ذیل قرائت شد :

بنده تقاضا می کنم ماده ۳ مسکوت عنه بماند تا وزارت معارف بعد از تعیین شاگردان و ترتیب کجا فرستادن آنها بمقتضای لزوم پیشنهاد نماید

دکتر علیخان - بنده اساس این پیشنهاد هیچ ضدیقی ندارم ولی آقایان ملاحظه بکنند که این سبب می شود که چقدر اینکار بتعویق بیفتد ببینند که بنده چه مطلبی مهم چند مدت است در مجلس معطل مانده است و امروز هم که آمده است بمجلس با این ترتیب هیچ نتیجه نخواهد داشت برای اینکه یک ماده ای که می رود بکمیسیون و باز یک مدتی در آن جا معطل خواهد ماند حالا این ماده هم که برود دیگر چیزی از این لایحه باقی نخواهد ماند .

آریاب کیخسرو - بنده خیلی عجب میکنم

برای اینکه هیچ در این پیشنهاد مانی برای احساس پیشنهاد شده است اساس ابتکار فرستادن ۳۰ نفر شاگرد است که آنرا مجلس تصویب کرد. است این پیشنهاد فقط برای اینست که این ماده مسکوت عنه بماند و قبلیکه نظر وزارت معارف در این خصوص معلوم بشود برای اینکه شاید در آنوقت نظر وزارت معارف این شد که دو نفر فرستاده شود یا اینکه هیچ لازم نداشت هر طور که در آنوقت صلاح دید پیشنهاد خواهد کرد و البته نمایندگان که حالا رای دادند که این يك نفر لازم است فرستاده شود آنوقت هم حاضرند در همین جا رای دارند و میبندند و هیچ اشکالی ندارد.

نایب رئیس - حالا در این پیشنهاد ابواب کبیر سرو رای میگیریم کسانی که پیشنهاد ایشانرا قابل توجه میدانند قیام نمایند (رودند)

میرزا یانسی - بنده مخالف این هستم که يك نفر سرپرست برای اینها معین بشود و آن وقتی که اجازه خواسته بودم خیلی از مطالب را میخواستم عرض کنم که گفته شد دیگر نکرار نمی کنم ولی حالا يك کلمه جواب آقای مخبر را می خواهم عرض کنم فرمودند که در ایام تعطیل کی سر پرستی اینها را میکنند در ایام تعطیل همه می دانند که میروند به بیلاق و در هر کجا که اینها هستند ممکن است قوتوسول بازرئال قوتوسول ایران یکی از صاحب منصبهای خودش را معین بکنند که باینها باشد و از ایشان سر پرستی بکنند تا این که مدت تعطیل تمام بشود و معاونت به مدارس خودشان بنمایند يك مسئله دیگری فرمودند که سفارتخانه های ما نمی توانند این کار را بکنند بنده گمان نمی کنم که سفارتخانه های ما آنقدر کار پابستی داشته باشند که باین کار جزیی نتوانند برسند.

حاج شیخ الرئیس - بنده با کمال احترام و حفظ مقام به آقای معاون عرض و اخطار می کنم که بدگمانی در حق و کلاه عظام نداشته باشند که معنی سرپرست را نمی دانند و توجه نمازند بجهت اینکه این يك مسئله خیلی واضع است و نظر و کلامی محترم بمسائل خیلی عمیق و دقیق متوجه است و این نظرانی را که آقای معاون ومخبر محترم دارند در باب لزوم تعیین این یک نفر بنده تمامش را تکلیف و تردید می کنم برای اینکه بدانند که بنده هم بی اطلاع نیستم و بن بفرست دهنده ام بسی شهرها عرض می کنم که از اسلامبول در زمان سلطان عهد العبد مغایع از طرف مرحوم ناصرالدین شاه چند نفر شاگرد که حالا فارغ التحصیل شده اند و در کار های بزرگ نظام و غیر نظام مشغول کار های بزرگ هستند از ایران اعزام شدند برای تحصیل که از طهران مبعوث می شوند میروند برای تحصیل بمدارس عالیه اسلامبول يك نفر سرپرست هم لازم است که همراه آنها فرستاده شود تا اینکه مواظب حالات و اخلاق آنها باشد یا اینکه لازم نیست مرحوم معین الملک که بعد مشیرالدوله شد وزیر امور خارجه در آنوقت سفیر کبری آنها بود گفت که این توهینی است که شما بمقام سفارت کبری برای خودتان میکنید

که يك نفر سفیر کبیری با آنها هم اعضا و اجزاء که در دایره سفارت خودش دارد می تواند بعالات و اخلاق چند نفر شاگردان ایرانی که بطور سرپرستی و تقاضای يك پادشاه از يك پادشاه دیگر سرپرستی بکند و يك نفر سرپرست دیگری که عبارت از لاله باشی باشد برای آنها نفرستد و این دلایل را هم که می نویسم بتزله خطائیات و شماریات است و این اشخاصی که اعزام می شوند اگر چه امیدواریم که در مملکت ما آن سوء اخلاقی را که دیده ایم پیدا نشود لیکن اگر خدای نکرده خلق یکی از آنها فاسد بشود بنده صریح عرض می کنم که آن سرپرست نمی تواند جاو گیری بکند و اینکه میفرمایند که از طرف دولت يك اجازه داده شود که بتغیر از قانون مجازاتی که در مدارس هست او بتواند مال مجازات و مؤاخذة را از طرف دولت بکند این را بنده حرفی میدانم خیلی غیر قانونی بعلم اینست که شاگرد چهار ساله را اگر بفرستید بیاری اول چیزی را که میدانند اینست که میدانند هیچ کس حق ندارد باو تعرض بکند مگر اینکه قانون نظامنامه مدرسه آنرا تجویز بکند بنابراین تا کبھی کنم که نظرات اعضا کمیسیون بودجه را توجه بفرمایند و از این سرپرستی صرف نظر بکنند.

نایب رئیس - بقیه مذاکرات در این صحنه میماند برای بعد از تنفس حالا ده دقیقه تنفس می شود - مجدداً جلسه تشکیل شد.

نایب رئیس - چون وقت گذشته و خیلی دیر شده است و آقایان وزراء هم تقاضای يك جلسه خصوصی کرده اند جلسه علنی را ختم میکنیم - دستور جلسه آتی که روز پنجشنبه خواهد بود بقیه دستور امروز است - حالا مجلس خصوصی است.

حاج شیخ الرئیس - بنده با کمال احترام و حفظ مقام به آقای معاون عرض و اخطار می کنم که بدگمانی در حق و کلاه عظام نداشته باشند که معنی سرپرست را نمی دانند و توجه نمازند بجهت اینکه این يك مسئله خیلی واضع است و نظر و کلامی محترم بمسائل خیلی عمیق و دقیق متوجه است و این نظرانی را که آقای معاون ومخبر محترم دارند در باب لزوم تعیین این یک نفر بنده تمامش را تکلیف و تردید می کنم برای اینکه بدانند که بنده هم بی اطلاع نیستم و بن بفرست دهنده ام بسی شهرها عرض می کنم که از اسلامبول در زمان سلطان عهد العبد مغایع از طرف مرحوم ناصرالدین شاه چند نفر شاگرد که حالا فارغ التحصیل شده اند و در کار های بزرگ نظام و غیر نظام مشغول کار های بزرگ هستند از ایران اعزام شدند برای تحصیل که از طهران مبعوث می شوند میروند برای تحصیل بمدارس عالیه اسلامبول يك نفر سرپرست هم لازم است که همراه آنها فرستاده شود تا اینکه مواظب حالات و اخلاق آنها باشد یا اینکه لازم نیست مرحوم معین الملک که بعد مشیرالدوله شد وزیر امور خارجه در آنوقت سفیر کبری آنها بود گفت که این توهینی است که شما بمقام سفارت کبری برای خودتان میکنید

صورت مشروح روز پنجشنبه سلخ شهر صفر ۱۳۲۵

مجلس دوساعت و ربع قبل از غروب آفتاب بر ریاست آقای ممتاز الدوله تشکیل گردید. صورت روز یکشنبه را آقای معاضد الملک قرائت نمود.

(غائبین جلسه قبل) آقایان: حسنعلیخان - مستشار الدوله - سیددار اعظم - سردار احمد بدون اجازه. آقایان: ذکاء الملک - آقای سید محمد رضا معین الرعایا - حاج آقا بوقت معین حاضر نشده. آقایان: آقا سید محمد باقر - آید - اوعالدوله - مریض بودند.

رئیس - ملاحظه ای در صورت مجلس نیست؟ (اظهاری نشد) رئیس صورت مجلس را امضاء نمودند. **رئیس** - شروع قانونی قانون ثبت اسناد است شروع میشود مواد لایحه وزیر درایهوت کمیسیون بر تریب ذیل قرائت گردید: لایحه وزیر - ماده اول - در حوزه هر محکمه ابتدائی يك اداره ثبت اسناد تشکیل خواهد شد. راپورت کمیسیون - مقدمه - ماده اول - اداره ثبت اسناد عبارتست از دایره ثبت اسناد و دفتر را که کل.

حاج سید ابراهیم - این ماده اول ماده نیست باید نوشت در اداره ثبت اسناد و دفتر را که کل - این عبارت نظیری که نوشته شده است می فهماند که مراد از اداره ثبت اسناد دایره ثبت اسناد است این خوب عبارتی نیست بنویسند باب اول در دایره ثبت اسناد و دفتر را که کل

آقا شیخ ابراهیم - چون باب اول در تشکیل ثبت اسناد نوشته شده است این تعریف او است که اداره ثبت اسناد عبارتست از فلان و بعد ترتیباً نشر را خواهد گفت این تعریف است که اداره ثبت اسناد عبارت است از دایره ثبت اسناد و دفتر را که کل.

حاج سید ابراهیم - اداره ثبت اسناد است **آقا شیخ ابراهیم** - اداره ثبت اسناد اداره است در مملکت ایران که دو دایره دارد یکی دایره ثبت اسناد است و یکی دفتر را که کل - ل که تمام اینها جمع خواهد شد در دفتر را که کل این تعریف اداره ثبت اسناد است اشکالی ندارد.

رئیس - رای می گیریم بر این ماده مطابق پیشنهاد کمیسیون کسانی که تصویب میکنند قیام نمایند (با اکثریت تصویب شد). لایحه وزیر ماده دوم و سوم به ترتیب ذیل قرائت شد:

ماده ۲ - اداره مذکور مرکب است اولاً از عده ای از مباشرین ثبت ثانیاً از يك نفر مدیر که با يك دفتر را که کل که در نزد هر محکمه ابتدائی خواهد بود.

ماده ۳ - مباشرین ثبت اسناد در ولایات و بلوگات معین خواهند شد. پیشنهاد کمیسیون ماده ۲ - دایره ثبت اسناد در حوزه های محاکم ابتدائی که قانوناً تأسیس شده است تشکیل میشود دایره مذکور مرکب است اولاً از مباشرین ثبت اسناد که در محاکم محکمه ابتدائی است و با در حوزه های محکمه مذکوره واقع است معین میشوند ثانیاً از يك دفتر را که کل که در تحت ریاست یک نفر مدیر در نزد محکمه ابتدائی تأسیس میشود.

حاج سید ابراهیم - با مقر محکمه صحیح نیست (مقر محکمه) این عبارت باید اصلاح شود.

آقا شیخ ابراهیم - اداره ثبت اسناد عبارت است از دایره ثبت اسناد و دفتر را که کل - حالا میفرمایند او را بیان کنید که دایره ثبت اسناد در حوزه های محاکم ابتدائی - چون دایره ثبت اسناد دایره نخواهد شد در حوزه های ابتدائی مثلا در ولایت قزوین يك حوزه ابتدائی است این مباشرین ثبت اسناد ممکن است که در مرکز باشند که مقر محکمه ابتدائی است یا غیر مصلحت باشد چند جای آولیات هم مباشرین ثبت اسناد بگذارند اینست که نوشته شده است که دایره مذکور مرکب است اولاً از مباشرین ثبت اسناد که در محلهای که با مقر محکمه ابتدائی است و با در حوزه های محکمه مذکوره واقع است معین میشوند این اول ثانیاً از يك دفتر را که کل که در تحت ریاست یک نفر مدیر در نزد محکمه ابتدائی تأسیس میشود این دفتر را که کل برای ضبط و نگهداری احکام و دفتر های است که هر هاله مباشرین ثبت میبندند مثلا مباشرین ثبت در ده جا هستند ثبت کرده اند آنوقت

در آخر سال آن دفتر را میبندند و دفتر را که کل و آن در مقر محکمه ابتدائی خواهد بود آنرا میبندند برای اینکه هر وقت لازم بشود بآن رجوع نمایند و این هیچ دیگر محل اشکال نخواهد بود.

وکیل التجار - اصل مطلب صحیح ولی عبارت ناسلیس است مگر گفته شده است که عبارت قانون را باید طوری نوشت واضح باشد و همه کس بفهمد اینرا خواهد ما باید يك دو سه دفعه ملاحظه کنیم تا ملتفت شویم در هر حال مطلب عیبی ندارد اینست که باید عبارت را تغییر داد برای اینکه بگویی ناسلیس است اولاً مطلب را همانطور که فرمودند صحیح است **آقا شیخ ابراهیم** - کدام عبارت ناسلیس است خوب است پیشنهاد کنید.

رئیس - اینجا يك لفظ (با) که زیادی است برداشته شد.

کاشف - اینجا که گفته شد مرکب است اولاً از مباشرین ثبت اسناد تا آخر بعد از واقع است (معین میشوند) زیادی است هم طور که گفتند (با) هم زیادی است.

رئیس - (معین میشوند) لازم است آن (با) زیادی بود که حذف شد.

(آقای ذکاء الملک ماده ۲ بزرگه را باین ترتیب اصلاح و قرائت کردند) - دایره ثبت اسناد در حوزه های محاکم ابتدائی که قانوناً تأسیس شده است تشکیل میشود دایره مذکور مرکب است از مباشرین ثبت اسناد که در محکمه ای از مباشرین ثبت ثانیاً از يك دفتر را که کل که در نزد هر حوزه های محکمه مذکوره و از يك دفتر را که کل که در تحت ریاست یک نفر مدیر در نزد محکمه ابتدائی تأسیس میشود.

رئیس - رای میگیریم - کسانی که موافقت باین ترتیب که بیان شد قیام نمایند (با اکثریت تصویب شد) ماده الحاقیه ماده ۳ - دفتر را که کل که در تحت ریاست یک نفر مدیر در نزد محکمه ابتدائی تأسیس میشود.

آقا شیخ ابراهیم - این ماده را در نظر دوم در کمیسیون الحاق کردیم چون در لایحه وزیر این نبود - و لیکن هر چه صلاح دانستیم که در پایتخت يك دفتر را که کل مملکت باشد که از تمام دوائر ثبت اسناد دفاتر یا فهرست آنها را جمع بکنند در پایتخت در تحت آن اداره کل این يك مسئله مهمی است که اینجا باید باشد گویا در سایر دول نیست یا امیدانم چطور است که هر جایکه حوزه های ابتدائی است مباشرین ثبت اسناد و دفتر را که کل هست - اما يك را که کل که در پایتخت که جامع همه دفتر ها محاکم ابتدائیکه در مملکت باشند این گویا نیست ما تأسیس کردیم و لازم هم داشتیم اینرا بجهت مرکزیت و بجهت اطلاع اصل دایره مملکت از تمام اموریکه در کل مملکت است اینست که این ماده الحاق شده است حالا بستمه است بنظر نمایندگان.

حاج سید ابراهیم - این ماده اول آقای مخبر فرمودند که اداره را تعریف می کنیم که دو دایره مقصود است یکی دایره دفتر را که کل است اگر اشطور است باید اینجا بنویسند دایره دفتر را که کل در تحت ریاست يك نفر دفتر دار

حاج سید ابراهیم - در ماده اول آقای مخبر فرمودند که اداره را تعریف می کنیم که دو دایره مقصود است یکی دایره دفتر را که کل است اگر اشطور است باید اینجا بنویسند دایره دفتر را که کل در تحت ریاست يك نفر دفتر دار

حاج سید ابراهیم - در ماده اول آقای مخبر فرمودند که اداره را تعریف می کنیم که دو دایره مقصود است یکی دایره دفتر را که کل است اگر اشطور است باید اینجا بنویسند دایره دفتر را که کل در تحت ریاست يك نفر دفتر دار

کل در مرکز در تحت اداره وزارت عدلیه تأسیس می شود اینجا دایره میخواند که باید نوشته شود. **وکیل التجار** - ماده ۳ خیلی صحیح است ولی بعقیده بنده نوری باید مقدمه اش را صحیح کرد اول باید يك دفتر را که کل مرکز ایالتی داشته باشیم در جاهایکه محکمه استیفاء دارد یعنی این محاکم ابتدائیکه هستند و دفاتر ثبت اسنادیکه دارند در محل ایالتی و در محلیکه اداره استیفاء ایالتی دارند در آنجا باشد آنوقت يك مرکز کل عمومی در مرکز اصلی باشد چون معلوم است که کارهائیکه در ادارات جزء را در محکمه های ابتدائی در هر جا باشد میروند در استیفاء ایالتی آنوقت لازم است که يك صورت کلی هم از این استیفاء در مرکز باشد و يك صورت کل هم در آخر سال بر مرکز کل بفرستند که متلایا بخت باشد و دفتر را که کل عمومی باشد بعقیده بنده يك چنین چیزی باید بآن فرد از برای تسهیل امور و رفع نزاعها و گفتگوهای مردم.

رئیس - اما بنده بنظر میآید که بایا لازم نباشد که در هر جا باشد استیفاء هم باشد.

آقا شیخ ابراهیم - این آقا - نه از حیث استیفاء یا تیزی با ابتدائی است چون در مملکت آخرین محکمه محکمه ابتدائی است و در همه جا هست و ممکن است چندین ولایت يك محکمه استیفاء داشته باشد رجوع دهد به مرکز و محکمه ابتدائی است که بآن رجوع خواهد داشت اگر آن چیزیکه لازم داشته باشد مرکز آن در محکمه استیفاء است پس در استیفاء محاکم ابتدائی نمیتوانند ثبت اسناد دیگر داشته باشند لکن چون صلاح دانستیم برای حال عالیه مملکت عرض کردم که این ماده را الحاق کردیم که در مرکز مملکت يك صورت و فهرستی از تمام اسنادی که در ولایات هست در اداره دفتر را که کل هم با این يك چیزی است که باید باشد وقت لزوم رجوع باین شود اگر اختلافی باشد قاضی این در صورت کل اینجا مطابق بکنند اگر اشتباهی باشد رفع کنند این برای این است.

حاج سید ابراهیم - بنده عرض نمودم که در هر جا باشد استیفاء هم باشد.

آقا شیخ ابراهیم - این آقا - نه از حیث استیفاء یا تیزی با ابتدائی است چون در مملکت آخرین محکمه محکمه ابتدائی است و در همه جا هست و ممکن است چندین ولایت يك محکمه استیفاء داشته باشد رجوع دهد به مرکز و محکمه ابتدائی است که بآن رجوع خواهد داشت اگر آن چیزیکه لازم داشته باشد مرکز آن در محکمه استیفاء است پس در استیفاء محاکم ابتدائی نمیتوانند ثبت اسناد دیگر داشته باشند لکن چون صلاح دانستیم برای حال عالیه مملکت عرض کردم که این ماده را الحاق کردیم که در مرکز مملکت يك صورت و فهرستی از تمام اسنادی که در ولایات هست در اداره دفتر را که کل هم با این يك چیزی است که باید باشد وقت لزوم رجوع باین شود اگر اختلافی باشد قاضی این در صورت کل اینجا مطابق بکنند اگر اشتباهی باشد رفع کنند این برای این است.

حاج سید ابراهیم - بنده عرض نمودم که در هر جا باشد استیفاء هم باشد.

آقا شیخ ابراهیم - این آقا - نه از حیث استیفاء یا تیزی با ابتدائی است چون در مملکت آخرین محکمه محکمه ابتدائی است و در همه جا هست و ممکن است چندین ولایت يك محکمه استیفاء داشته باشد رجوع دهد به مرکز و محکمه ابتدائی است که بآن رجوع خواهد داشت اگر آن چیزیکه لازم داشته باشد مرکز آن در محکمه استیفاء است پس در استیفاء محاکم ابتدائی نمیتوانند ثبت اسناد دیگر داشته باشند لکن چون صلاح دانستیم برای حال عالیه مملکت عرض کردم که این ماده را الحاق کردیم که در مرکز مملکت يك صورت و فهرستی از تمام اسنادی که در ولایات هست در اداره دفتر را که کل هم با این يك چیزی است که باید باشد وقت لزوم رجوع باین شود اگر اختلافی باشد قاضی این در صورت کل اینجا مطابق بکنند اگر اشتباهی باشد رفع کنند این برای این است.

حاج شیخعلی - این ماده الحاقیه بعقیده بنده شور اول باشد چون در آن شور اول بنده بنظر نمیآید که بعد آمده باشد.

[ماده مع اصلاح قرائت شد با تصویب]

ماده ۳ - دفتر را که کل در تحت ریاست يك نفر دفتر دار در مرکز در تحت اداره وزارت عدلیه تأسیس میشود. **رئیس** - رای میگیریم باین ماده کسانی که موافقت قیام نمایند (با اکثریت تصویب شد) (لایحه وزیر) ماده ۴ - عده مباشرین ثبت در هر

مجلس باقتضای اکثریت جمعیت محل معین و صورت آنرا وزارت عدلیه با تصویب وزارت مالیه و داخله ترتیب خواهد داد [پیشنهاد کمیسیون] ماده ۴ - عده مباشرین ثبت در هر محل و حوزه محکمه ابتدائی منوط بقضیات و کیفیات حوزه مذکوره میباشد و آئینده راز وزیر عدلیه با موافقت وزیر مالیه و وزیر داخله معین نموده مقامات لازمه پیشنهاد مینماید.

حاج سید ابراهیم - مقامات لازم بالاتراز از عدلیه گویا هیچ جایی نیست که بآنجا اطلاع داده شود از اینجهت این زائد است.

آقا شیخ ابراهیم - دخالتی که دارد معلوم است در تحت اداره وزارت مالیه از حیث مالیه است که آیامالیه مملکت کافی است يك همچو اداره را تشکیل کرد بانه از اینجهت اکثریت جمعیت مجلس این دخالت را ندارد ولی اینرا خودشان نمی توانستند بموقع اجرا گذارند باید بمجلس پیشنهاد بکنند مجلس هم تصویب بکند بجهت بودجه اش و سایر چیزهایش لذا بمقامات عالیه پیشنهاد میکند.

حاج سید ابراهیم - عرض می کنم تعیین عده مباشرین یا مجلس نیست اگر تصویب حقوق عده مباشرین با مجلس باشد این ربطی ندارد باینکه تعیین عده مباشرین هم راجع بمجلس بکنیم در این قانون نیست که مجلس اختیار تصویبی در عده دارد مثل سایر اجزاء وزارتخانه ها خود وزیر معین می کند موافق قانون اداریش آنوقت بودجه اش را بمجلس تصویب می کند پس بعقیده بنده بمقامات لازمه زیادی است.

آقا شیخ ابراهیم - بعد از آنکه وزارت عدلیه معین کرد مجلس هر گاه تصویب بودجه اش را نکرد و گفت این زیادی است ما این بودجه را نمی توانیم تصویب بکنیم می فرمایند آنوقت وزیر باید برود بهم بزند اینکه نمی شود باید اول پیشنهاد بمجلس بکنند نه اینجا بلکه در سایر جاهای دیگر هم همینکار را بکنند این اشتباه شده است نباید کار خودش را بمجلس پیشنهاد کند و در باب بودجه مداخلت دارد در عده اجزاء و عده دوائر باید پیشنهاد بمجلس کند بنده پیشنهاد مجلس نخواهد شد.

حاج شیخ اسدالله - آقای حاج سید ابراهیم يك فرمایش صحیحی کردند و نمی فهمم عده اعضا مباشرین ثبت را چگونه باید مجلس معین کند می گویند رسیدگی بامور آنها با عدلیه در تحت نظارت وزارت عدلیه و مشاورش با عدلیه است آنوقت می فرمایند مجلس باید معین بکنند مجلس فقط در اینجا نظر پائی که باید داشته باشد از حیث بودجه است که از حیث مخارج در کلیه مواد و در کلیه اجزاء می تواند نظریات بفرماید الا اینکه خصوص تعیین عده اجزاء ابتدا ربطی بمجلس ندارد.

آقا شیخ ابراهیم - بنده باین عرض کردم بدلیل جواب بدهند عرض می کنم که فرضاً هزار نفر را وزیر تصویب کرد فردا اینجا هشتم نفر تصویب شد برود آنها بیرون بکنند بگوید آن تصویب نشد اول باید که اینجا تصویب بشود بعد برود تأسیس بکنند.

آقا شیخ ابراهیم - بنده باین عرض کردم بدلیل جواب بدهند عرض می کنم که فرضاً هزار نفر را وزیر تصویب کرد فردا اینجا هشتم نفر تصویب شد برود آنها بیرون بکنند بگوید آن تصویب نشد اول باید که اینجا تصویب بشود بعد برود تأسیس بکنند.

آقا شیخ ابراهیم - بنده باین عرض کردم بدلیل جواب بدهند عرض می کنم که فرضاً هزار نفر را وزیر تصویب کرد فردا اینجا هشتم نفر تصویب شد برود آنها بیرون بکنند بگوید آن تصویب نشد اول باید که اینجا تصویب بشود بعد برود تأسیس بکنند.

وکیل التجار - فرمایش آقای مغبّر صحیح
است ولی عیب اینستکه عبارت اینرا می پروراند که
عده را باید مجلس تصویب کنند یا اینکه باید
عبارت آخر برداشته بشود و بگوید که می گویند یا
آنکه بعد از عبارت وزیر مالیه و داخله مدین نمود
بوده او را بمقامات عالیّه پیشنهاد کنند اینجا لفظ
بوده زیاد کنند.

آقا شیخ ابراهیم - حالا این مسئله اهمیتی
پیدا کرده عرض می کنم عقیده بنده اینستکه تمام اشخاصی
که در دوائر هستند کلبتا باید بتصویب مجلس باشد
اگر مجلس تصویب کرد هزار نفر را امروزه برای نظام
بگیرند و همین هم کرده است بودجه اش هم تصویب شد
وقت دو هزار نفر گرفت آنوقت مجلس هزار نفر را رد
کرد باید بیرون آنها را جواب بکند ایشرا اول مجلس
باید تعیین بکند که مثلا پنجهزار نفر تشوئی باید بگیرند
تا اینکه فلاقتی دایره باید داشته باشد فلاحتی حاکم
و فلاقتی اراغ حاکم و نایب الحکومه آنجا عدولش را
باید تصویب بکند تا اینکه در بودجه را بتواند کم و
زیاد بکند والا عدولش که تعیین نشده نمیتواند آنها
تعیین بکند.

لسان الحکماء - اگر چه هنوز تعداد نفوس
نشده ولی در خارج در غالب جاها مبرشرین ثبت اسناد
مربوط بعهده نفوس است مثلا در بعضی جاها دره
پنجهزار نفر بکنفر مباشر ثبت (اسناد میشود و این
خیلی مربوط بشماره نفوس است

کاشف - ایرادیکه آقایان کردند خیلی صحیح
است و جواب آقای مغبّر هیچ ربطی با بنده ندارد
فقط تصویب مباشرین باید بتصویب وزراء باشد
و بودجه اش را باید مجلس تصویب کند حالا میتوان
اینجا علاوه کرد که اول بودجه آن تقدیم مجلس
میشود اگر آن تشکیلات شود البته اول بودجه را
پیشنهاد میکند به شروع میکند بتشکیلات اگر
چنانچه غیر از این باشد معنیش این است که این
خلاف قانون است

رئیس - اینجا استنباط میکنم مقصود
از مقامات عالیّه مجلس نیست اینجا مقصودش اینست
که تعیین عده اشخاص با مقام سلطنت است نه با وزیر
چون مأمورین چند قسمند بعضی با تصویب وزیر
است بعضی را وزیر بمقام سلطنت پیشنهاد میکنند
آنوقت فرمان صادر میشود وزیر نمی تواند تصویب
بکند این جا مقصود مجلس نیست که داخل این
مذاکره شوم اینجا که میگوید وزیر عدلیه با
موافقت وزیر مالیه و وزیر داخله معین نمود بینه
مقامات لازمه پیشنهاد می نماید یعنی از مقام نیابت
سلطنت معین نمود مقصود مجلس گمان نمی کنم باشد
حالا رای آقای مغبّر ببینیم چیست .

آقا شیخ ابراهیم - مباشرین ثبت این
مقامات را ندارند و مقام سلطنت اطلاع بدهند آن
ها را بواسطه محکمه استیفاء عدلیه عزل و نصب
میکند و اینها کسانی نیستند که بواسطه فرمان
منصب شوند و این مقام را نخواهند داشت

رئیس - پس می فرمایید مقصود از
مقامات عالیّه چیست تا اینکه این ماده زودتر بگذرد
مقصود کمیسیون چه بوده است که بمقامات لازمه

پیشنهاد می نماید آن مقامات لازمه کجا است اگر
مجلس است که تصویب عده اشخاص مربوط به
مجلس نیست .

آقا شیخ ابراهیم - بنده عرض کردم
نظر بنده و کمیسیون در تمام تشکیلات و
تمام تأسیسات اینست که باید از نظر مجلس بگذرد
اول مدد در ایستادگی بدهند بعد از آن مواجب ها بکنند
برای آن عده معین میشود باید بمجلس شرح و تمهید
شده با بودجه مدد را نمی توان معین کرد مثلا بودجه
اگر لازم دانست بگذرد بزرگ بود بگذرد اگر لازم دانست
بگذرد کم بگذرد این میشود - تشکیلات تمام
دوائر را اول باید مجلس تصویب بکند که فلان
اداره باید باشد یا نباشد در آن اداره فلاقتی اعضاء
اداره باید باشد یا نباشد و بعد بودجه اش که می آید
بمجلس نظر در وقت تمهید بودجه اش خواهد نمود
حاج قمر رضا خان - گمان می کنم که
این لفظی که تفسیر بر دوازده که مراد از مقامات
عالیه اولیاء مجلس یا اولیاء دولت است اصیاب زحمت
خواهد بود و در هیچ جای قانون دیده نشده است
که بجای مجلس مقامات عالیّه بگذاریم اگر مقصود
چنانچه آقای مغبّر گفته همان مجلس یا مجلسین
است آنوقت خوب است تصریح بفرمایید که مقامات
لازمه مجلس یا مجلسین است .

وکیل التجار - بنده گمان می کنم این طور
نباشد اگر بخواهیم در این ماده آنقدر گفتگو بکنیم
و بگوئیم که حکما یک چیز را که حق یک وزیر است
مثل تعیین اجزاء اداره اینطور عبارت را درست
بکنیم این هیچ لازم نیست بجهت اینکه وزارت خانه
رؤسایش همانطور که قای رئیس فرمودند باید
بصحه همایونی موشح شود البته بمقامات عالیّه پیشنهاد
شود ولی اجزاء اداره و عده شان را هیچوقت لازم
است بمقامات عالیّه بر نرود نه لازم است بمجلس یا آوردند
فقط مجلس می تواند بگوید فلان اداره باشد یا
نباشد ولی عده و اجزاء اداره و قهوجی و غیر ذلک
و نوکر را که هیچوقت نمی آوردند بمجلس آنها را
خود وزیر معین می کند فقط بودجه او را باید بمجلس
تصویب کند و وزیر هم باید بکند و رامین بکند که
لازم است ولی هیچوقت عده اجزاء اداره را نباید
بیاوردند بمجلس که تصویب کند بنده عقیده ام اینستکه
یا بودجه بگذارند یا اینکه آنجا عبارت آخر را باید
برداشت و این عبارت اصیاب زحمت خواهد شد .

رئیس - پیشنهادی شده است از طرف
آقای ممززالملک خوانده میشود [بعضیون ذیل قرائت شد]
ماده ۴ - عده مباشرین ثبت در هر محل و حوزّه
محکمه ابتدائی منوط بمقتضیات محل و کثرت وقت
کار و کیفیات حوزّه مذکور می باشد و آئینده را
وزیر عدلیه با موافقت وزیر مالیه و وزیر داخله معین
نموده اعتبارات لازمه را از مقامات متصدیه درخواست
می نماید .

ممززالملک - بکمیته ای از این پیشنهاد
راجع است بفرمایش آقای لسان الحکماء که فرمودند
در این مورد که تأسیس اداره ثبت اسناد می شود
باید عده نفوس معین شود مخصوصاً اینکه کلام بر بنده
در آنجا اضافه کردم بکنند دیگر هم در اینجا هست

از این عبارت همچو مفهوم میشود که عده مباشرین را هم
در یک وقتیکه مقتضی باشد وزیر عدلیه باید بیاید
در مجلس و تقاضا کند اجازه بگیرد آن نکته که آقای
مغبّر می فرمایند بیکجهتی صحیح است یعنی از این نظر
که بعد از آنکه در یک ملکیتی بوده صحیح باشد
اگر بخواهند که بنظر را زیاد بکنند چون مستلزم
یک خرجی خواهد بود باید بودجه آنرا از مقام
مقنن تقاضا و اجازه بگیرند ولی نمی توان این نظر را
داشت که نه از حیث خرج از حیث خود عده باید از
مجلس اجازه گرفته شود والا تمام وقت مجلس باید
صرف اجازه دادن و نازیدن و کم کردن اعضاء از
برای وزارت خانه ها بشود بنده فقط آنجا اضافه
کردم آن اعتبارات لازمه را که وزیر عدلیه باید بیاید
از مجلس تقاضا بکند بجهت اینکه وقتی که بودجه
گذشت بیاید بمجلس چون بودجه میگذرد از برای
یک عده معین و خرجش هم معین است اگر بخواهد
خودش نظریات در بودجه نماید قانوناً ممنوع است
فقط در هر جایی قانون معین کرده است بهمان قسم
اجرا می کنند در خود بودجه که نمی توان خودش
تصرف بکند و از آنجا بیکه در خود بودجه نمی تواند
تصرف کند لابد فقط آن خرج را بجهت آن مباشرین
که بوده اند گذاشته اند و این مقصود هم توضیح میشود
که این فقط اجازه بشود برای خرج .

آقا شیخ ابراهیم - در لایحه وزیر یک نظر
شده است و ما غافل از آن نبودیم و مطلق نوشته ایم
در این ممکن است چون اولاً عده نفوس که نداریم که
کثرت وقت معلوم شود ثانیاً در یک جایی با وجود
اینکه عده اش کمتر است از جای دیگر مقتضیات مسا
می شود مقتضیات او تقاضا بکند که آنجا مباشرین
ثبت بیشتر باشد این است که مطلق نوشتم نظر
بمقتضیات محل این منوط میشود بکثرت وقت دعوا
یعنی اسناد مقصود عده نفوس نیست ممکن است
کثرت نفوس باشد وقت دعوا یا بالعکس قلت نفوس
کثرت دعوا این عبارت شامل همه است اما در باب
اعتبارات که میفرمایند مباشرین ثبت را با اعتبارات
معین بکنند این را بنده ندانم اعتبار برای کلیه
اعضاء ثبت اسناد بخواهند از مجلس

ممززالملک - بنده عرض نکردم اعتباری
برای کلیه اعضاء ثبت اسناد بخواهند ولی وقتی که
یک مباشر و عده بخواهند اضافه کنند این یک اعتبار
یعنی یک خرجی را مستلزم است اعتبار یعنی خرجی
را بخواهند یک اعتباری وزیر مالیه میخواهد و لازم
است از مجلس شورای ملی بوزارت عدلیه داده شود

آقا شیخ ابراهیم - این عده مباشرین هر
ملکیت را میگوید و آنجا عده مباشرین حوزّه را
معین کرده است .

رئیس - کسانی که پیشنهاد آقای ممززالملک را
تصویب میکنند قیام نمایند [قابل توجه شد] .
آقا میرزا مرتضی قلیخان - همه تصوری
کنند که پیشنهاد وزیر از تمام این پیشنهاد ها اکل
و بهتر است بنده پیشنهاد میکنم که بهمان پیشنهاد
وزیر رای گرفته شود و شرحش را هم عرض می کنم
که معلوم شود خیلی جامع تر است از این رایورت
کمیسیون بواسطه اینکه این مسئله اعتباری که آقای

ممززالملک پیشنهاد کردند بنده تصویب نمی کنم
بجهت اینکه همیشه مثل اسناد نیست که بودجه ای ثبت
تا امروز که ۱۵ روز باول حمل مانده است
و هنوز بمجلس نیامده است این مسلم است بودجه
ما بیش از حد خواهد آمد بودجه که پیش آمده عده
معین شد دیگر محتاج باعتبار نخواهد بود این
واسطه باید که در همان بودجه اش عده را معین
بکنند و از روی بودجه که مجلس معین کرد تکار
بکنند اگر مصرف فوق العاده پیدا شد وزیر میتواند
که خودش که اعتباری بخواهد و در وقت گذراندن
بودجه خود وزیر حاضر است و کمال جد و جهد
را می کند که اینطور بیکه لازم است بودجه را
بگذراند و معین کند پس محتاج بان اعتبار نخواهد
بود و اما باعتبار کثرت وقت جمعیت که در پیشنهاد
وزیر است این خیلی لازم است یک چیز خوبی است
و مخصوصاً باید که این قید شود و اگر قید نشود
معلوم نمیشود که عده در هر محل چند نفر و تا چه
میزان معین خواهد شد اینرا هم میفرمایند که عده
نفوس معین نبوده بنده عرض میکنم که همه جاهم چو
نیست که عده نفوس معین نباشد نهایت بطور تحقیق
معین نباشد بطور تخمین و تقریب ممکن است معین
کرد که در فلان محل جمعیتش چقدر است
و این تعیین عده ثبت اسناد بتقریب چندان عیبی
ندارد و چندان محل نظر نیست پس بنده پیشنهاد
میکنم که به پیشنهاد وزیر رای گرفته شود .

آقا شیخ ابراهیم - بر پیشنهادیکه کمیسیون
داده است رای بگیری نهایت آن آخرش را
حذف بکنید یعنی ممکن است همان مقتضیات محل
این را هم شامل بشود هیچ وزیری با تصویب
وزیر دیگر کار ندارد یعنی با موافقت وزیر
کار دارد .

(پیشنهاد وزیر مجدداً قرائت شد پیشنهاد کمیسیون نیز
باصحاف جمله آخر قرائت شد در این موقع آقای ذکا
الملک ماده پیشنهاد کمیسیون را با نظر اصلاح کرد
بعضیون ذیل قرائت گردید)

ماده ۴ - عده مباشرین ثبت در هر محل محکمه ابتدائی
و حوزّه آن منوط بمقتضیات محل و کیفیات حوزّه مذکور
می باشد و آئینده را وزیر عدلیه با موافقت وزیر مالیه و
وزیر داخله تعیین مینماید .
رئیس - رای بگیری باین پیشنهاد با این
اصلاح کسانیکه موافقت قیام نمایند (با کثرت تصویب
شد لایحه وزیر فصل دوم در مباشرین ثبت ماده ۵ -
مباشرین ثبت باید شرایط ذیل را دارا باشند) (۱)
تبعه ایران باشد (۲) خط و ربط و سواد فارسی را
باندازه کافی دارا باشند (۳) سن شان کمتر از ۲۵
سال نباشد (پیشنهاد کمیسیون) فصل اول در مباشرین
ثبت و حقوق و تکالیف آنها ماده ۵ - مباشرین ثبت
باید دارای شرایط ذیل باشند

(۱) تابعیت ایران (۲) مذهب اسلام (۳) سن آنها
لااقل ۲۵ سال باشد (۴) دادن امتحان بطوریکه در
ماده ۱۴ مقرر است .

حاج سید ابراهیم - برای اینکه خیلی
مذاکرات نشود آن ماده ۱۴ که بعد از این باید ذکر شود
اینجا میخواهم به شغل مباشرت ثبت باشخاصی تفویض
میشود که قبلاً امتحان سواد فارسی و دانستن قوانین و
نظامنامه راجعه به ثبت اسناد را کالدر حضور رئیس

محکمه ابتدائی و مدعی العموم آن محکمه و مدیر ثبت
داده باشند و پروگرام آن امتحان را وزارت عدلیه مرتب
و برای اطلاع اهالی درج نماید محل اعلان مینماید پس
چیزیکه در ماده ۱۴ است همان امتحان سواد فارسی است و
نظامنامه این ثبت اسناد است ولی بنده عرض میکنم که یک شرط
مهمی در اینجا هست آن اینستکه باید بطریق تعریفات
شرعیه و معاملات باشد بجهت اینکه فرض از مباشرت ثبت
استاد نه فقط نوشتن و خواندن احکام باشد از روی کاغذ
در حقیقت مقصود جلوگیری از بعضی تقلبات و از
احکام ناسخ و منسوخ و احکام ساختگی است پس اگر
مدیر ثبت اسناد با مباشرین اطلاع نداشته باشند که تالیه
خانه را که معامله بایش طی شده با مصالحه نامه آیا
مضار و غیره را چه شکل مینویسند البته آن نظر را نخواهند
داشت و نخواهند توانست که این اسناد را تمیز بدهند
از جعلی و غیر جعلی و بعضی اسنادیکه تصرفاتی در آن
شده است با ساختگی شده است خود اطلاع از فقه و معاملات
سبب میشود که صحت و سقم اسناد را بدانند اگر چه این
اسباب میشود و کلیه ندارد ولی علم او کلیه سبب میشود
حالا تعجب میکنم که اطلاع از معاملات و ترتیب تعریفات
شرعیه و اسناد متداوله را هیچ اینجا شرط نکرده اند و
نمی دانم سبب چه چیز است لهذا بنده عرض میکنم خوب
است این شرط را زیاد بکنند که اطلاع از فقه و معاملات
داشته باشند .

آقا شیخ ابراهیم - اولاً در موارد دیگر
ذکر خواهد شد که مطلع باشند از قانون ثبت اسناد
تنظیمات در آنها ثانیاً مباشرین ثبت دو نظر دارد
یکی اینکه این سند بطوری که نوشته شده است
ترتیباً بیکه در سند باید مراعات بشود مراعات شده
است که این سند چطور است قلم برده شده و حک
و اصلاح شده است یکی اینکه اینجق است یا باطل
است این تکلیف از ثبت و نمیتواند تمیز بدهد مباشر
ثبت ولو هر دو باشد حق اینست که این صورت را
که مینویسد همچو صورتی بدون قلم زدگی بدون
حک و اصلاح بر میدارد مینویسد و اینقدر باید بفهمد
که غلط ننویسد سواد کاغذ را بر دارد و فلان مهر را
بزند و امضاء بکنند دیگر اجتهاد بکنند که اینجق
باضل است اینها حق و شان او نیست .

میرزا یانیس - بنده خیلی تاسف میخورم
که در شرایط قبول کردن مباشرین یک اداره که
چندان اهمیتی ندارد یک چنین شرایطی داشته
باشد که هر کسی از مذهب اصلا نیست داخل در آن
عمل نباشد بنده خیلی خوشحال میشدم که جزمین
یکی از آقایان اینجق را اینجا بزدند ولی چون
اول بنده این اجازه را خواستم اینستکه بنده عرض
میکنم و آن فرمایشی را که آقای حاج سید ابراهیم
کردند بجهت مباشرین ثبت اسناد بنده آنها را
بکلی نمی توانم قبول کنم از قرار فرمایش آقا
مباشر ثبت اسناد باید یک فقیهی باشد
بنده هیچ لازم نمی دانم در مباشر ثبت یک سندی
می آوردند که این سند صحیح است یا نه اگر اشکالاتی
داشت در فلان محل فلان مجتهد با فلان قاضی را فلان
محکمه می برسد و از وضع اشکال میکنند اینستکه
می برسد از فلان آقا که این صحیح است یا نه این را
شما مهر کرده اید یا نه جز این تکلیفی ندارد اولاً
اینکه یک مقداری که دولت حقوق معین کرده بول
میکرد و بول را بصندوق دولت تحول بدهد اما

یک نفر قاضی آنجا گذاشتن هیچ صحیح نیست و بجهت
این مسئله که کسی از مذهب اسلام نباشد نتواند داخل
این ادا باشد بنده آنرا به یک درجه نازلیم می بینم
ما باید عاقبت الامر باین اهالی که در این ملکیت
زندگی میکنند بفهمانیم که شما با ما مساوی هستید
هیچ لازم نیست که در هر چیز بیکه نوشته میشود چه
در قانون اساسی چه در غیر قانون اساسی همیشه آنجا
ذکر کنند که باید مسلمان باشد اگر ایرانی است
کافی است که کافی است و اگر کافی نیست پس یک
دوم اعلان بکنند هر کس در این ملکیت مسلمان
نیست آنها اسیر ما هستند ما با آنها مساوی نیستیم
آقا شیخ ابراهیم - نظر بحقیقت مذهب
نبوده ما این را مانع نمی دانیم کسانی که داخل در مذهب
اسلام نباشند در ادارات داخل نباشند ولیکن چون
در اینجا اسناد بود و غالباً اهل اسلام بترتیب اسناد
اطلاع و آگاهی دارند از این جهت این جمله را اینجا
نوشتم و الا حرف مباشرت ثبت اسناد چندان مخدبیتی
در مذهب ندارد .

آقا شیخ علی شیرازی - بنده تعجب میکنم
از فرمایش آقای میرزا یانیس از این جهت که در قانون
اساسی مندرجیم که باید در همه چیز اسلامت شرط
باشد بلی در مسئله انتخابات داریم مرند نباشد آنها هم
از برای غیر فرق مختلفه و اما اطلاع اینجا لازم است
که داشته باشد و یک مسئله دیگر هم بنده میخواستم
عرض کنم که راجع بسن ۲۵ ساله بنظر می آید که
پس سن هیچ معین نشود بنا اگر معین میشود ۲۰
سال باشد .

وکیل التجار - بنده گمان میکنم که این
مسئله اگر بکنند تجزیه شود رفع این اشکالات
بشود آن فرمایشانی که آقای حاج سید ابراهیم کردند
بنده آنرا تصدیق میکنم ولی برای هر مدیر که
وقتی که سندی را ملاحظه میکند باید اعضاء که
مهر دولتی به رسمه که باشد مهر اداری را بزند و
باید ملتمس و متوجه این نکات باشد یعنی او باید بداند
که اسنادی که در خارج نوشته شده است با امضاء
هنما رسیده است و می رود آنجا فقط منحصراً ثبت
اسناد نیست خیلی اسناد هست که در آنجا نوشته و
همانجا امضاء می شود این است که باید بداند که این
با قوانین مملکتی و اسنادی که لازمه قوانین اسلامی
است مطابق است یا نه آن مدیر باید دارای این
سمت باشد ولی برای سایر مباشرین مستخدمین اداره
آنها باید ثبت کنند بنویسند فقط سواد بر می دارند مثلا
آن کسیکه باید ثبت کند در دفتر و فرستد عین
آنرا یا سواد آنرا باید بنویسد اینجا اشخاص دیگر
لازم نیست که دارای آن شرایط باشند ولی برای
مدیر لازم است که آن شرایط بشود و اگر آنرا تجزیه
بکنند بهتر است

ارباب کیمخسرو - بنده گمان میکنم که آن
اظهاریکه آقای میرزا یانیس کردند خودش کافی بود
برای جواب آقای وکیل التجار برای اینکه ایشان
مطلب صحیحی را عنوان می فرمایند که باید معلوم
شود که این شخص باید فقه باشد یا نه اگر باید فقه
باشد آن مسئله دیگری است آنرا هم بیهوده ندارد
عیب ندارد که دیگران معرجم نامند از این خدمت

پس بندهم هیچ اشکالی نمی بینم و عرض می کنم چون در تمام موارد اشخاصی که غیر از مذهب اسلام هستند و تمام قوانین اسلام را صحیحاً می دانند اگر مطابق قانون اسلام می توانند رفتار بکنند اینجا هیچ مانعی برای آنها نیست چنانچه در هندوستان می دانید که سایر طوایفیکه قوانین اسلام را صحیح می دانند و امتحان هم می دهند داخل خدمت میشوند نمی دانم که در این جا این اسباب پاس در ابتدای تشکیل قوانین عدلیه چرا فراهم می آید برای سایر فرق که در اینجا هستند .

آقا شیخ ابراهیم - بنده عرض میکنم این کلامه باین نظرها در اینجا نوشته شده که اعضا اداره ثبت اسناد باید از ترتیب اسناد متداوله اسلام مطلع باشند و کسانی که مذهب اسلام را دارند بهتر از ترتیب اسناد مطلع هستند والا اگر کسی غیر اسلامی باشد و از ترتیب اسناد متداوله اطلاع داشته باشد خیلی کم است و این هم یک کار بزرگی نیست فقط بیانی است و باید بداند که اگر یک سندی را چه یک سکه باشد که برخلاف شرع است آوردند رد بکنند و ثبت نکنند اما اینکه تحقیقات بکنند که این سند صحیح است واضح است که این حق اوست سندی است می بیند در صورتیکه منافی با ترتیبات شرع است ثبت نمیکند و اینکه فرمودند سن شان ۲۵ سال باشد نیست بقرینه اعضا کمیسیون این اندازه سن برای اینکار خیلی زیاد بنظر می آید و همینطور هم هست برای اینکه اگر اینجا ۳۰ سال بنویسیم باید برای عضو محکمه ابتدائی ۴۰ سال بنویسیم آنوقت برای عضو محکمه استیناف چقدر باید بنویسیم اینها بسته به درجات و اهلیت کار است

ذکاء الملک - بنده در این مورد عرض نداشتم قطعی خواستم عرض بکنم که اگر ما بخواهیم مذاکره ماده ۴ را با این ماده بهم مخلوط کنیم از این مذاکرات نتیجه نخواهیم گرفت و این امر را که آقای حاج سید ابراهیم فرمودند اگر جا داشته باشد باید در آنجا مطرح کرد

آقا سید محسن مدرس - عرض اینستکه ما از آن راهیکه اموراتمان فاسد شد از همان راه باید اموراتمان را اصلاح بکنیم در مملکت ایران برادر بودند که اینها با هم میانیت داشتند ایرانیان قدیم - نصاری - زرتشتیان - مسلمانها بواسطه اینکه اینها با هم میانیت داشتند مملکت از دست رفت بجهت این اساس مقدس این میانیت بگلی باید رفع شود تا آن خرابی ها را که می دانید بر گردد آباد شود تا اینهم نشود ممکن نیست بجهت اینکه فساد کارها میانیت یک اصل مملکت بود از یک دیگر فوه هم که تجزیه شد البته خرابی وارد خواهد آمد و اینستکه حقیقت اسلام که مأمور بوده ایم منتها بآن عمل نکرده ایم و حالا که بیدار شده ایم میخواهیم بآن عمل بکنیم الا اینکه یک مسئله بر برادران وطنی که حاضرند از اسرائیلیان که حاضر نیستند مخفی است و آن اینستکه اگر من عمامه سرم هست و دیگری کلاه ما با هم دوتا نیستیم من من یک صنعتی دارم و اقتصادی صنعت من این است که عمامه سرم باشد آن یکی دیگر یک صنعتی

دارد که انتضای کلاسه است پس اینها از تباین ما است از اختلاف صنعت ما است بقرین است که که کلیه ادارات که در مملکت بر پا می شود باید ملاحظه پیشرفت را کرد بدیهی است اگر تمام ادارات کسر کرد یا مالیه و غیره تمام اعضایش از برادران وطنی ما باشند هیچ منظوری در پیشرفت و اجرای قانون پیش نمی آید اما اگر من قاضیم در یکی از محاکم و از قضاة شرعیه هستم منتهی خودم را اگر یکی از برادران وطنی که در مذاهب دیگر هستند انتخاب بکنم کار از من پیشرفت نمی کند و اینرا گمان نکند که برای میانیتی است که در اینجا است بلکه مناسبت کار انتضا ندارد که من سرتیب و سرهنگ باشم پس باید بگویم من محروم از خدمت دولتی برای اینستکه من مناسبت ندارم که سرتیب و سرهنگ باشم برای محرومیت از شغل دولتی نیست لهذا باید من این مسئله را از گوش آقایان بپرسم بکنم که تمام این اختلافات اوصاف و افعال است طه اگر یک کسی پیدا شد که واقفاً همان صفات را مطابق انمول با نامل پیدا کرد البته اینها هیچ مزاحمتی ندارد و با اینکه او را قبول بکنیم و این شرط را گمان بکنند که از باب محرومیت است مثلا اگر مایک اداره تاسیس کردیم و گفتیم که تمام اعضایش از ملت متوجه باشند آنوقت مسلمانها باید بگردند که این مساوات نیست برای اینکه ما را محروم کرده اند محکمه عدلیه هم چنین اجراء عدلیه مرجع قضاوت و مرجع مطالبی هستند که رجوع الی مطالب دینی آنها این مناسبت با مملکت متوجه ندارد و بالنسبت فعل و وضع این شرط را می کنیم و این ابداء محرومیت نمی آورد از برای حقوق و نه از برای اینستکه سایر ملل با ملت اسلام مساوی نیستند تمام مللیکه در در ایران هست همه باید با هم مشغول خدمت مملکت خودشان بشوند تا اینکه مفاسدیکه در این مملکت هست رفع شود و مادر باب سن من نمی دانم ماها که مقلدیم در کارهای خودمان چرا در سایر کارهای خوبیکه سایر دول میکنند تقلید نمی کنیم بریزوز اینجا بخواهیم که سرهنگ مملکت شوند کمتر از شصت سال ندارد چرا بجهت یک عملیاتی که برای آن کار لازم است و برای این که فوه مافله اش قلبه داشته باشد بر تمام فواید دفتر را که شما میگویند که محل اطمینان و اعتبار اسناد قلب است و مجمع امانات تمام مردم است ۲۵ سال سن را برای اجراء آن قبول ندارم .

افتخار الواعظین - بنده عرض می کنم که بدیهی است که مباشرین اداره ثبت اسناد جز مستخدمین دولتند و از برای استخدام دولت فقط شرطیکه باید بشود همان تابعیت ایران است و امانات و اطلاعات را چه بآن کار و سن باشد هیچ مذهب را در استخدام دولت نباید مدخلیت داد و اگر چنانچه این اداره یک ارتباط تمامی پیدا می کرد با عدلیه و با قضاوت و وجه من الوجوه مربوط قضاوت و مربوط ب حکومت عدلیه نیست یک سند بر می آوردند پیش این شخص از قبیل سند اجازه با صلح با چیزهای دیگر او ملاحظه میکند ثبت میکند و اصلش را با احتیاط رد میکند

کاشف - خیلی مناسب و لازم بود که وزیر یا آقای مشیر الدوله که در این باب خیلی زحمت کشیده اند و اطلاعات دارند اینجا تشریف داشته باشند تا اینکه اصل مقصود از تاسیس این اداره را با آقایان بفهمانند که مقصود از این تاسیس و این قانون چیست بنده گمان میکنم که بر تمام آقایان پوشیده نیست که چه اندازه مفاسد از اسناد دیده شده است و چقدر ضررها از آن فاسد متوجه مردم شده است این قانون بجهت جلوگیری از آن مفاسد جلوگیری از سوء ممالاتی است که تا بحال واقع میشده است و اینکه آقای مخیر فرمودند که این اداره آن قدر اهمیت ندارد بنده برخلاف فایش ایشان این اداره ثبت اسناد را خیلی مهم میدانم و گمان میکنم این اداره همینطوریکه نوشته شده است اگر اجرا بشود جلوگیری از خیلی مفاسدی که در معاملات اشیاء متداوله در این مملکت پیدا میشود برای اینکه مکرر دیده شده است که یک ملکی را بکنفر میفرشند یا انتقال میدهند و در همان حال باوث دیگر میتوان ببنودن این قانون همان ملک را ببد دیگری انتقال بدهد در صورتیکه هیچکدام از اشخاصیکه طرف معامله هستند اطلاع ندارند پس یکی از فواید اداره ثبت اسناد همین است که یک معامله و وثیقه واقع شد و سند آن ثبت شد اگر خواسته باشد صاحب ملک دومرتبه آن ملک را به اسم دیگری قبلا بکند باید باین اداره اطلاع بدهد و این اداره وثیقه سند پیش را ثبت کرده

و دیگر به بوجه مربوط باینکه به بنده این ماماه صحیح است و در خارج واقع شده است است یا واقع نشده است نخواهد بود یعنی از وظیفه مباشر ثبت نیست وظیفه او همین است که به بنده سند بر آ که آورده اند راجع بیک چیزی باشد که شرعاً ممنوع باشد باینکه سندی را خوب ملاحظه بکنند و به بنده قلم خورده و محکوم نباشد مثلا اگر سندی راجع به بیع ربوی نزد او آورده اند که بیهربوی در مملکت واقع نمیشود و آن سند را ثبت نکنند اینستکه بنده این شرط را برای مباشرت اینکار زائد می دانم .

محمد هاشم میرزا - اگر چه بنده هم هیچ تصور نمی کردم که بعد از آن بیانات وافی که آقای مدرس کردند دیگر محتاج بدانکاره باشد ولی معلوم میشود که آقای افتخار الواعظین درست گوش نداده اند بجهت اینکه مذاکرات متناسب بود البته مناسبت در هر کاری مدخلیت باید داشته باشد و همینطور که فرمودند هیچوقت من نباید توقع باشم که ما سرهنگ بکنیم اینست که بنده هم عقیده ام اینست که بجهت پیشرفت امور لازم است که این شرط نوشته شود و اما در مسئله سن بنده با آقای مدرس عرض می کنم در همان مملکت سوئد که میفرمایند فقط در نشون صحت سال سن شرط است برای شغل سرهنگی و الا از برای و کیش ۳۰ سال را کافی دانسته اند و بنده از اشخاصی هستم که عقیده شان اینست که ۲۵ سال کافی است بجهت اینکه شرط بزرگ این کار داشتن معلومات او است و در ۲۵ سال ممکن است تحصیل کرده پیدا بشود خصوص در این اوقات که می بینیم اغلب جوانهای ۲۵ ساله مابعد بلوغ و رشد رسیده اند و خیلی کارهای بزرگتر از این را میتوانند اداره بکنند و نباید آنها را محروم کرد و اگر بخواهیم سن را منحصر به ۳۰ و ۴۰ بکنیم از معلومات خیلی از اشخاص نمیتوانیم بهره ببریم .

است دیگر آن سند را ثبت نمیکند و نمیکند آن معامله واقع بشود پس مباشر ثبت اسناد باید باندازه از علم اطلاع داشته باشد که بتواند جلوگیری از این ممالی بکند والا آن مقصودی که از وضع مخیر و بعضی از آقایان فرمودند که باید بطلب اهمیت ندارد بنده برخلاف اشتغال با خیلی مهم میدانم و نباید تصور نمیکند که کسیکه مباشر اینکار است بدون اطلاع فقهی بتواند از مفاسد اینکارها جلوگیری نماید و خیار افسوس می خورم از اینکه آقای مشیر الدوله تشریف ندارند تا اینکه در اینخصوص توضیح بدهند که را اظهار نمایند و در اینخصوص توضیح بدهند که بجهت جلوگیری از بعضی ترتیباتیکه خرابی عدلیه بجهت همان ترتیبات و آن سوء معاملات بوده است این اداره را میخواهند دائر بکنند .

است دیگر آن سند را ثبت نمیکند و نمیکند آن معامله واقع بشود پس مباشر ثبت اسناد باید باندازه از علم اطلاع داشته باشد که بتواند جلوگیری از این ممالی بکند والا آن مقصودی که از وضع مخیر و بعضی از آقایان فرمودند که باید بطلب اهمیت ندارد بنده برخلاف اشتغال با خیلی مهم میدانم و نباید تصور نمیکند که کسیکه مباشر اینکار است بدون اطلاع فقهی بتواند از مفاسد اینکارها جلوگیری نماید و خیار افسوس می خورم از اینکه آقای مشیر الدوله تشریف ندارند تا اینکه در اینخصوص توضیح بدهند که را اظهار نمایند و در اینخصوص توضیح بدهند که بجهت جلوگیری از بعضی ترتیباتیکه خرابی عدلیه بجهت همان ترتیبات و آن سوء معاملات بوده است این اداره را میخواهند دائر بکنند .

آقا شیخ ابراهیم - من نفهمیدم که کجای این ماده را میخواهند تغییر بدهند میفرمایند کسیکه بیست و پنج سال سن داشت و تمام شرایط در آن موجود و امتحان هم بطور خوبی داد ما او را نپذیریم بجهت اینکه سنش بیست و پنج سال است اگر ما بخواهیم برای یک نجاتی سی سال سن شرط بکنیم پس برای رئیس محکمه چه مقدار سن شرط خواهیم کرد بقرینه بنده بنده بیست و پنج سال سن خیلی زائد است برای اینکه ما دیده ایم اشخاصیکه کمتر از این سن دارند از همه این امتحان بر می آید و دارای این شرایط هستند و خیلی هم بکار هستند و این بیست و پنج سال را بجهت احتیاط فید کرده ایم و از بیست و پنج سال زیاد ترجیح جانی نیست اما در خصوص مذهب اسلام عرض کردم که در اینجا نظری نبود است برای اینکه اینکار نفقات لازم دارد و نه تحقیقات لازم است بکنند برای اینکه اینکار همینقدر است که یک سند را پیش او خواهند آورد و او همینقدر که دید ترتیبات شرعی او صحیح است و محکوم نیست ثبت می کند دیگر اینکه این مباحثه با مصالحه با چیزهای دیگر در خارج آبا واقعه شده است یا خیر این از وظیفه مباشرت نیست و ربطی هم با ندارد اینکار محاکم عدلیه است که این تحقیقات را بکنند .

ارباب کیهن خسر - بنده خیلی تشکر می کنم از آن اظهارات اوله آقای مدرس که فرمودند مردم ایران عیب شرعی مملکت خودشان را فهمیده اند و در مقام این بر آمدند که رفع و اصلاح آن خرابیها را بنمایند ولی متأسفانه این عنوان باز یک اصیابی برای همان خرابیها خواهد شد برای اینکه شرط فقاوت لازم نیست و کسی از ثبات دانا بودن درجات عام شرع را منتظر نیست اگر چه خوب میدانم و اطلاع دارم که آقایان مسلمان هستند و کالت دارند پیش از هر خارجه ملاحظه ملل متوجه را دارند و کمال تشکر را از ادراکشان دارم ولی عرض میکنم که قسمی در قانون نباید عنوان کرد که در خارج سوء اثر داشته باشد عرض می کنم که تمام شرایط را باورند در قانون مثلا بگویند این شخص باید درجه عدلیه چقدر باشد درجه فقهی چقدر باشد اما همینقدر بنویسند که ایرانی باشد آنوقت خود آن شرایطیکه قرار میدهند مانع خواهد شد از

داخل شدن هر مسلمان در اینکار و این سوء الزام را نخواهد داشت .

حاج امام جمعه گمان میشود که در مطلب یک مختصر اشتباهی شده است اگر دو نماینده در برابر ملاحظه فرمایند از اول تاسیس مشروطیت تمام هم مایلین بوده است که با برادر های خودمان مساوی باشیم و نمیتوانند بفرمایند اینطور نبوده است لیکن یک کلمه اینجا اشتباه میشود او اینستکه در شرع اسلام منصب قضا را بیک اشخاص معینی داده اند و ما مخالف شرع اسلام نمیتوانیم تصرفاتی بکنیم و اگر مقصود از تاسیس این اداره اینست که ما اینها را کرائی که شده است غالباً از روی اشتباه بوده است مقصود از تاسیس این اداره این است که اسنادی را که با آنها میبرند این اداره یک نیتی از روی آن بردارد و هر وقت یک سوادى در موقع لزوم از این اداره بیک محکمه برود آن محکمه او را سندیت بدهد و او را شرعاً مقیم بداند و از روی آن حکم بکند و چون مقصود اینستکه بنده این فید را زائد نمیدانم و پیش از این هم میخواهم شرح بدهم ولیکن همینقدر بدو برادر عز و خودمان میگویم که تمام هم مایلین است که تمام ماها یکی و مساوی باشیم .

رئیس - مذاکره کافی است حالا باید رای بگیریم .

حاج شیخ رئیس - کافی نیست باید باز هم مذاکره کرد .

رئیس - پس رای میگیریم در اینکه مجلس مذاکرات را کافی میدانند یا خیر کسانیکه مذاکرات را در این خصوص کافی می دانند قیام نمایند [اغلب قیام کردند]

رئیس - مجلس مذاکرات را کافی می دانند حالا رای میگیریم باصل ماده کسانی که ماده ه راپورت کمیسیون را تصویب می کنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند و با اکثریت تصویب شد)

ماده ۴ لایحه وزیر قرائت شد این عبارت اشخاص ذیل نمی توانند مباشر ثبت معین شوند الا اشخاص خارج از رشد و آتیهائی که در تحت قیمومت شرعی هستند تا آنجا اشخاصی که غرضشان از دین حنیف اسلام در حضور یکی از حکام شرعیه است شرایط به قبول رسیده تا آنرا در شکستگان بقرینه امر تکبیر قتل و سرقت و مقصرین که مستوجب مجازات قانونی اسلامی شده اند و معروفین بارتکاب قتل و سرقت و قهره که شرعاً بر ائمت خود را حاصل نکرده باشند .

پیشنهاد کمیسیون ماده ۴ اشخاص مفصله ذیل نمی توانند مباشر ثبت معین شوند اول اشخاصی که در تحت قیمومت شرعی هستند تا آنجا و شکستگان بقرینه تا آنجا مرتکبین جنایات از قبیل قتل و سرقت و قهره و معروفین بارتکاب جنایات که شرعاً بر ائمت خود را حاصل نکرده اند .

اینکه قتل نکرده است قتل کردن هیچ ربط باینکار ندارد حالا در قانون دولتی معتبر باشد که هیچیک از مستخدمین دولتی نباید مرتکب جنحه و جنایت و قتل باشد اینقدر ندارد باید جهات مضربه ثبت را ملاحظه کرد مثلا معروفین متقلب و جنایات است و معروفین بکافه سازی و قبودیکه راجع باینکار دیگر شرط دیگر که در پیشنهاد وزیر هست که آنها که مورد مجازات قانونی اسلامی شده اند و این حذف شده است خوب است آقای مخیر توضیح بدهند که بجهت آنجهت حذف شده است .

آقا شیخ ابراهیم نجفانی - اگر بنا باشد لفظ خیانت نوشته شود خیلی چیزها باید نوشته شود جنایات اعم از اینهاست و همه را شامل است مستوجب مجازات قانونی شده باشد کافی است قانون اسلامی بالنصوص لازم نیست فید شود بجهت اینکه ممکن است مجازات شده بواسطه قانون اداری با واسطه قانون اسلامی پس همینکه مطلقاً واگذار کنیم کافی است و بقیه دیگری لازم نیست و همین در شکستگان بقرینه و قهره اینها جزء جنایات است فید دیگری ندارد و در خصوص فید خروج از دین حنیف اسلام این در ماده پنجم که فید کردیم لازم نیست که در اینجا تکرار شود و تمام تقصیرات بزرگ داخل لفظ جنایت است .

شیخ رئیس - بنده از یک نقطه نظر که حفظ حقوق نوعیه باشد شوال می کنم که اگر کسی بقانون شرعی یا بقانون دیگری حالا چون نظر بقانون شرع بیشتر است بآن نظر بنده عرض می کنم که ما نباید از خدا سختگیرتر باشیم بر بندگان سختگیرتر نباید باشیم یعنی کسانی که امثال خودمان هستند بقانون اسلامی ملکه قانونی که در تمام ملل متوجه جاری است که هر کس گناهی کرد با آن طریق که معین است توبه کند و استغفار کند و مثلاً اجرای حد هم باو شد او داخل التائب من الذنب کمن لا ذنب له است یعنی کسیکه توبه کرد از ذنب مثل کسی است که گناه نکرده است دلیل اینکه اگر یک کاری کرد مستحق حد شد و هشتاد تا زیاده در ملاه عام باو زندان بد مدت هم گذشت و از این کرده هم پشیمان شد و این پشیمانی هم نه بر حسب ظاهر بلکه بر حسب باطن واقعا نادم شد و کسب اخلاق حمیده نموده اینرا محرومی کنیم چیست این مثل اینستکه یک کسی یک وقتو مرض شد مرض بمران کرده آنوقت خوب شده باز همان نظر باو نگاه نکنند که مرضی بوده و معامه مرضی محرقه و مطبوعه باو بکنیم بنده اینرا از عدالت دور می بینم .

آقا میرزا ابراهیم خان - اینجا چنانچه ملاحظه می فرمائید اشخاص مفصله ذیل را استثناء میکنند اول اشخاصیکه در تحت قیمومت شرعی هستند نظر بماده قبل که میکنیم بنویسند کسانیکه می توانند مباشر ثبت باشند باید دارای شرایطی باشند منجمه نوشته است که سن شان لاقل باید ۲ سال باشد حالا اینجا فید میکنم که آنها در تحت قیمومت شرعی هستند بنده از آن ماده پنجم دیگر

محتاج باین ماده در اینجا نیست و بنده ایضا زائد میدانم .

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - ممکن است ۲۵ سال داشته باشد و مجنون باشد و در تحت قیمومت شرعی باشد .

میرزا ابراهیم خان - اگر سقیمه است ممکن است ۴۰ سال هم داشته باشد و سقیمه باشد .

ارباب کیخسرو - بنده می بینم اینجا تمام شرایط در تحت این ماده ذکر شده است مگر وکالت مجلس و بدبختانه می بینم این مسئله قید نشده است و کلا در ادارات خدمت نکنند اسباب این شده است که می بینم بعضی از وکلاء در بعضی از ادارات مشغول خدمت می شوند و اسباب اطلاع اسناد میشود و هر وقت هم که از آنها می پرسیدند که چرا در اداره دیگر مشغول خدمت هستید جواب میگفتند که ما موظفاً لازم است قید شود .

حاج شیخ الرئیس - بنده از بهمان نظر که عرض کردم ناچارم عرض خودم را بکنم ولو اینکه در نظر اکثریتی که خودم تصدیق کرده ام قابل توجه نشود و از عقیده خودم صرف نظر کنم در اینجای نویسد و کمال عدلیه نباید مباشرت اسناد را هم در همان طوری که آقای مغبیر معترض است اظهار کرده اند معلوم است وظیفه مباشرت اسناد است که از طلوع آفتاب تا غروب آفتاب باید حاضر باشد و این قهر آفتاب منافی با شرافت است ولی اگر این نظر را دارند و این را علت برای تعیین این قانون می دانند بنده تأمل می کنم بجهت این که ممکن است شخصی وکالت بکنند در عدلیه یا اینکه مباشرت هم باشد باین طور که مثلاً در روزهای تعطیل بکارهای وکالتش بپردازد بملاده ممکن است بعد از فراغت از اداره مباشرت برود و انجام این وظیفه را بکنند این سخت گیری ما نمی دانیم برای آنچه جهت است که او متلاً برود یک خدمتی بخودش بنوش بکند و در ضمن یک تحصیلی برای امور معاش هم کرده باشد و البته در نظر مبارکشان است که در کیفیت اخیر در شرع انور مقرر است بلکه در تمام شرایط هست که اگر اجیر بیک شغلی مشغول شد که مزاحم با آن کاریکه با آن اجیر شده است نبود میتواند بنماید درجهت اینکه مشغول بکار تبت اسناد هستیم اگر یک کسی آمد و گفت یک اجرای صیغه عقدی برای من بکن و یک انکحت و زوجت بگو بعد هم ده تومان بعنوان تمارف با حق الزحمه من داد این را هیچ منافی با تبت نمی دانم و این اندازه سخت گیری را صحیح نمیدانم .

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - علت این نه عدم اجتماع است علتش اینست که کسی که مباشرت اسناد است و اسناد مردم اطلاع دارد وکالت بکند این هیچ صحیح نیست و بنده عقیده ندارم .

حاج شیخ الرئیس - جوابی که آقای مغبیر محترم دادند بنده را اقتناع نکرد و بیش از این هم عرضی ندارم اگر مباشرت تبت اسناد همین شرایطی که نوشته اند عمل کنند و انتخاب نمایند بنده به آنها سوء ظن ندارم که اطلاع بر اسناد را آلت اجرای امانت مقاصد خود کنند .

آقا محمد بروجرودی - رافع سوء ظن فضل و امتیاز نیست بملاده برهم با تقصیر نیست اگر سوء ظن داشته باشم بجهت اینکه خیلی چیزها دیده ام ممکن است کسیکه وکالت میکند و مباشرت هم هست آنطور که راهم درست بکنند چه مانعی دارد که اینطرف را خودش درست بکند و چهلستان را

تلفیق بکنند و نتیجه بگیرد باید بعقیده بنده این دوشی در یک نفر جمع نشود .

رئیس - مذاکره بعقیده بنده بقدر کفایت شده است - حالا رأی میگیریم کسانی که باین ماده بطریقی که خوانده شده موافقت دارند بقیام نمایند (با اکثریت تصویب شد) .

رئیس - روز شنبه چون والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه برای رسم خوردن بجای تشریف خواهند آورد دستوری برای روز شنبه تعیین نیست و این دستوریکه عرض میکنم برای روز سه شنبه است - شور در بقیه قانون تبت اسناد را بپورت کبیسون بودجه و کبیسون معارف راجع باعزاز محصلین انتخاب کسر کبیسون داخله و غیره .

افتخار الواعظین - در بپورت کبیسون داخله در باب قانون منع احتکار جزء دستور شده است بعقیده بنده اگر جزه دستور گذاشته شود و بگذرد خیلی اسباب فساداتی از آن خواهد شد .

[رئیس حرکت کرده مجلس مغرب ختم شد] .

جلسه ۲۱۹

صورت مذاکرات روز شنبه دوم مهر

ربیع الاول ۱۳۲۹

مجلس دو ساعت قبل از غروب آفتاب شروع شد حضرت اقدس آقای نایب السلطنه دامت عظمه مقصد شد والا حضرت اقدس در مرکز از هیئت رئیسه جیوس فرمودند در حالتی که آقای ممتاز الواعظین مجلس عقبر والا حضرت واقف شده و طرف راست آقایان آقا میرزا سید محمد مجتهد طباطبائی و آقا سید علی آقای یزدی و آقای علم الهدی و آقا سید کمال الدین و آقا شیخ اسماعیل رشقی و آقا سید احمد بهمانی و آقا شیخ عبدالجبار کنتی بترتیب مزبور واقف شده بودند و طرف چپ آقایان سردار العلماء و حاجی میرزا سید محمد امام جمعه و ظهیر الاسلام و آقا الله زاده طهرانی و آقا سید حسن و آقا سید محمد و آقا سید موسی خلفان مرحوم آقا سید رجاء الله واقف شده بودند .

و طرفین جنوب و شمال از میز و صندلی نایبان و منتظران بجای واقف شده بود .

در این موقع والا حضرت اقدس بیانات ذیل را ایراد فرمودند .

مخصوصاً درخواست کرده ام که تشریفات در این موقع نباشد برای اینکه بتوانم بعضی مطالب را که لازم میدانم در این جا بیان کنم - حالا در مجلس شورای ملی با حضور نمایندگان محترم خطاب خود را در حقیقت به تمام هم وطنان خود می کنم .

اولاً از حسن ظن و اعتماد و محبت خالصانه که از ایندگان ملت و تمام طبقات دارالخلافه و ولایات بوسائل مختلفه بمن اظهار شده ازمیم قلب تشکر کرده سعادت و شوکت ملت را از خداوند خواسته و برای خود در هر حال توفیق خدمت مشغول نمایم تا نایب چون امروز مملکت ما در تحت حکومت مشروطه یعنی حکومت ملی است لازم است که تمام ملت از مهمات امور مطلع باشند میخوام مسائل راجعه به نیابت سلطنت را توضیح کنم و برای آنکه

سابقه بی دردمملکت باقی نماند لازم میدانم آنچه را که در کیفیت انتخاب این جانب مخالف اصول عادات معموله ممالک مشروطه جاری شده با اطلاع عموم برسانم اولاً بدیهی است که در این امر نظر بتمتضیبات حال و صلاح مملکت قبل از وقت مذاکراتی لازم بود و از فراد معلوم این مذاکرات بعمل نیامده و عجله شده است .

ثانیاً از آن شخص که برای این مقام در نظر گرفته میشود باید قبل از انتخاب اعلام شود که آیا میتواند تقبل نماید و در چه صورتی برای او تقبل این وظیفه امکان پذیر است .

چنانکه بر همه نمایندگان محترم معلوم است در افتتاح مجلس ثانی تمام نمایندگان بالاتفاق نیابت سلطنت را بمن تکلیف کردند و من با دلایل قویه امتناع نمودم و چون دلایل موجه بود متقاعد شدند این دقعه با اینکه مسبق باین سابقه بودند باز بدون استعلاء مرا باین مقام انتخاب کردند ثالثاً معلوم است که نیابت سلطنت نباید مسئله متنازع فیه مابین پارتهای سیاسی واقع شود زیرا که این مقام مقام بی طرفی است و باید همه احزاب بی طرفی او محترم بشمارند بعبارة اخری انتخاب نیابت سلطنت از نقطه نظر پارتهای نباید باشد و حال آنکه برخلاف این قاعده رفتار شده پارتهای برضد یکدیگر استاده و رأی دادند .

رابعاً - یکی از حیثیات نیابت سلطنت ریاست قوه اجرائیه است و در انتخاب او اگر قوه مجریه با مجلس شورای ملی مشارکت نمی کند لافل مغالفت نیز نباید بکنند این نکته هم مل سائر نکات تماماً برخلاف واقع شده بکنگنه متوهمم در اینجا هست و باید ملتفت بود که نیابت سلطنت وقتی که با اکثریت قلبی انتخاب شود در انتظار اهمیت این مقام را کم می کند و در اینجا بواسطه اینکه قانون مخصوصی در ترتیب انتخاب نیابت سلطنت وضع نشده فقط بقانون معمول عمل شده ولی باید دانست که در این مسئله همه اکتفا بصورت ظاهر در آنچه ابتدا کافی و صلاح نخواهد بود و باید قانونی برای استعجاب نمایران موقع در آتیه وضع شود .

بعد از آنکه تلگراف اعلام این انتخاب در خارج بمن رسید و از کیفیت آن مطلع شدم چنانکه طبیعی است حیرت بزرگی بمن دست داد زیرا که از آنجا دعوت مجلس شورای ملی دعوت ملت را بدون توضیحات رد کردن البته جایز نیست ناگزیر برای توضیح این مطلب تلگرافهای مشروحه عذیده نموده خواهم کردم که جمعی از رؤساء احزاب چه در داخل و چه در خارج مجلس منمذکره در این نکات مهمه با ملاحظه صلاح مملکت و صلاحیت سابقه که در این موقع گذاشته میشود تجدید نظر نمایند باین تلگرافها هم ابتدا جواب کافی نرسید .

عجیب اینکه در جمعی که تمام نمایندگان محترم حضور داشتند این مطالب را بیان کردم اغلب اظهار بی اطلاعی از وصول این تلگرافات میکردند بالاخره مجبور شده تلگراف کردم که چون توضیح این مطالب بوسیله تلگراف ممکن نمیشود جواب

کافی هم بتلگرافات من نرسید برای اینکه نسبت تصور بمن داده نشود مصمم بآمدن شده و مذاکره این مطالب را حضوراً خواهم کرد مشروط بر اینکه بعد از مذاکرات و ملاحظاتی مصالح مملکت در رد و قبول این مقام مختار و آزاد باشم باین تلگراف هم جوابی کافی نرسید لهذا با حیرت تمام عازم شدم و در این بین چه وجه در روزنامهجات خارجه نسبت ترس و تردید بمن داده تعبیرات مختلفه کردند مراسلات تهدید آمیز هم بطوری که همه میدانید در فرنگ بمن رسید ولی علت تأخیر آمدن من نه تردید بوده و نه ترس بلکه امتداد این مذاکرات و حیرت نرسیدن جواب کافی اسباب تأخیر حرکت مرا فراهم میداشت و با وجود اینکه اسم من باین مقام نامزد شده بود از هیئت وزراء یک جواب صریح بپرسشوات تلگرافی من داده نشد هر چند اظهار مساعدت و محبت تمام وزراء عظام و نمایندگان گرام و تلگرافی که با مضامین تمام نمایندگان در آنجا بمن رسیده و دوستی ثابتی که همه وقت حاصل بود جبران این قصور را کاملاً نسبت بشخص من نمود ولی نسبت بمصالح مملکت شک نیست که اینطور سابقه مضره باید از دفتر مشروطیت معو شود .

بعد از ورود باینجا هم با وجود اینکه در جمعی که تمام نمایندگان محترم شرف حضور داشتند این بیانات را ننموده ام بدبختانه در تدقیق نکات مذکور مجال اقدام نشده بملاده با اینکه استعفای وزرای سابق را قبول نکردم از کار کنار نه نموده مرا از روز ورود دچار اشکال بزرگ بجران کابینه وزراء کردند و برای اینکه این مذاکرات اسباب طول بجران و اختلال امور مملکت نشود لابد بدون انتظار مذاکرات امروز در این جا برای ادای مراسم قانونی حاضر شده ام .

مسئله مهم دیگر که باید بیان کنم این است چون می بینم اصلاً چه در طهران و چه در ولایات انتظام امور مملکت را از شخص من انتظار توقع دارند علاوه بر اینکه این انتظارات هیچ دلیل و مومنی ندارد مخالف با قانون اساسی هم هست که اختیاری سلطنت نداده است لازم می دانم این اشتباه را رفع نمایم و البته اگر سکوت کنم نسبت افعال بن داده خواهم شد و بعداگر خدای نکرده انتظارات آنها حاصل نشود تصور خواهند کرد که در مصالح مملکت از طرف من غفلت شده و حال آنکه آن مصالح را قانون بن نرسیده حالا که برای اجرای مراسم قانونی حاضر شده ام لازم است اولاً بدانم که چه انتظاری از من هست و ثانیاً عرض کنم که من چه انتظاری از شما دارم تا شبهه برای احدی باقی نماند .

اما انتظاری که از من هست گویا مدلول قوانین اساسی برای این مسئله کافی باشد .

نمایندگان محترم بهتر از من میدانند و این توضیح فقط برای اطلاع عموم است بموجب اصل ۱۶ وضع قوانین مملکتی حق مجلس شورای ملی با مجلسین است .

معلوم است قوانین تقریباً یعنی قواعدی که

روابط افراد ملت را با یکدیگر و مناسبات آنها را پاهیت دولت مقرر می دارد موافق اصل ۹ قوانین که در مجلس گذشت باید با مضای سلطنت و با اجرا برسد یعنی سلطنت حق توقیف یا رد آنها داده نشده است مطابق اصل ۴ وزراء مشغول مجلس هستند .

بر اصل ۶۷ وزراء با اظهار عدم اعتماد مجلس حتماً معزول میشوند .

این اصول را که در نظر بگیریم خواهم دید که هر چند بر حسب ظاهر قانون تعیین رئیس الوزرائی از حقوق سلطنت است ولی نظر باینکه مشولیت وزراء بمجلس است و با عدم اعتماد اکثریت معزول میشوند برای احتراز از عدم اعتماد مجلس و احتراز از ظهور بحرانهای متواتر که اسباب اختلال امور مملکت میشود در تمام ممالک مشروطه از رسومات و عادات جاریه است که سلطنت مشروطه قبلاً نظر اکثریت مجلس را در اعتماد رئیس الوزراء بتوسط رئیس مجلس استنباط نموده بعد از تحصیل اطمینان رسماً او را معین و معرفی بنماید .

اختیار انتخاب وزراء دیگر نیز بمشولیت خاص رئیس الوزراء است که هر کس را با خود موافق و متعهد مملکت بداند معرفی نماید .

پس از این استدلالات قانون اساسی بخوبی واضح میشود که قوه مقننه قوه مجریه که با هم قدرت مملکت را تشکیل می دهند هر دو از اختیار سلطنت خارجند .

قوه قضائیه هم که بطریق اولی مربوط سلطنت نیست .

بنابر این تمام اختیار و مشولیت امور مملکتی منماً و صوراً با مجلس شورای ملی یا مجلسین و هیئت وزراء است فقط آنچه برای سلطنت باقی می ماند اظهار رأی در کلیات مصالح مملکت است آنچه نه بطور حکم بلکه بطور صلاح اندیشی و هیئت بر حسب مشولیتی که بمجلس دارند در رد و قبول آن مختارند از طرف دیگر چون سلطنت نسبت باحزاب سیاسی باید یکی بی طرف باشد .

این قاعده مسلم است که اظهار رأی نیز وقتی برای سلطنت میسر است که ضدیت و تقاضای مابین احزاب موجود نباشد والا از ادای این وظیفه نیز باز خواهند ماند که با در عقیده خود با احدی الحزبین طرفیت حاصل نمایند بنابر این حاجت اثبات نیست که همانطور که مشولیتی برای سلطنت نیست ابتدا اختیاری هم قانون بانداده است من هم که قوانین اساسی را فوق العاده محترم بشمارم مقصودم از این بیانات اعتراض و تحصیل مزید اختیار نیست فرضاً اگر مجلس شورای ملی در موقع مزید اختیار دولت را لازم نداند و البته این قبیل مواقع در پیش هست باید آن اختیار را بدست وزراء بدهند که مشغول مجلس هستند بعد از این مقدمات پوشیده نخواهد ماند عبارات قسم نامه که در قانون اساسی مندرج است با عدم اختیاری که برای سلطنت ثابت شده موافقت نمیکند کسی که ملت این نکات باشد البته عبارات قسم را باین نیت بزبان جاری میشاید که شخصاً بطوریکه بر تمام افراد ملت فرض است